

# پژوهشی نو در القاب امام عصر عجل الله فرجه

پژوهشی نو در القاب امام عصر عجل الله فرجه  
رسول عربان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# ترسیم آفتاب (۲)

پژوهشی نو در القاب امام عصر علیه السلام

سرشناسه	: عربان، رسول، ۱۳۴۷.
عنوان و پدیدآور	: ترسیم آفتاب / مؤلف رسول عربان.
مشخصات نشر	: قم : خلق، ۱۳۸۵ - ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	: ج۲.
فروست	: خلق؛ ۱۵.
شابک	: ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۹۰۳-۰۱۰۰-۲
وضعیت فهرست‌نویسی	: فا.پا.
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - لقب‌ها.
موضوع	: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - نام‌ها.
موضوع	: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - احادیث.
موضوع	: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - جنبه‌های قرآنی.
رده‌بندی کنگره	: ۴ ت ۴ ع سرسما ۵۱ BP
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۹ سرسما ۲۹۷
شماره‌ی کتابشناسی ملی	: ۲۰۹۹۲ - ۸۵ م

## انتشارات خُلق

وابسته به مؤسسه‌ی فرهنگی دارالهدی

### ترسیم آفتاب ( ۲ )

پژوهشی نو در القاب امام عصر علیه السلام

مؤلف: رسول عربان

ویراستار: محمدرضا مجیری

کنترل و ویرایش و نمونه‌خوانی: مهدی خلیلیان

صفحه آرا: عباس فریدی

نوبت و سال چاپ: اول، پاییز ۱۳۸۸

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

بها: ۱۸۵۰ تومان

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۹۰۳ - ۰۱ - ۰۴

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

## فهرست مطالب

۷	مقدمه
۹	الدین المأثور
۹	ترسیم مذهب
۱۵	ناظر شجرة طوبى و سیدرة المنتهى
۱۵	درخت طوبی
۲۳	العلم المنصوب
۲۳	نشان خداشناسی
۲۹	الإمام المأمون
۳۹	الأئمة المأمول
۳۹	در آرزوی طلیعهی آفتاب
۵۱	وجه الله
۵۱	زادهی زهراء <small>علیها السلام</small> ، قبله گاه و نگار تمام نمای آفریدگار زیبا
۵۷	الجمعه
۵۷	آدینهی شمیم گل نرگس در آدینهها
۶۵	الكتاب المنطور
۶۵	روح آفرینش، حضرت حجت <small>علیه السلام</small> ، تندیس قرآن و باطن آن
۷۵	الشريد، الطريد
۷۵	تحفهی آفرینش صحرانشین و تنها

- صاحب الرِّجْعَةِ وَ الكَرَّةِ ..... ۸۱
- ۸۱ ..... بازگشت حضرت صاحب الزمان عليه السلام و باخواست یاران خفته‌اش در بستر خاک
- صاحب النّاحِيَةِ، غلام، رَجُل ..... ۹۳
- ۹۳ ..... تقيه در روزگار غیبت
- رَبّانِي آيَاتِ اللّهِ ..... ۱۰۹
- ۱۰۹ ..... آموزگار آفرینش
- مِيزَانُ الحَقِّ ..... ۱۱۵
- ۱۱۵ ..... ترازوی سنجش
- كَلِمَةُ المَحْمُود ..... ۱۲۱
- ۱۲۱ ..... پدیده‌ی تمام‌نگار خداوندگار
- غُوث ..... ۱۲۹
- ۱۲۹ ..... غوث: فریادرس
- رسول رحمت و خاندان معصومش عليهم السلام، مظهر غوث و پناه ..... ۱۳۱
- تشرّف روغن فروش حله ..... ۱۳۶
- منابع ..... ۵۱۳۹
- تاب‌نامه ..... ۱۳۹

## مقدمه

حمد و ثنا سزاوار خداوندی است که جهان هستی را با نور خاندان نبوت علیهم السلام روشن ساخت و دل‌های بی‌فروغ و ویرانمان را با نام و یادشان آباد و زنده داشت و لعنت ابدی بر دشمنان بدسرشت و فرومایه‌شان باد، که اساس شرک و پستی‌ها هستند.

شناخت امامان معصوم علیهم السلام و آگاهی از رفتار و صفات پاکشان به‌ترین راه برای بیرون آمدن از غرقاب زشتی‌ها و تعصبات جاهلانه، و آراسته شدن به صفات الهی است. اینک ما در روزگاری زندگی می‌کنیم که تصویری روشن و بی‌پیرایه از آخرین ذخیره‌ی الهی، حضرت مهدی آل محمد علیهم السلام می‌تواند درون‌ها را دگرگون و آرام کند و از جامعه مدینه‌ای فاضله بسازد. و به‌راستی مردمی که مدعی دوستی و پیروی از چنین امامی هستند، باید به رنگ و نشان حضرتش شباهتی نزدیک داشته باشند.

جلد دوم ترسیم آفتاب همانند جلد اول از دریچه‌ی القاب و نام‌های آن امام همام و با استمداد از آیات و روایات، گامی ناچیز در جهت شناخت و آشنایی با سیرت حضرت ولی عصر علیه السلام برداشته، تا پیروان و مشتاقانش

تصویر و شناختی به تر و روشن تر از آن عزیز زهرا علیها السلام در پیش رو داشته باشند و در اقتدا به رفتار و آراسته شدن به صفات پاک و والای آن حضرت، به مولای خویش هر چه نزدیک تر شوند و خود را برای ملاقات و ظهور فرخنده اش آماده تر کنند.

در پایان، از استاد فرزانه و گرانقدر حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای ناصری و همچنین تمام دوستان مؤسسه‌ی دارالهدی که سهمی بسزا در آماده شدن این اثر داشته‌اند، کمال تشکر و سپاسگزاری می‌شود، باشد که مورد لطف پروردگار متعال و عنایات حضرت بقیة اللہ و اجداد طاهرینش علیهم السلام قرار گیرند.

رسول عربان



# الدِّينُ الْمَأْتُورُ

## ترسیم مذهب

دین، مجموعه‌ای تافته از باورها، بایدها و نبایدها است که برای پرورش و تربیت انسان نازل شده است. بر دین‌باوران بایسته است که آنها را بدانند و بر تارک زندگانشان نقش زنند؛ در برابر دین خویش گردن فرود آرند و از قوانینش پیروی کنند؛ نه پیشی گیرند و نه پس افتند.<sup>۱</sup> سرشت و بنیان آیین پاک اسلام بر باور به دادگری خدای یکتا و نبوت و امامت و رستاخیز نهاده شده و با فروعی همچون: نماز و روزه، حج و جهاد، اخلاق، حقوق و... آراسته گشته است.

خاندان نبوت عليه السلام از نخستین و راسخ‌ترین پیروان مکتب راستین اسلامند؛ بر فرمان‌ها و خواسته‌های آن، به دیده‌ی احترام و بزرگی بنگرند و احکامش را آن چنان که هست و شایسته است، به کار گیرند به طوری که اینان برای خدا باوران اسوه و سرمشقند.<sup>۲</sup> از سویی دقیق‌تر، هدایتگران

---

۱. رک: تفسیر موضوعی قرآن حکیم، وحی و نبوت در قرآن، ج ۳، بخش ۱، ص ۸۸.  
۲. «وَأَعْبُدُوا رَبَّكُمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَكُمُ الْيَقِينُ»، حجر / ۹۹؛ در زیارت جامعه‌ی کبیره می‌خوانیم: «وَعِبَادَةُ الْمُكْرَمِينَ، الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِ يَعْمَلُونَ»؛ آنان، بندگان گرامی

معصوم علیه السلام خود، متن و چهره‌ی واقعی مکتبند. نسخه‌ی اصلی دین، و باطن و تندیس کامل اسلام، و حقیقت برتر آنند؛ یعنی وجود خارجی مکتب و ترسیم واقعی آن در بیرون، رسول اکرم و خاندان چون اویش علیه السلام هستند. آنان، فشرده‌ی تمام پرستش‌های توحیدی، عصاره‌ی همه باورهایی که کتاب قانون خدای دانا ترسیم فرموده و چکیده‌ی هر شایستگی و فضیلتی هستند، آن‌ها خود مکتب یکتاپرستی‌اند.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ»<sup>۱</sup> فرمود: منظور از «الدین» امیر مؤمنان، علی علیه السلام است.<sup>۲</sup>

علی بن ابراهیم در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالذِّينِ»<sup>۳</sup>، روایت کند که: منظور، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امیر مؤمنان علی علیه السلام است.<sup>۴</sup>

...  
خداوند که در گفتار از او پیشی نمی‌جویند و به دستور او رفتار می‌نمایند، ... و نیز «و بِهِ تَوَمَّنُونَ وَ لَهُ تُسَلَّمُونَ وَ بِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ وَ إِلَى سَبِيلِهِ تِرْشُدُونَ وَ بِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ»؛ شما به خدا ایمان دارید و تسلیم او هستید؛ به دستور او رفتار می‌کنید و به راه او راهنمایی می‌نمایید و طبق گفته‌اش داور می‌کنید. *مفاتیح الجنان* ۹۰۲ و ۹۰۵.

در زیارات پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز این گونه شهادت می‌دهیم: أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَطَعْتَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ؛ گواهی می‌دهم که تو نماز را برپا داشتی و زکات را پرداختی؛ به نیکی فرمان دادی و از بدی، نهی کردی؛ فرمانبردار خدا و رسولش بودی، تا آن که به شهادت رسیدی. *مفاتیح الجنان*، زیارت وارث، ص ۷۰۵ و زیارت امام رضا علیه السلام، ص ۸۲۴ و ...

۱. تین / ۷؛ «پس چه چیز سبب می‌شود که بعد از این همه دلیل‌های روشن روز جزا را انکار کنی؟».

۲. تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۷۷، ح ۳.

۳. انقطاع / ۹؛ «بلکه شما روز جزا را منکرید!».

۴. تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۳۶، ح ۲.

امام صادق علیه السلام در تفسیر «ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ»<sup>۱</sup> فرمود:

مقصود از «الدِّينُ الْقَيِّمُ»، امیر مؤمنان علی، امام حسن، امام حسین، امام سجاد، امام باقر، امام صادق، امام کاظم، امام رضا، امام جواد، امام هادی، امام حسن عسکری و حضرت حجت علیه السلام است.<sup>۲</sup>

درخت تنومند یکتاپرستی و ولایت‌مداری، ریشه در سرشت آفرینش دوانیده و از دانش بی‌پایان خداوندی، آب و جان گیرد و در هر گستره‌ای رخ‌نمایی و جلوه‌گری کند. شکوفه و میوه‌ی آن احسانِ حضرت ایزدی، هر تشنه و جوینده‌ای را از عطش معارف و فضایل و احکام، نجات بخشد.

قرآن ارجمند و عترت هدایتگر علیهم السلام با نوشتار و گفتار، آن درختِ پُربرکت را صورتگری کردند؛ آخرین ستاره‌ی آسمان صداقت و راستی، حضرت مهدی علیه السلام نقاش آن درخت، و خود نیز حقیقت و تندیس آن است. وی تافته و نموداری کامل از آموزه‌های دین است که در آینه‌ی وجودش همه درون‌مایه‌ی مکتب جعفری، میهمان دل‌ها و روشنی‌بخش دیدگان است؛ باور به خدا و صفات خدایی و شناخت تمام بایدها و نبایدهای مذهب را، پاک و زلال، در آن نگار زیبایی‌ها می‌توان جست.

نوشتار و گزارش‌های صاحبان ادیان، گویای درون‌مایه و برون‌مایه‌ی هر مکتبی است؛ که از تحریف و دگرگونی در امان نمی‌باشد و در رهگذر زمان،

۱. توبه / ۳۶؛ این، آیین ثابت و پابرجای الهی است!

۲. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۴۳، باب ۶۰، تأویل الأيام و الشهور...، ح ۴.

رنگی دیگر می‌گیرد و جایگاهش نهان می‌شود؛ همان‌گونه که از دیرباز، ادیان الهی و دستورهای آنها، از دستان پلید دورویان و سودجویان، دور و سالم نماند و اینک ما گواه تورات و انجیلی باطل و شرک‌آلود هستیم. بدین جهت، وجود نموداری کامل و مجسم از دین اسلام که همان حضرت حجت علیه السلام است، مکتب را از این آفات و آسیب‌ها نگاه می‌دارد. آن حضرت، اصل و حقیقت اسلام است که هرگز دستی ناپاک وی را آلوده نسازد، چیزی بر آن نیفزاید و نکاهد.

در زیارت آن عزیز دل‌ها، با این نام و نشان به آستان پاک و بلندش درود می‌فرستیم:

السَّلَامُ عَلَى الدِّينِ الْمَأْثُورِ<sup>۱</sup>

این نام بیانگر آن است که وی، خود مکتب، و با وجودش نگاهبان دین خاتم است.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْأَيْسَلَامُ»<sup>۲</sup>، فرمود:

[مقصود از «دین» در این آیه] امام است.<sup>۳</sup>

آیین اسلام، یگانه دینی است که خدای توانا بدان رضایت داده،<sup>۴</sup> تا تمام

۱. مفاتیح الجنان / ۸۷۵.

۲. آل عمران / ۱۹؛ دین در نزد خدا، اسلام و تسلیم بودن در برابر حق است.

۳. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۷۴، ح ۲.

۴. مائده / ۳؛ اسلام را به عنوان آیین جاودان شما پذیرفتم.



پهنای زمین را تا رستاخیز فراگیرد.<sup>۱</sup> همه‌ی پیامبران، از پیروان نخستین آن دین توحیدی و ترویجگر آن بوده‌اند؛<sup>۲</sup> بدین سبب، ادیان الهی همگی بر یک اساس و روش استوارند<sup>۳</sup> و جز اسلام، هر مکتبی باطل است و مردود<sup>۴</sup> و این احسانی سترگ، از جانب خدای بخشاینده بر آفریدگان خود است، تا بندگان پاسش دارند و در برابر این نعمت، خدای را سپاس گویند.<sup>۵</sup>

خدایی که رشته‌ی تمام امور به دست او است، تنها زمامداری و خلافت زاده‌ی زهرا و نیاکان پاک او علیهم‌السلام را اجازت و فرمان داده، تا پیوسته،

۱. «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»، دین در نزد خدا، اسلام و تسلیم بودن در برابر حق است. (آل عمران / ۱۹)؛ «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»، بگو: پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده؛ آیینی پابرجا و ضامن سعادت دین و دنیا؛ آیین ابراهیم؛ که از آیین های خرافی روی برگرداند؛ و از مشرکان نبود؛ انعام / ۱۶۱.

۲. «وَ إِذْ قَالَ عِيسَىٰ بَنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ»؛ و به خاطر آورید هنگامی را که عیسی بن مریم گفت: ای بنی اسرائیل! من فرستاده‌ی خدا به سوی شما هستم در حالی که تصدیق کننده‌ی توراتی می‌باشم که قبل از من فرستاده شده، و بشارت دهنده به رسولی که بعد از من می‌آید و نام او احمد است! هنگامی که او با معجزات و ادله‌ی روشن به سراغ آنان آمد، گفتند: این سحری آشکار است؛ صف / ۶.

۳. «مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»؛ ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی؛ بلکه موحدی خالص و مسلمان بود؛ و هرگز از مشرکان نبود. آل عمران / ۶۷.

۴. «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»؛ و هر کس جز اسلام و تسلیم در برابر فرمان حق آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد؛ و او در آخرت، از زیانکاران است؛ آل عمران / ۸۵.

۵. آل عمران / ۶۷.

کرانها، بستر حکمرانی و امامتشان باشد و همه‌ی پیامبران الهی از پیروان و مبلغان آنان بودند، و چه نعمتی بالاتر و برتر از ولایت و امامت؟!  
 به امید آن سپیده‌دمان که خورشید از مکه سر بر آورد، و آن ماه زیباروی پرده‌نشین، نقاب از رخسار برگیرد، و پرچم خداپرستی را بر بام کعبه برافرازد، و مکتب امام صادق علیه السلام را به عزت و شوکت رساند و بانگ ایمان و عدالت و «أَشْهَدُ أَنْ عَلَيْنَا وَلِيُّ اللَّهِ» از مأذنه‌ها، جانها را به طرب درآورد.<sup>۱</sup>

---

۱. «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ»؛ ستایش مخصوص خداوندی است که ما را به این همه نعمت رهنمون شد؛ و اگر خدا ما را هدایت نکرده بود، ما [بدان] راه نمی‌یافتیم، أعراف / ۴۳.

# نَاظِرُ شَجَرَةِ طُوبَى وَ سِدْرَةِ الْمُنتَهَى

## درخت طوبی

پروردگار حکیم، درخت مَحَبَّتِ آلِ طه علیهم السلام را به دست خویش در فردوس<sup>۱</sup> و قلب سعادت‌مندان نشانَد و به احسانش آبیاری کرد، تا با باورهای راست و رفتار نیک ما بهاری شود و شکوفه محمدی زند و آنک آنک از بحبوحه‌ی رستاخیر و فردوس سر فرازند و مومنان در گستره‌ی سایه‌بانش بیاسایند و آرام گیرند؛ به شاخه‌های آن در آویزند و در جمع عرشیان گام گذارند.

باری، درخت طوبی و سدره المنتهی که خدای بخشاینده نهالش را نشانَد، همان دوستی و ولایت امیر مؤمنان و خاندان او علیهم السلام است که مدار و قلب تمام خوبی‌ها و شایستگی‌ها است. به‌تر بگوییم؛ حقیقت و جوهره‌ی

---

۱. امام باقر علیه السلام: طُوبَى شَجَرَةٌ فِی الْجَنَّةِ قَدْ غَرَسَهَا رَبُّنَا بِيَدِهِ؛ طوبی درختی است در فردوس که حضرت پروردگار به دست خود آن را نشانده است، تفسیر برهان، ج ۲، ص ۲۹۳، ح ۱۰.

صفات پسندیده و بایدهای خداوندگار، محبت آل محمد علیهم السلام است؛ همان‌گونه که اساس تمام زشتی‌ها و ناآراستگی‌ها، بدخواهی و کینه‌توزی با آن خاندان پاک است. نماز و حج و هر پرستشی، با ولایت، پذیرفته و معراج مؤمن است. جان و مال را به رسم هدیه به حضرت دوست پیشکش کردن و هر گذشتی با قلبی لبریز از عشق به فاطمه زهرا و زادگان پاکش علیهم السلام، آدمی را به فراتر از آسمان‌ها پرواز و در بهشت آشیانش دهد. خداشناختی و یکتاباوری که ره‌آورد انبیا و کتاب‌های آسمانی است، از شاخه‌های بالنده امامت است.<sup>۱</sup> هر جوینده‌ای تنها با دوستی آن پاکان و پیروی از آنان، به مقصد و مقصود خود نایل آید و این بخشش و هدیه آسمانی و سترگ، سنگر سخت و قلعه‌ی نفوذناپذیری است که از هر باطل و آسیبی نگاه دارنده خواهد بود.

مردی از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله همراه با گروهی بر آن حضرت میهمان شدند و سؤال کردند: درخت طوبی کجا است؟ فرمود: در فردوس، در سرای من. دیگری همان را پرسید؛ پاسخ آمد: در بهشت، در منزل امیر مؤمنان علی علیه السلام. گفتند: چند لحظه پیش، همین را پرسیدیم؛ پاسخ دادی: در خانه‌ی من و اینک فرمودی: در خانه‌ی علی! پاسخ داد: سرای من و علی یک جا است.<sup>۲</sup>

۱. امام صادق علیه السلام: نَحْنُ أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ وَ مِنْ فُرُوعِنَا كُلِّ بَرٍّ وَ مِنْ الْبِرِّ التَّوْحِيدُ وَ الصَّلَاةُ...؛ ما بنیاد هر خیر و خوبی هستیم و هر خیری از فروع ما است، و از آن خوبی‌ها یکتاپرستی، نماز و روزه و... است. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۰۴، کتاب الامامة، باب ۶۶ إنهم علیهم السلام، الصلاة و...، ح ۱۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۸، ص ۱۹۶، کتاب العدل، باب ۲۳، الجنة و نعيمها، ح ۱۸۵.



واپسین و برترین پیامبر خدا ﷺ، به دخترش، حضرت فاطمه علیها السلام چنین گزارش داد:

در شب معراج، به درخت سدرة المنتهى رسیدم. روی آن نوشته بود: «به راستی من پروردگار یکتا هستم که جز من خدایی نیست. محمد صلی الله علیه و آله برگزیده‌ی آفریدگانم است. وی را به وزیرش تأیید و یاری رسانم». از جبرئیل سؤال کردم: «وزیر و جانشینم کیست؟»، گفت: «علی بن ابی طالب علیه السلام... از آن جا گذشتم... تا آن که در فردوس فرود آمدم و درخت طوبی را دیدم که ریشه و تنه‌ی آن، در سرای علی علیه السلام بود. در بهشت، کاخ و کاشانه‌ای نیست، جز آن که شاخه‌ای از درخت طوبی در آن هست.<sup>۱</sup>

آن حضرت در روایتی دیگر فرمود:

خدای بلندمرتبه، در قلب من انداخت که دوستی و محبت علی علیه السلام درخت طوبایی هست که خداوند به دست خویش در قلب مؤمنان نشانده است.<sup>۲</sup>

محبت و دلباختگی آخرین و کامل‌ترین نهال هستی، حضرت حجت علیه السلام را حضرت حق، در دل‌های پاک اهل ایمان کشت تا با صادق‌ترین و راسخ‌ترین

---

۱. همان، ج ۱۸، ص ۴۰۸، تاریخ نبینا صلی الله علیه و آله، باب ۳، إثبات المعراج، ح ۱۱۸: إني أنا الله لا إله إلا أنا و خدي، مُحَمَّدٌ صَفْوَتِي، أَيْدَتُهُ بِوَزِيرِهِ وَ نَصَرْتُهُ بِوَزِيرِهِ، فَقُلْتُ لِجِبْرِئِيلَ: «وَمَنْ وَزِي؟»، فَقَالَ: «عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام...»، فَلَمَّا دَخَلْتُ الْجَنَّةَ رَأَيْتُ شَجَرَةَ طُوبَى، أَصْلُهَا فِي دَارِ عَلِيٍّ، وَ مَا فِي الْجَنَّةِ قَصْرٌ وَ لَا مَنْزِلٌ إِلَّا فِيهَا فِتْرٌ مِنْهَا.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۲۹، کتاب الامامة، باب ۴، ثواب حبهم، ح ۱۱۹.

عقیده‌ها و برترین کردارها آبیاری و درختی تناور گردد. ریشه و تنه‌ی آن درخت مبارک، آن‌چنان محکم و پابرجا است که هرگز قد خَم نکند. هیچ تندبادی شاخه‌های بی‌شمارش را که به عدد شیعیان است، نلرزاند و نشکند، و هر برگی از آن، به پهنای اقیانوس‌ها گسترده که تمامتِ باورمندان و پیروانش را در سایه و چتر حمایت خود گیرد.<sup>۱</sup>

بلندای درخت طوبی و سدرۃ المنتهی، آسمان‌ها را بشکافد و تا «قَابِ قَوْسَینِ أَوْ أذْنِی» خودنمایی کند؛ بدین سبب، دست یازیدن و چنگ در انداختن به آن، فرشیان را به عرش رساند و بدان جا فرودشان آرَد و در برزخ و رستاخیز، از نسیم و طراوتش شادمان باشند و در سایه‌اش بیاسایند.

امام صادق علیه السلام، در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ»<sup>۲</sup> فرمود:

مقصود، نبی اکرم و پیشوایان پس از او علیهم السلام هستند که اصل ثابت و پابرجایند، و مقصود از «فَرْعُهَا» ولایت آن سروران است که باید به آن گردن نهاد و پذیرفت.<sup>۳</sup>

۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله در ترسیم درخت سدرۃ المنتهی فرمود: «... فاذا ورقة منها تظل أمة من الأمم؛ هر برگی از آن؛ می‌تواند بر امتی سایه افکند»، تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۴۸، ح ۴.  
 ۲. ابراهیم / ۲۴؛ آیا ندیدی چگونه خداوند کلمه‌ی طیبه و گفتار پاکیزه را به درختی پاکیزه مثال زده که ریشه‌ی آن [در زمین] ثابت، و شاخه‌ی آن در آسمان است؟!  
 ۳. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۴۱، کتاب الامامة، باب ۴۴، انهم علیهم السلام الشجرة...، ح ۸.

محمد بن سلیمان از امام صادق علیه السلام، درباره‌ی تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «عند سِدْرَةِ الْمُنْتَهٰی»<sup>۱</sup> پرسید؛ امام این آیه‌ی شریفه را خواند:

«أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ»<sup>۲</sup> سپس فرمود: رسول خدا بُن و ریشه، امیر مؤمنان علی، تنه، حضرت فاطمه فرع، و پیشوایانی از دودمانشان علیهم السلام شاخه‌ها، و پیروان آنان، برگ‌های آن درختند. سلیمان پرسید: فدایت شوم! نامگذاری آن درخت به «سدره المنتهی» به چه اشارت دارد؟ فرمود: به خدا سوگند! دین، به آن پایان می‌پذیرد. کسی که از آن بهره‌ای نگیرد، اهل ایمان و از پیروان ما نیست.<sup>۳</sup>

بهشت و دوزخ، اکنون برپا است و شب معراج، مهم‌ترین رسولان صلوات الله علیهم آن جا سیر کرد و نعمت‌ها و کیفرهایش را از دیدگان عزیزش گذراند.<sup>۴</sup> و

۱. نجم: ۱۴؛ نزد "سدره المنتهی".

۲. ابراهیم/ ۲۴؛ آیا ندیدی چگونه خداوند «کلمه طیبه» و گفتار پاکیزه را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه آن (در زمین) ثابت، و شاخه آن در آسمان است؟!

۳. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۳۹، کتاب الإمامة، باب ۴۴ انهم علیهم السلام، الشجرة...، ح ۵.

۴. اباصلت هروی به امام رضا علیه السلام عرض کرد: ای فرزند رسول خدا صلوات الله علیهم! به من بگو آیا بهشت و دوزخ اینک آفریده شده؟ فرمود: آری، رسول خدا صلوات الله علیهم، در شبی که به معراج رفت، به فردوس داخل شد و آتش را دید. گفتم: گروهی بر آنند که بهشت و دوزخ، هنوز پدید نیامده است. امام فرمود: آنان، از ما نیستند و ما از آنها نیستیم. هر کس خلقت

این‌ها همگی تجسم و بازتاب روان و رفتار آدمیان در این سرا است. آنچه قرآن کریم و روایات روشنگر، برای تشویق و بیم‌بندگان، در این گستره در وصف آن گزارش دهند، همه در این جهان خاکی، بذرافشانی و تحفه‌اش از این جا فرستاده شود، تا در واپسین جهان بروید و به یکدیگر پیوند و بوستانی دل‌انگیز و قصرهایی سر به فلک کشیده با جوی‌هایی لبریز از آب و شیر روان بسازد و همدمی عرشیان و هزاران احسان دیگر که چشمی هرگز ندیده و زبان و قلمی را یارای ترسیمش نباشد، به ارمغان آرد و دشمنی با آل علی علیهم‌السلام نیز آتش دوزخ و درخت زقوم و کیفرهای گوناگونی گردد که نهیب و بیم آن وصف‌ناپذیر است و در خرد‌ها نگنجد.

با غواصی در روایات گزارش شده در این‌باره که پاره‌ای از آن‌ها از پیش رویمان گذشت، می‌توان گفت: درخت طوبی و سدرۃ‌المتهی در بهشت، تندیس دلدادگی و حقیقت ولایت و سرسپاری بر آستان نورافروز جهان، حضرت مهدی و نیاکان پاکش علیهم‌السلام است که اساس هر پاکی و خوبی است و در عمق دل‌های رستگاران و پیراستگان، ریشه‌ای استوار دوانیده و شاخ و برگش تا افلاک رسد و میوه‌ی خداپرستی و فروتنی، ره‌آوردش خواهد بود.

→

بهشت و جهنم را منکر شود، بر ما و نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، دروغ بسته است. بحارالانوار، ج ۸، ص ۱۱۹، کتاب العدل و الجهاد، باب ۲۳، الجنة و نعیمها، ح ۶ و ص ۱۴۸، ح ۶۹ و در روایتی دیگر چنین آمده: خداوند مهربان شبی که رسولش را به معراج برد به او فرمود: ای محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم! درود مرا به امت برسان و به آن‌ها بگو فردوس آبش گواراست و خاکش، پاکیزه، نرم و سفید، ذکر سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله آن را کشت می‌کند پس فرمان ده امت را که بسیار بکارند...؛ بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۳۳۵، تاریخ نبینا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، باب ۳، اثبات المعراج، ح ۳۶.



امام صادق علیه السلام فرمود:

طوبی، سزاوار کسی است که در دوران غیبت قائم از  
ما خاندان، به فرمان‌های ما چنگ زتد و قلب وی، پس از  
ره یافتن، در انحراف نیفتند. پرسیدند: طوبی چیست؟  
فرمود: درختی است در بهشت که در خانه‌ی علی بن ابی  
طالب علیه السلام ریشه دوانیده است. مؤمنی نیست جز آن که در  
سرای او، شاخه‌ای از شاخه‌های آن درخت هست.<sup>۱</sup>

در زیارت حضرت ولی عصر علیه السلام با این نام مبارک، درود می‌فرستیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاطِرَ شَجَرَةِ طُوبَى وَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى!<sup>۲</sup>

این نام با توجه به آنچه نگاشتیم - پرده از آن برمی‌دارد که آن حضرت  
با دیدگان عین‌اللّهی خویش بر تمام هستی، از دل خاک تا فراتر از افلاک، بر  
درخت طوبی و سدره المنتهی که در آسمان هفتم جای دارد،<sup>۳</sup> ناظرند و آن  
حجت خدا، به محبت در قلب و جان مردمان و یاوران خود، آگاه و دانا  
است. بنابراین، دورویی و صداقت در پیش او نهان نم‌اند.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «وَ كَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ

السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ»<sup>۴</sup> فرمود:

۱. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۷۰.

۲. درود بر تو ای بیننده‌ی درخت طوبی! مفاتیح الجنان / ۸۶۸.

۳. بحار الأنوار، ج ۸، ص ۱۳۳، کتاب العدل و الجهاد، باب ۲۳، الجنة و نعیمها، ح ۴۰.

۴. أنعام / ۷۵؛ و این چنین، ملکوت آسمان‌ها و زمین و حکومت مطلقه‌ی خداوند بر آن‌ها  
را به ابراهیم نشان دادیم؛ [تا به آن استدلال کند،] و اهل یقین گردد.

برای حضرت ابراهیم، حجاب‌های هفت‌گانه‌ی  
آسمان‌ها و زمین کنار رفت تا فراتر از عرش را نگریت و  
برای حضرت محمد ﷺ نیز چنین شد و من می‌نگرم به  
صاحب شما و پیشوایان پس از او ﷺ که برای همه‌ی  
آنها چنین است.<sup>۱</sup>

و در جای دیگر فرمود:

ما هر کس را ببینیم، حقیقت ایمان، یا دوری‌اش را  
می‌یابیم و پیروان ما با نام و نشان خود و نیاکانش نوشته  
شده است.<sup>۲</sup>

امام باقر علیه السلام نیز فرموده است:

نَحْنُ عَيْنُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ؛

ما دیدگان خدا در میان آفریدگان اویم [= چیزی از چشم  
ما پنهان نیست].<sup>۳</sup>

آری، آن ذخیره‌ی الهی، دیده‌ی خداوند است و از آنچه در دل خاک تا  
افلاک باشد، همه در محضر اوست؛ از این رو امام رضا علیه السلام فرمان می‌داد  
برای حضرتش از خدا چنین دعا کنند:

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي... عَيْنَكَ النَّاطِرَةَ بِإِذْنِكَ وَ شَاهِدِكَ  
عَلَى عِبَادِكَ؛

بارالها! از دیده‌ی بینایت که به اذن تو می‌نگرد و گواه  
بر بندگان تو است، هر بلا و مصیبتی را دور ساز.<sup>۴</sup>

۱. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۳۱، ح ۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۴۱، کتاب الامامة، باب ۵، جوامع مناقبهم...، ح ۵.

۳. بحار الأنوار، ج ۲۶، کتاب الامامة، باب ۵، جوامع مناقبهم...، ص ۲۴۶، ح ۱۳.

۴. مفاتیح الجنان / ۸۹۵.

# الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ

## نشان خداشناسی

در آن رهگذر که پُر پیچ و خَم است و پُر خطر، و آن معبری که هر دو سویش دره‌ای ژرف است و کُشنده، توجه به نشانه‌ها و علامت‌های هدایتگر، مسافران را از خطر و گمراهی ایمن می‌دارد. حلقه زدن زیر پرچم‌های برافراشته‌ای که صدق و راستی به اهتزازشان درآورده، فرجامش امنیت و آرامش خواهد بود و روی گردانی و غفلت از آن‌ها، آدمیان را صیدِ دام تزویرگران و نابود می‌سازد.

سوسوزدن اختران، سرگشتگان بیابان تار و تاریک جهل را رهنمایی کند و سرنشینان کشتی سرگردان دریای نادانی و گرفتاران امواج بلند هوس‌های شیطانی را راه می‌نمایاند. آری، پیشوایان اسلام علیهم‌السلام نام و نشان راه خداوند بلندمرتبه‌اند. چشم و دل را بدرقه‌ی گفتار و کردارشان داشتن، رستن از خطر و سلامت می‌آورد؛ آنان پرچم‌های برافراشته‌ی امنیت و پناهند که یگانه پرستی، نبوت و ولایت پیامشان است.

خاندان نبوت علیهم‌السلام ستارگان زینت‌آرا و نورافشان آسمان بی‌پایان توحید و خداپرستی‌اند که پهنای آفاق را روشن می‌کنند و برای سالک، چراغی هستند برافروخته، تا وی را در سر منزل مقصود، مأوا دهند.

در شب معراج، پروردگار دانا، به رسولش فرمود:

ای محمد! ﷺ به او [= امیر مؤمنان علیه السلام] خبر ده که او پرچم هدایت و پیشوای دوستان من است؛ او نوری است برای [هدایت] هر که مرا فرمانبر باشد.<sup>۱</sup>

امیر مؤمنان، علی علیه السلام در صفات امام چنین فرمود:

امام، نشانه و بیرق [برافراشته‌ی] هدایت و راه راست نمودن، است.<sup>۲</sup>

رسول خدا ﷺ خود و حضرت امیر مؤمنان، علی علیه السلام را چنین تشبیه می‌کند: من میان شما همانند خورشیدم، و علی علیه السلام بسان ماه است؛ پس آن هنگام که خورشید غروب کرد، به [نور] ماه هدایت و راه یابید.<sup>۳</sup>

ابوبرزه چنین گزارش می‌کند:

رسول خدا ﷺ در حالی که علی بن ابی طالب علیه السلام نزدش بود، از ما آبی طلبید و با آن وضو ساخت، سپس دستان آن حضرت را گرفت و به سینه‌ی خود چسباند و فرمود: «إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ» [= من بیم دهنده‌ام]. بعد به سینه‌ی علی علیه السلام برگرداند و فرمود: «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»<sup>۴</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۳۳۹، تاریخ نبینا علیه السلام، باب ۳، اثبات المعراج... ح ۴۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۷۴، کتاب الامامة، باب ۴، جامع فی صفات الإمام، ح ۳۸.

۳. مثلی فیکم مثل الشمس و مثل علی مثل القمر ماذا غابت الشمس فاهتدوا بالقمر، تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۶۷، ح ۹، ذیل تفسیر سوره‌ی شمس.

۴. رعد / ۷؛ «کسانی که کافر شدند می‌گویند: «چرا آیه و معجزه‌ای از پروردگارش بر او نازل نشده؟! تو فقط بیم دهنده‌ای! و برای هر گروهی هدایت کننده‌ای است (؛ و این‌ها



هر قومی هدایتگری دارند]، [ای علی!] تو برای آفرینش  
 نشانه و آیتی؛ تو پرچم هدایتی.<sup>۱</sup>

گذشتن از این دنیا که پل و راه به جهان واپسین است، و همگان باید از  
 آن گذر کنند مشعلی فروزان و علامت و نشانی برای هدایت و راهنمایی لازم  
 است؛ زیرا فردوس، آدمیان را از سویی فراخواند و از سوی دیگر آتش زبانه  
 می‌کشد<sup>۲</sup> و طعمه می‌طلبد، راه در راه و پیچ در پیچ است؛ راهی که فراسوی  
 خدای سبحان است و منزلگاهش بهشت؛ طاق است و یکتا، در کنار آن پیراهه  
 و سراب بسیار هست و فرودش دوزخ و حضرت حجت علیه السلام نشان و آیت  
 حقیقت و یقین به راستی راه است که وی را فراروی خود داشتن و به اشارتش  
 جان سپردن، آدمی را به صراط مستقیم، هدایت می‌کند و فرجامی نیک و بسا  
 کامرانی برایش رقم می‌زند. هر لحظه که غفلت، پرده‌ی تاریک دیدگان شود،  
 فروافتادن و در خطاگام زدن، سرانجام شومش خواهد بود.

حضرت قائم آل محمد علیه السلام پرچمی است که برای هدایت و راهبری  
 بندگان به اهتزاز درآمده، یگانه نشان راه خدا و بیرق امینی است که  
 پناهندگانش را در کرانه‌ی حوض کوثر جای می‌دهد. آن رهبر از این سرا و  
 از امروز، یاوران خویش را برمی‌گزیند، تا در هنگامه‌ی ظهور به حمایت  
 بطلبد و در رستاخیز که انسان سراسر نیازمند است و تنها، شفاعتشان کند و  
 لبخند و خرسندی را مهمان لب‌ها و دل‌هایشان سازد.

....

همه بهانه است، نه برای جستجوی حقیقت!

۱. المناقب، ج ۳، ص ۸۳، فصل فی انه النور و الهدی و الهادی.

۲. ق / ۳۰؛ «يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَ تَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ»، به خاطر بیاورید روزی  
 را که به جهنم می‌گوییم: آیا پر شده‌ای؟ و او می‌گوید: آیا افزون بر این هم هست؟!.

آن زمان که اختران رهنما، یکایک فرو ریختند و زمین از نافرمانی خدا و ظلم بسان گورستانی ترسناک و تاریک گشت، نور محمدی، حضرت مهدی علیه السلام کوکب تابانی است که نور فروزانش، اهل زمین و ساکنان آسمانها را هدایتگر است. او سرگشتگان و گمراهان را دست گیرد و به راه راست راهبری کند، تا آنجا که نقطه‌ای از ابهام و تیرگی، در هیچ پنداری نماند.

در زیارت آل یس، این گونه به حضرتش درود می‌فرستیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ؛

درود بر تو ای نشانه و پرچم برافراشته شده!

و در نیایش پس از آن می‌گوییم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى... سَفِينَةِ النَّجَاةِ وَ عَلَمِ الْهُدَى؛

بارالها! درود فرست بر... آن کشتی نجات و پرچم و

عَلَمِ هِدَايَتٍ.<sup>۱</sup>

امام زمان علیه السلام برای پیروانش چنین پیامی فرستاد:

آیا ندیدی چگونه خداوند برای شما قلعه‌هایی بنا نهاد که

بدان‌ها پناهنده شوید و برایتان پرچم‌هایی از حضرت آدم تا

امام پیشین [امام حسن عسکری علیه السلام] برافراشت تا به آنها

هدایت یابید و هر زمان که بیرقی افتاد، عَلَمِ دِیْگَرِی برافراشت

و هرگاه اختری غروب کرد، اختری دیگر طلوع نمود.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی ﴿وَ عَلَامَاتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ

يَهْتَدُونَ﴾<sup>۳</sup> فرمود:

۱. مفاتیح الجنان / ۸۶۲ و احتجاج، ج ۲، ص ۱۵۹، ش ۲۵۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹، تاریخ الإمام الثانی عشر، باب ۳۱، ما خرج من توقیعاته علیه السلام، ح ۹.

۳. نحل / ۱۶؛ و نیز علاماتی قرار داد؛ و [شب هنگام] به وسیله ستارگان هدایت می‌شوند.

منظور از «النَّجْم» رسول خدا ﷺ است و مقصود از «عَلَامَات» جانشینان اویند که مردمان بدانها هدایت یابند.<sup>۱</sup>  
 علی بن ابراهیم در تفسیر آیهی شریفه‌ی «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»<sup>۲</sup> گوید:  
 منظور از «النُّجُوم» [که خدا برای هدایت مردمان در میانه‌ی تاریکی‌ها گمارده] خاندان حضرت محمد ﷺ است.<sup>۳</sup>

در زیارت آن جناب، با این نام و صفت، به او سلام می‌فرستیم:  
 السَّلَامُ عَلَى السَّيْفِ الشَّاهِرِ وَالْقَمَرِ الزَّاهِرِ وَ  
 النُّورِ الْبَاهِرِ؛  
 درود بر تو ای شمشیر از نیام کشیده! درود بر تو ای  
 ماه تابان! و ای نور درخشان!<sup>۴</sup>  
 از القاب آن حضرت، نیز «المِصْبَاحُ الشَّدِيدُ الضِّيَاءِ» (= چراغ پُرفروغ) شمرده شده است که اشاره دارد به آنچه گفتیم.<sup>۵</sup>  
 خدایا! به آن آیت حقیقت و به آن پرچم امنیت و هدایت، به آن اختر تابان، رهنمون و رستگارمان فرما.

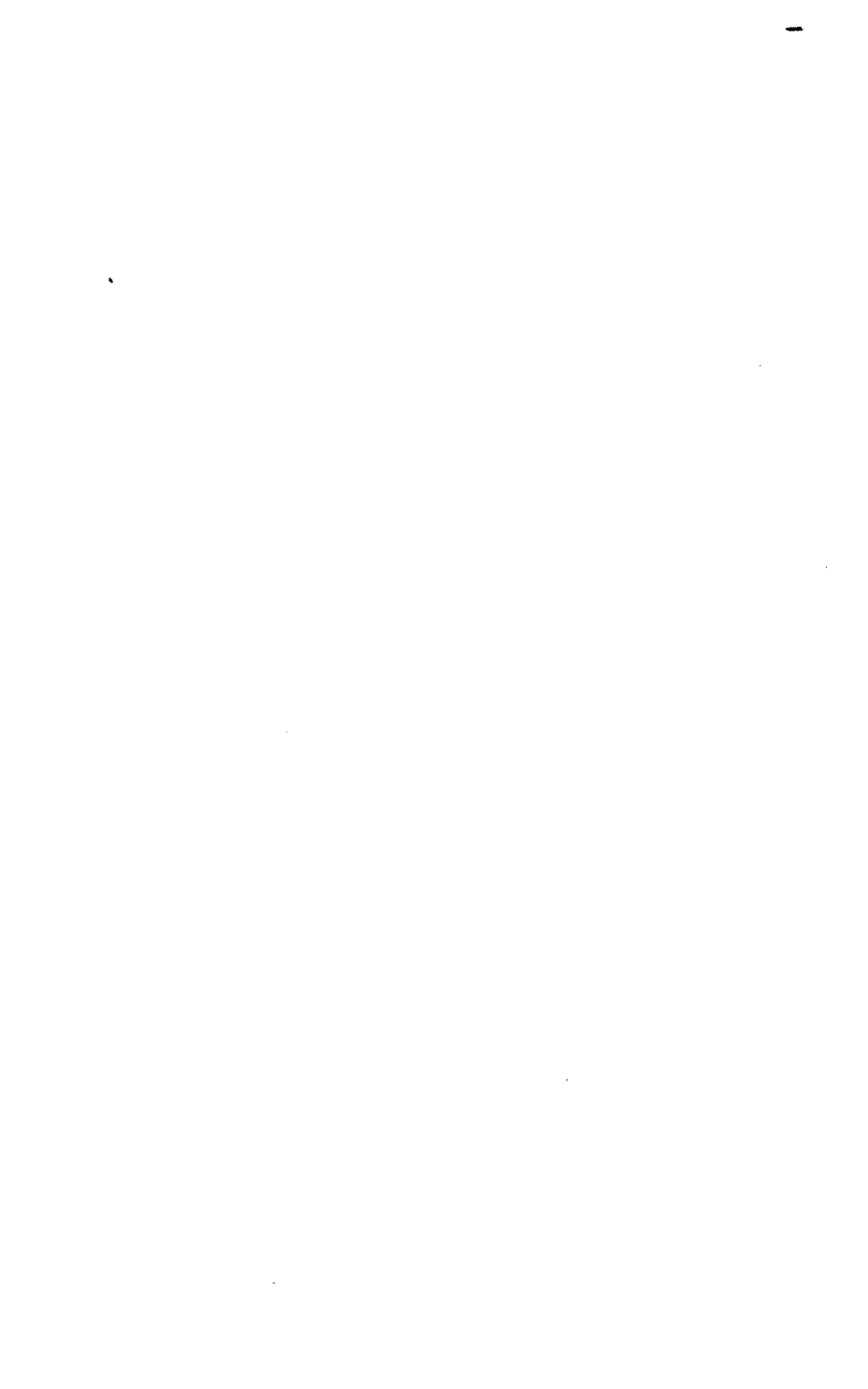
۱. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۳۶۲، ح ۷، ذیل آیه.

۲. أنعام / ۹۷؛ او کسی است که ستارگان را برای شما قرار داد، تا در تاریکی‌های خشکی و دریا، به وسیله آن‌ها راه یابید! ما نشانه‌های خود را برای کسانی که می‌دانند، (و اهل فکر و اندیشه‌اند) بیان داشتیم!

۳. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۴۴، ح ۱، ذیل آیه.

۴. مفاتیح الجنان / ۸۷۵.

۵. نجم الثاقب، باب ۲، ص ۱۱۹، لقب شماره‌ی ۱۶۳.



# الإمام المأمون

حضرت قائم آل محمد عليه السلام در هاله‌ای از نور و لطف حضرت پروردگار متعال در امان است.

انسان به خودی خود، همانند آفریدگان دیگر، موجودی است ضعیف و آسیب‌پذیر؛ نه مالک پندار خویش است و نه سایر قوایش از فرمانفرمایی و تاخت و تاز شیطان و خواست‌ها و هوس‌ها تهی است و در حقیقت آن‌ها بر برخی دل‌ها فرمانروا هستند و معبود مردمان، باشند. این گفتار خداوند با دوزخیان در رستاخیر، خواب از چشمان برباید؛ دل‌ها را ناآرام و خردها را سرگشته کند:

﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا  
الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾<sup>۱</sup>

آیا با شما پیمان نبستم که شیطان را نپرستید؛ زیرا او  
برای شما دشمنی آشکار است.

از امیر مؤمنان عليه السلام پرسیدند: کدام فرمانروا سلطه و قدرتش بیشتر است؟  
پاسخ فرمود: [فرمانروایی] هوس.<sup>۲</sup>

۱. یس / ۶۰

۲. بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۷۶، کتاب الایمان و الکفر، باب ۴۶، ح ۱.

و همچنین انسان موجودی ضعیف و تار و پودش سست است، و نرم و در برابر آفت‌ها و دفاع از خود، ناتوان و شکننده؛<sup>۱</sup> بدین‌سان انسان را باید نگاهبان و حارسی توانا و نیرومند باشد، تا نگاهش دارد.

پروردگار مهربان و توانا، قلوب خدا باوران را از حکومت و نیرنگ‌های اهریمن بدخواه‌رهایی بخشید؛ دام گسترده‌اش برچیند و تیرهای زهرآگینش را بشکند. او هجوم آرها و یورش لشکر شیطان را از دل و پندار مؤمنان ناکام گرداند و به جای آن، خرد‌ها را فرمانروا سازد، و بزرگی‌اش بر قلب آنان حکومت کند. حضرت حق در پاسخ شیطان که کمر به گمراهی بندگان بست و بدان سوگند خورد، فرمود:

﴿إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ﴾<sup>۲</sup>

و در جای دیگر خبر از رهایی و هدایت خدا باوران داد:

﴿وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾<sup>۳</sup>

ایزد متعال، برترین و امین‌ترین نگاهداران است که جسم و جان، روح و روان انسان، بلکه همه کس و همه چیز را پرده‌دار است:

﴿وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ﴾<sup>۴</sup>

۱. نساء / ۲۸؛ «... خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا»؛ خدا می‌خواهد با احکام مربوط به ازدواج با کنیزان و مانند آن، کار را بر شما سبک کند؛ و انسان، ضعیف آفریده شده؛ (و در برابر توفان غرایز، مقاومت او کم است).

۲. که بر بندگانه تسلط نخواهی یافت؛ مگر گمراهانی که از تو پیروی می‌کنند؛ حجر / ۴۲.

۳. تغابن / ۱۱؛ و هر کس به خدا ایمان آورد، خداوند قلبش را هدایت می‌کند؛ و خدا به هر چیز داناست!

۴. و پروردگار تو، نگاهبان همه چیز است؛ سبأ / ۲۱.

امیر المومنین علی علیه السلام فرمودند:

کسی نیست جز آن که فرشتگانی همراه او هستند و از او مراقبت می کنند، که در جایی سقوط نکند، دیواری بر او فرو نریزد و از شر و بدی محافظتش کنند، وقتی آجلش فرا رسد، آن‌ها از انسان دور می شوند و من هم همین گونه هستم، و شهادتم نزدیک شود شقی ترین مردم سر و محاسنم را به خون می کند و این عهد و وعده‌ای است که خلاف در نیاید.<sup>۱</sup>

قلب و جان خاندان عصمت علیهم السلام در دژی سخت و استوار از فضل و اراده‌ی خداوندی نگاهبانی شود؛ حریم امن فهم‌شان را اهریمن راه نیابد و پرده‌ی تاریک نادانی و خطا بر آنان ستری نیاویزد. در آستان فرستادگان الهی، اهریمن تزویرساز و وسوسه‌گر رسوا است و نگون‌سار بافته‌ها و تنیده‌های پندار و شیطان، در بندشان نکند؛ بلکه در کهکشان درونشان، خرد و یاد خدای سبحان سلطنت می کند؛ آری! جایگاه آن ستارگان فروزان، این گونه است که از هر آسیب و لغزشی در امان و معصوم‌اند.

صفات نیک و ستوده‌ی خدای بخشاینده، بر تارک وجود آن نمایندگان خدا به نمایش رفته؛ بدین سان بستری برای سهو و لغزش نمی ماند، و روح و روان پاکشان در حصارِ به سختی کوه‌ها و به بلندای آسمان، در امن و امان است؛ آن‌جا که فراتر از پندار و دورتر از چشم‌انداز هر نامحرمی است. قرآن کریم و روایات، از این حقیقت پایدار، پرده کنار زده و به صراحت

۱. بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۱۳، کتاب العدل و الجهاد باب القضاء و القدر، ح ۴۰.



و اشارت، لب به سخن گشوده‌اند. قرآن، رسول رحمت ﷺ را چنین شناسانده است:

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾<sup>۱</sup>

و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید! \* آنچه

می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست!

ابلیس رانده شده و آزمند، از پیدایی انسان و فرمان به سجده و لجajتش، به این حقیقت و نیرنگ نافرجامش در برابر اهل بیت علیهم‌السلام آشنا بود؛ بدین جهت آنها را استثنا کرد و گفت:

﴿قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ \* إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ﴾<sup>۲</sup>

به عزت سوگند! جز خالص‌ترین بندگان برگزیده‌ات،

همگان را به پیراه کشانم.

امام صادق علیه‌السلام پیشوایان معصوم علیهم‌السلام را این گونه ترسیم می‌کند:

امامان، از تبار رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند. خداوند متعال،

همیشه آنان را در نظر خاص خود، نگاه دارد و فرشتگان را

به پرده‌داری‌شان گماشته تا تیرگی‌های شب‌های تاریک و

گزند بدکرداران را از آنها براند. حضرت حق، امام را از

۱. نجم / ۳ - ۴.

۲. ص / ۸۲ - ۸۳.

پرتگاه‌های شر و بدی دورساخته، از آفت‌ها درامانش گرفت، و از کردار ناپسند، محفوظش داشت.<sup>۱</sup>

رسول خدا ﷺ در پاسخ یهودیان که از چگونگی خوابیدن و آرمیدن حضرتش پرسیدند، فرمود:

چشمانم بخوابد و قلبم بیدار و هشیار باشد.<sup>۲</sup>

همان‌گونه که حضرت ایزدی، آسمان صاف و تابناک روح و روان جانشینان خویش را از نزدیکی و رفت و شد شیطان و فریب‌های رنگارنگش دور ساخته، و آنان را از غبار هوس‌ها و لغزش‌ها پیراسته، جسم و جان گرامی‌شان را نیز در سراپرده‌ی احسان خویش پرده‌داری کند؛ بدین جهت، تا خدایشان در تقدیر رقمی نزنند، هیچ گزندی آنها را نیازارد.

خدای توانا، حضرت ابراهیم را میان خشم و آتش نمرودیان، به سلامت نگاه داشت؛ حضرت موسی را از دست فرعون و فرعونیان که چون صیاد، چنگال در پیکر مردمانش فروبرده بود، برهاند؛ والاترین و مهم‌ترین پیامبران، حضرت محمد ﷺ را در جای جای زندگانی‌اش یاوری کرد و او را به خود وانگذاشت. در لیلۃ‌المبیت که سفیدی تیغ بر آن مشرکان، تاریکی شب را می‌شکافت، و شمشیرهای آخته‌شان تشنه و آزمند بود، تا از خون پاک آن حضرت سیراب شوند، آن فروغ تابان، صفوف مشرکان و کافران را بشکافت و از برابر دیدگان پرخون و شمشیرهای از نیام برکشیده‌ی آنان گذشت، و

۱. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۵۲، کتاب الامامة، باب ۴، جامع فی صفات الإمام و شرایط، ح ۲۵.

۲. همان، ج ۹، ص ۲۸۶، کتاب الاحتجاج، باب ۲، احتجاج النبی ﷺ علی الیهود، ح ۱.

دیده‌ای آن عزیز را ندید و نشناخت.<sup>۱</sup> این لطف و احسان‌های الهی، بر نبی اکرم و خاندان بلندمرتبه‌اش فراوان است.

خداوندگار جهانیان، امور مردمان را به فرمانروایان دو گیتی، حضرت محمد و خاندان پیراسته‌اش علیهم‌السلام سپرده؛ بدین سان آنان امانتدار الهی‌اند، تا همگان با دلی آرام و دور از پریشانی و آشفتگی، بر آستانشان سرسپرد و فرمان‌هایشان را به جان خرند و آنچه را آنان گویند و انجام دهند، همه را گفتار و فرمان خدا دانند. قرآن روشنگر در این گستره، چه زیبا و روشن از آنچه گفتیم پرده برمی‌دارد و فرمان به اطاعت و پیروی بسی‌چون و چرای پیشوایان علیهم‌السلام دهد:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾.<sup>۲</sup>

در زیارت امین‌الله بر هر یک از چهارده امین خداوند این‌گونه درود می‌فرستیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ؛

درود بر تو ای امانتدار خدا در زمین!<sup>۳</sup>

بر تارک قلب ایزدپناه حضرت مهدی علیه‌السلام مهر عصمت و رستگاری نقش

۱. بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۵۰ و ۵۴ و ۷۳، تاریخ نبینا علیه‌السلام، باب ۶ الهجرة و مبادیها، ح ۸، ۱۱ و ۲۶.

۲. آل عمران / ۳۱؛ بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید! تا خدا نیز شما را دوست بدارد؛ و گناهانتان را ببخشد؛ و خدا آمرزندهٔ مهربان است.

۳. مفاتیح الجنان / ۵۷۵.

بسته، شیطان از سپهر روانش رانده شده است؛ نه خواسته‌ای از خودپسندی و خودمداری در او راه بیابد و نه خیالی بی‌بنیان، در آستان پر فروغ او لغزش و خطا، هرگز لباس معنا به تن نکند؛ قلب پاکش به خواب فرو نرود؛ غفلت نوزد و فراموشی نیارد.

حضرت جبرئیل و میکائیل، افلاکیان، طبیعت جانساز و بی‌جان، این لشکران سر در فرمان حضرت حق، همه امانتدار و پاسبان آن امانت الهی‌اند و از آسیب و چشم زخم بدخواهان نگاهش دارند؛ بلکه خداوند متعال که آسمان‌ها را برافراشت و زمین را گستراند و آفرینش را با قلم وجود نگاشت، نگاهداری و پرده‌داری‌اش را بر خود لازم داشته، وعده فرموده:

﴿إِنَّا نَحْنُ نُزَلُّنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾<sup>۱</sup>

به‌راستی ما خود ذکر (قرآن، امام زمان علیه السلام) را فرورستادیم و خود نگاهش داریم.

امام صادق علیه السلام فرمود:

صاحب این امر (امامت) محفوظ باشد و نگاهداری شود. اگر همگان از این جهان، جامه برچینند، خدای سبحان، او و یارانش را ظاهر می‌سازد.<sup>۲</sup>

در زیارت آل یس، به حضرتش این‌گونه و با این نام درود می‌فرستیم:

۱. حجر / ۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۰، تاریخ الإمام الثانی عشر، باب ۲۷، سیره و اخلاقه، ج ۶۰.

## السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَعِمَامُ الْمَأْمُونُ؛

درود بر پیشوایی که نگاهداری شود و در امان باشد.<sup>۱</sup>

رشیق درباره‌ی حضرت ولی عصر علیه السلام می‌گوید:

خلیفه معتضد عباسی، من و دو نفر دیگر را فرمان داد تا در سامرا، به سرای امام حسن عسکری علیه السلام وارد شویم. به سامرا در آمدیم و قدم به خانه و سراپرده‌ی حضرت گذاردیم؛ کسی را آن جا نیافتیم. پرده‌پوشی زیبا و آراسته، چشمان کاوشگرمان را خیره کرد؛ اندرون آن شدیم. حجره‌ای بزرگ دیدیم، گویی دریایی را در خود جای داده بود. فراسوی آن، روی آب‌های آرام، حصیری گسترده بود و برفرازش، آقای خوش‌سیما و زیباروی در نماز بود. همراهم (احمد بن عبدالله) پا در میان آب گذارد و آب او را فرو برد. بسیار دست و پا زد که دستش را گرفتم و نجاتش دادم. رفیق دیگرم داخل شد و او هم به همین سرنوشت گرفتار آمد. متحیر و سرگشته ماندم و لب به عذر و پوزش گشودم: ای آقا! از خدا و تو ای بنده‌ی مقرب و آبرومند درگاهش، پوزش و چشم‌پوشی بر خطایم می‌طلبم. سوگند به خدا ندانستم نزد چه کسی آمدم و گستاخی کردم و اینک توبه می‌کنم. آن بزرگ‌مرد، همچنان در نماز بود و به گفته‌ام توجهی نکرد؛ برگشتیم....<sup>۲</sup>

۱. همان، ج ۵۳، ص ۱۷۱، تاریخ الإمام الثانی عشر، باب ۳۱ و مفاتیح الجنان / ۸۶۴.

۲. منتهی‌الأمال، ج ۲، باب ۱۴، تاریخ امام دوازدهم، فصل ۴، معجزه‌ی ۴، ص ۵۷۵، گزیده.

بی بی حکیمه گوید: سه روز پس از تولد حضرت مهدی علیه السلام خدمت امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدم و از فرزندش خبری نبود، حضرت فرمودند:  
 يا عمّة! فی كنف الله و حرزة و سترة و غيبة حتى  
 يأذل الله له فاذا غيب شخصى توفائى و رأيت شيعتى  
 فأخبر التقات منهم وليكن عندك و عندهم مكتوباً فان  
 ولى الله يغيبه الله يحجبه عن عباده؛

ای عمّه! آن مولود در حمایت خداوند و جایگاه  
 حفاظت اوست و آفتاب جمالش زیر پرده‌ی غیب الهی  
 نهفته باشد. وقتی خدا مرا از دنیا برد و دید شیعیانم در  
 اختلاف افتادند، آنان را که مورد اطمینانند از تولد مهدی  
 آگاه سازد، و این امر باید پیش تو و آنها پنهان باشد؛  
 چون خداوند اراده کرده که ولی اش را غایب کند و از  
 چشم بندگانش محجوب سازد.<sup>۱</sup>

همان طور که آن حضرت در پناه ایزد متعال از هر جهت محافظت و  
 حمایت می شود امین ولی او بر دیگر آفریدگانش نیز هست؛ بنابراین بر ما  
 است که با جان و دل، خواسته‌های حضرت بقیه الله علیه السلام را به کار بندیم و به  
 خواسته‌ی آن سرور، گردن فروآوریم که خدای سبحان، آنچه برای کامیابی و  
 سرفرازی انسان در دنیا و جهان واپسین هست، بدو سپرد و آن حضرت و  
 نیاکان پاکش علیهم السلام را امین خویش خواند:

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ

۱. العقبى الحسان، ج ۱، ص ۲۵۲، بساط سوم، ردّ شبهات مخالفین.

وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ<sup>۱</sup>

و در بوستان معرفت و شناخت زیارت جامعه‌ی کبیره، به آنان این‌گونه درود می‌فرستیم:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا... أُمَّةَ الرَّحْمَنِ؛

درود بر شما ای امانتداران خداوندی!<sup>۲</sup>

---

۱. انبیاء/ ۷۳؛ و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، مردم را هدایت می‌کردند؛ و انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و ادای زکات را به آنها وحی کردیم؛ و تنها ما را عبادت می‌کردند.

۲. مفاتیح الجنان/ ۹۰۱.



# الأئمّامُ المأمولُ

## در آرزوی طلیعه‌ی آفتاب

در روزگار جاهلیت، سنگ سنگِ خانه‌ها را خون و خشم، آه و ناله‌ی ستمدیدگان برمی‌افراشت؛ قلب‌ها، کورانِ جهل بود و نادانی، حجاب تاریک چشم و دل‌ها؛ سالاری و بزرگی هر قومی با خشونت و تعصب رقم می‌خورد؛ تجارت و درآمد مردمانش را خونریزی و بیداد رونق می‌بخشید؛ آسمان آن شب‌های هول‌انگیز، نویدبخش طلوع اختری نبود، تا چشمان را فروغ بخشد و دل‌ها را روشن سازد. در دل این تیرگی‌ها و هراس‌ها، آزادگانی چون: حضرت حمزه، سلمان، ابوذر، اویس و فرودستانی روشندل می‌زیستند که در ژرفای دل‌هایشان آوای بیگانگی با شرک و ناهمخوانی با جهل، طنین می‌افکند؛ نوری می‌جهید و نویدشان می‌داد و امیدوارشان می‌ساخت. آنان به امید و آرزوی سپیده‌دمان، هماره چشمان خسته‌ی خود را گشاده داشته تا شاهد طلوع پیک خوبی‌ها باشند، و در روشنایی آفتابی که قاصدان پیشین الهی و وجدان‌های بیدار، نویدبخش طلوعش بوده‌اند، دلیری کنند و حماسه‌ی بدر و خندق را بیافرینند و از شراب شهادت و ملاقات با پروردگار جامی زنند و ماندگار شوند.

بخشنده خدای، مهم‌ترین آرزو و نخستین محبوب دلدادگان راستین است. قرآن کریم، این امید و آرزو را از ویژگی‌های خداپاوران دانسته است. مؤمنان به دیدار خدای سبحان مشتاق و آرزومندند؛ در حالی که مشرکان از این لطف و احسان محروم و ناامیدند ﴿إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ﴾<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام در نیایش با حضرت دوست می‌فرماید:

آقای من! گرسنه‌ی محبت توأم و سیر نمی‌شوم. من تشنه‌ی دوستی توأم که هرگز سیراب نشوم. وه، که این چه شوقی است به کسی که او مرا می‌بیند و من او را نمی‌بینم.<sup>۲</sup>

در گذری به گلزار نیایش‌های امیر مؤمنان، علی علیه السلام می‌نگریم که زیبایی نیلوفران دلداگی به محبوب و عطر گل‌های یاس خداخواهی‌اش، انسان را مدهوش می‌کند و مهر آن عزیز، به مهربان خدای، عقل‌ها را حیران می‌سازد. آن بلبل یکتاپرستی، در گلشن نیایش کمیل، چنین نغمه‌سرایی می‌کند:

ای معبود و سرورم! ای مولا و پروردگارم! اگر بر کیفیت شکبیا باشم، در دوری و هجرانت چگونه صبوری کنم؟ ای سرور و مولایم! سوگند می‌خورم؛ سوگندی راستین که اگر زبانم را گویا گذاری، در میان دوزخیان بسان آرزومندان، فریاد به شیون برآرم: کجایی ای ولی و سرپرست ایمانیان! ای منتهای آرمان و آرزوی عارفان!<sup>۳</sup>

۱. قلم / ۳۲. ما به پروردگارمان مشتاق و امیدواریم.

۲. اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۶۳، دعا‌های هنگام ورود ماه رمضان.

۳. مفاتیح الجنان / ۱۰۶.

و چون منادی حق در محراب عبادت، بانگ حضور و ملاقات زد، سر بر آستانش گذاشت و قامت از عرش الهی برافراشت؛ پاسخ به لیبک و اجابتش، در عرش و عرشیان مهمه و شوری انداخت: «فُزْتُ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ»؛ به پروردگار کعبه! عقاب تیزپرواز آرزوهایم «فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ»<sup>۱</sup>، آنجا که نه در عقل گنجد و نه واژگان از وصفش برآیند، آشیان گرفت.

امام سجاد علیه السلام در نیایش شهره به مناجات خمسه عشر، از خدایش چنین می‌خواهد:

الها! مرا از آنان قرارده که برای مهر و دوستی خودت برگزیده‌ای. مرا از آنان برگزین که تنها به تو رو کرده‌اند و قلب‌هایشان را برای دوستی‌ات پرداخته‌ای. ای نهایت آرزوی محبان! از تو، محبت خودت و دوستی هر که تو را دوست دارد و دوستی هر کاری که قرب تو سرانجامش است، خواهانم.<sup>۲</sup>

حنظله که فرشتگان در آسمان‌ها غسل‌دهنده‌اش بودند، در پگاه شب جشن و سرور ازدواج، به شوق دیدار حضرت دوست، مستانه به کارزار اُخْد شتافت و در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله مستانه پیمانه زد و سیراب گشت.<sup>۳</sup>

۱. قمر / ۵۵؛ در جایگاه صدق نزد خداوند مالک مقتدر!

۲. مفاتیح الجنان / ۲۰۷، مناجات المحبین.

۳. بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۹۹، تاریخ نبینا صلی الله علیه و آله، باب ۲۷، ما جری بینہ و بین اهل الكتاب، ح ۵۵.

رسول رحمت، حضرت محمد و دودمان همانندش عليه السلام قبله و محبوب رهپویان راه خدایند.

سلمان محمدی رضی الله عنه از سرزمین پارسیان به آرزوی آن که در ساحل پاک اسلام فرود آید و دیدگان پاکش از آفتاب محبوب جانش در میان خزانسی ایمان و زمستانی خداباوری، گرمی و روشنایی یابد، سرزمین‌های بسیاری را درنوردید و مردان بسیاری را آزمود، تا سرانجام به مقصود و آرزوی گران خویش نایل آمد و در کران اقیانوس زلال اسلام پهلو گرفت، و رو در روی آفتاب رسالت غرق در تماشای خورشید نبوت و ولایت گشت.<sup>۱</sup>

شوق و دلباختگی به چهارده اختر آسمان ولایت و سرسپردن در آستانشان، همان ایمان و خداباوری است. دوستی خدا و اهل بیت عليهم السلام، دو عبارت و دو قالب است برای یک معنا و یک حقیقت. خثیمه گوید:

خدمت امام باقر عليه السلام شرف حضور یافتم؛ حضرت به من فرمود: ای خثیمه! دوستی ما خاندان، در دل شیعیان و پیروانمان سرازیر و محبتمان به آنان الهام می‌شود، تا این‌که شخصی با آن‌که ما را ندیده و گفتارمان را نشنیده، خداوند برای او خیر و نیکی رقم زده، ما را دوستدار است و فضیلت و برتری ما را برگرفته. این است مقصود آیه‌ی شریفه‌ی ﴿وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادْهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ﴾<sup>۲</sup>؛ کسی که ما را ملاقات کند و گفتارمان را

۱. همان، ج ۱۹، ص ۱۰۵، تاریخ نبینا رضی الله عنه، ح ۱.

۲. محمد/ ۱۷؛ کسانی که هدایت یافته‌اند، خداوند بر هدایتشان می‌افزاید و روح تقوا به آنان می‌بخشد!

بشود، خداوند متعال، بر هدایتش بیفزاید.<sup>۱</sup>

دلخواهی و دلدادگی، فرسنگ‌ها فاصله و هزاران سال راه را نزدیک می‌کند، تا اویسی نادیده دوست را آشنا و همدم وی گرداند و بانو آسیه، زمان را به زودی پیماید و سپری کند؛ بدین جهت در بهشت، از همسران رسول گرامی اسلام ﷺ باشد.<sup>۲</sup>

دوستی و دلباختگی مؤمنان یک جانبه نیست. خدای سبحان، فرشتگان و آسمانیان و بهشت تجلی و نمودار رحمت خداوند بخشاینده، دلباخته و شیفته‌ی شه‌سواران و تک‌سواران میدان عشاقی هستند و پیک حق نویدشان دهد:

﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً \* فَادْخُلِي فِي عِبَادِي \* وَادْخُلِي جَنَّاتِي﴾.<sup>۳</sup>

رسول خدا ﷺ فرمود:

بهشت مشتاق و آزمند سه کس است. امیر مؤمنان، علی عليه السلام پرسید: آنان کیانند؟ پاسخ فرمود: نخستین آن‌ها تو، و سلمان و عمار.<sup>۴</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۵۱، کتاب الامامة، باب ۴۵، انهم عليهم السلام الهداية والهدى، ح ۳۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۱۸، تاریخ نبينا عليهم السلام، باب ۵، دخوله الشعب، ح ۱۱.

۳. فجر / ۲۷ - ۳۰؛ تو ای روح آرام‌یافته! به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خرسند است، پس: در سلک بندگانه در آی، و در بهشتم وارد شو!

۴. بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۳۴۲، تاریخ نبينا عليهم السلام، باب فضائل سلمان و ابوذر، ذیل ح ۵۲.

شب‌های بلند زمستان هجران چه سرد و خزان! و چه سنگین و هولناک  
است! پرستوان آرزوها به هر فراسویی سر می‌زنند و شاهین امیدها برفراز  
آسمان‌ها پرمی‌کشند و نگاه تیزبین‌شان تا دورترین نقطه را جُست و جوگرند،  
تا شاید نظاره‌گر فرارسیدن بهار باشند.

شوق و انتظار آفتابی که جامه برچیده و چهره در نقاب گرفته، به  
نیلوفران و نسترن‌های پژمرده و چشم انتظارش، رمقی از حیات و زندگانی  
می‌بخشد، تا جامه بگستراند و روح و نشاطی بیافریند. یعقوبیان، در انتظارند  
تا دیدگان بی‌فروغ و سپیدشان از یوسف دل‌ها فروغی گیرند. آرزومندان، در  
کوران سوزان هجران و عشق می‌گدازند، تا آغوش تهی‌شان از گرمای  
موسوی دورمانده گرما و بهره گیرد و قلب‌هایشان لبریز از مهربانی و  
شادابی شود.

آری! در دوران غیبت، چه کبوترانی در آسمان آبی امید و آرزوی آن امام  
همام، به پرواز درآمدند و کویر تنهایی، کوهساران سختی‌ها و درشتی‌ها و  
دریاهای پر امواج آزمون‌ها را زیر پایشان گذاردند، تا در گلزار کنعان، میهمان  
یار، یوسف حضرت زهرا علیها السلام باشند و در آن گلستان، آشیان و آرام گیرند.

شیدایان و دل‌باختگان حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله این درس ماندگار را از  
نیاکان حضرتش آموختند که هر کدام از آن سروران، او را یادکردند و  
ستودند و در فراقش بسان شمعی سوختند. امیر مؤمنان، علی علیه السلام در اشتیاق  
دیدار دولت حضرت مهدی علیه السلام و یاورانش فرمود:

چه مشتاق و آرزومندم که روزگار دولت و

صدارتشان را بنگرم.<sup>۱</sup>

امّ هانی گوید:

صبحگاهی خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم و گفتم: ای سرورم! آیه‌ای از قرآن در قلبم افتاده که مرا ناآرام کرده و خواب را از چشمم ربوده است. امام فرمود: کدامین آیه است؟ گفتم: این آیه‌ی شریفه: ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ \* الْجَوَارِ الْكُنَّسِ﴾<sup>۱</sup>، فرمود: چه سؤال خوبی! ای امّ هانی! [این آیه درباره‌ی] زاده‌ای است در آخرالزمان؛ نامش مهدی و از این خاندان است که برایش سرگردانی و غیبتی باشد که در آن، گروهی، در بیراه افتند و گروهی هدایت شوند. خوشا به حالت، اگر او را بیابی، و خوشا به حال آنان که او را بیابند.<sup>۲</sup>

در زیارت آل یس، با این لقب به آستانش درود می‌فرستیم:

السَّلَامُ عَلَى الْمُقَدَّمِ الْمَأْمُولِ؛

درود بر تو ای که برهمگان پیشی و همه آرزویت برند!<sup>۳</sup>

در پگاه هر آدینه، کاوشگران و دلدادگانش فریاد کنند:

أَيْنَ الْمُؤَمَّلِ لِإِخْيَاءِ الْكِتَابِ وَ حُدُودِهِ؛

کجا است آن کسی که امید می‌رود کتاب خدا، و

حدود و مرزش را زنده سازد؟<sup>۴</sup>

۱. تکویر / ۱۵ - ۱۶؛ سوگند به ستارگانی که بازمی‌گردند، حرکت می‌کنند و از دیده‌ها پنهان می‌شوند.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۷، تاریخ الإمام الثانی عشر، باب ما روی عن الباقر علیه السلام، ح ۴.

۳. مفاتیح الجنان / ۸۶۴.

۴. همان، دعای ندبه، ص ۸۸۸.



امیر مؤمنان، علی علیه السلام فرموده است:

پیوسته در دودمانم [پیشوایانی] بر مردمان، امین و محفوظ باشند که آرزویشان برسد و شیفته‌شان باشند.<sup>۱</sup>

چه بزرگمردانی که عمری در آرزوی تماشای گل سرسبد آفرینش، حضرت مهدی علیه السلام سوختند و در عشق لقایش ذوب شدند؛

علی بن مهزیار از جمله عاشقانی است که مستانه گام در این وادی نهاد و شب و روزش با نام و یاد آن عزیز ورق می‌خورد. بیست سفر به آرزوی دیدار یار به سفر حج مُشرف شد؛ زیرا می‌دانست مولایش هر ساله باید در مراسم حج حاضر شود و حضور وی مُهر و امضای حجّ حاجیان خواهد بود، هر ساله در منا و مشعر، در صحرای عرفات و...

در کنار خیمه‌ها، خیمه‌ای از نور بر پا می‌شود و گوهر خلقت در میان آن به سر می‌برد، اما در پایان آشفته‌تر و با دستی خالی باز می‌گشت تا آن که در سفر بیستم دستِ مهر و فضل خدا را بر دوش خویش احساس کرد و روزها از گرمای محبت آن حضرت نشاط گرفت و از دانش بی‌پایانش خرمی چید تا مایه‌ی امید بیدار دلان و توشه‌ی راهشان شود. و این‌جا ما به گزیده‌ای از پیام و سفارش‌های آن حضرت به فرزند مهزیار اشارتی می‌کنیم، تا موانع را از درون خود و جامعه شسته و به صفات نیک آراسته گشته، آماده‌ی لقا و ظهور گردیم:

۱. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۴۰، کتاب الامامة، باب الاضطرار الی الحجّه، ح ۷۶.

شما (مؤمنان) زرافروز دنیا طلب گشتید و بر ضعیفان ستم روا داشتید و با خویشانان رسته‌ی محبت و ارتباط را قطع کردید و اگر استغفار برخی از شما نبود، به جز اندکی نابود می‌شدید؛ پدرم - امام حسن عکسری علیه السلام - به من فرمود: از زیادی دشمنان نهراسم که این رسم دیرینه‌ای است، و فرمود: دل‌های بندگان خالص مشتاق‌توانند، مؤمنانی که به دلیل ساده زیستی و فروتنی در چشم مردم خوار و فرودست، نیازمند و پریشان آیند ولی نزد خدای متعال عزیزند و نیکوکار و در حقیقت با عفت و قانع‌اند. خداوند به آنها توفیق داده، تا در برابر ظلم، بردباری کنند و در عوض در آخرت سربلندشان گرداند. آنان صبور آفریده شده‌اند و فرجامی خیر برایشان رقم خورد...

فرمود: گویی تو را می‌بینم که به یاری خدا آبی و بر دشمنان غالب و پیروز شوی. می‌بینم کسانی که خدای دانا، آنان را از نطفه و سرشت پاک آفریده و دل‌هایشان را از نفاق و پلیدی پیراسته در برابر دین و احکام خدا سرفرو آرند. همه‌ی این‌ها با تو بیعت می‌کنند و با صدق و صفا به دورت حلقه می‌زنند، در مسجد الحرام، کنار حجر الاسود، دست در دست یکدیگر می‌دهند و در یاری تو هم پیمان می‌شوند، خداوند به دست آنان ریشه‌ی طغیان و سرکشی را از جا برمی‌کند و نشانه‌های ایمان را پس از خاموشی، روشن می‌سازد.

در چنین زمانی کودکان آرمیده درگاهواره آرزو  
 می‌کنند که از یاوران تو باشند، مردمان شادی کنند،  
 درخت عزت به برکت تو سبز و بارور گردد، به دست تو  
 احکام دین جایگاه خود را بیابد و در زمین نه ستمکاری  
 بماند و نه منکری. ای پسر مهزیار! درباره‌ی آنچه دیدی و  
 به تو گفتم جز به برادران دینی و اهل صدق چیزی مگوی،  
 هنگامی که نشانه‌های ظهور را دیدی، دیگر منتظرنمان و  
 با آنان به سوی نور یقین بشتاب و به سوی ما رهسپار شو،  
 که هدایت یابی. ان شاءالله.<sup>۱</sup>

عزیزا! سروهای سر بر فلک افراشته و راست قامت در دوری‌ات خمیدند.  
 ای محبوب دل‌ها! در فراق، بوستان‌ها و گلستان‌هایمان خزان گشتند و سوختند.  
 ای مولا! بندگان و بردگان خاکستر نشین گشتند و نیامدی.  
 ای دوست! جوانان در عشق تو پیرگشته و پیروان در هوایت سرگشته و  
 حیران ماندند.

ای زاده‌ی زهرا علیها السلام! دوری تو زندگانی را در کامان تلخ و ناگوار کرده  
 و غم و غصه، سلطان دل‌هایمان گشت.  
 ای نور دیدگان! آبشار چشمانمان از فراق هرگز نیستد و قلب‌هایمان  
 هرگز آرام نگیرد.

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۷۳، ح ۱۹، باب ذکر من شاهد القائم...، و غیبت شیخ طوسی،  
 ص ۳۰۸، ح ۲۶۱، فصل توقیعات.

ای صاحب دین محمدی! صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اسلام غریب و تنها ماند و احکام خدا بر  
زمین است؛ کی بیایی؟

ای یگانه شهاب کهکشان توحید و ولایت! کی تابندگی کنی؟  
دلبر! مهربانا! آنقدر به در، چشم دوختیم که چشمانمان سپید گشت.  
آنقدر در انتظار ماندیم که خسته دل گشتیم.  
آنقدر به دل‌هایمان نوید وصال و دیدار دادیم که دروغگویمان پنداشت.  
به جان مادرت بیا!

## وَجْهُ اللَّهِ

زاده‌ی زهراء علیها السلام، قبله‌گاه و نگار تمام‌نمای آفریدگار زیبا مکان و زمان، خداوند لطیف را حجابی نیفکند و محدود نسازد. او در هر مکان و هر زمان و هر سویی حضوری پیوسته دارد و همگان رو به سویش برند.

﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾<sup>۱</sup>  
انبیا و گزیده‌ی بندگان، همواره پنجره‌ی قلب روشنشان به سوی پروردگار گشوده است؛ در طریق و راهش گام نهند و عزیزش شمارند. حضرت ابراهیم - علی نبی‌الله و علیه السلام - پس از خطّ بطلان کشیدن بر خدایانِ دورغین، فرمود:

﴿إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾<sup>۲</sup>

هر که خواهد خداوند ستوده را به دیده‌ی جان بیند و رو در روی کانون نور به تماشا بنشیند، باید پیوسته به سوی خاندان نبوت علیهم‌السلام و نماید و خدا را

---

۱. بقره / ۱۱۵؛ مشرق و مغرب، از آن خداست! و به هر سو رو کنید، خدا آن‌جاست! خداوند بی‌نیاز و داناست!

۲. انعام / ۷۹؛ من روی خود را خالصانه به سوی کسی کردم که آسمان‌ها و زمین را آفریده؛ من در ایمان خود خالصم؛ و از مشرکان نیستم!

در چهره‌ی آنان خواند؛ در راهشان گام گذارد و محترم‌شان دارد.  
حضرت ایزدی، آن عزیزان را پاک و آراسته آفرید و به صفات خویش  
رنگ و بویشان بخشید، تا آفریدگان، رو در روی آنان اندازند و خدای زیبا  
را که هرگز به چشمی نیاید، در سیمای آنان بنگرند و بخوانند. او چهارده  
اختر پرفروغ را کعبه و قبله‌گاه آفرینش گذارد؛ بدین سبب، بر یکتاپرستان  
است که به طواف و تماشای آن کعبه‌ی دل‌ها رَوَند و گرداگرد آنان بچرخند  
و دل‌هایشان را از روی آنان برنتابند، که به هر سو رَوَند و نظاره‌گر باشند،  
رسول خدا و دودمان پاکش را بیابند.

در زیارت امیر مؤمنان، علی علیه السلام این‌گونه شهادت می‌دهیم:

أَشْهَدُ أَنَّكَ جَنْبُ اللَّهِ وَ أَنَّكَ بَابُ اللَّهِ وَ وَجْهُ اللَّهِ  
الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ؛

گواهی می‌دهم تو بنده‌ی مقرب خدا و باب‌اللهی، تو  
وجه‌اللهی هستی که به واسطه‌ی آن [به خدا] توجه و  
وارد می‌شوند.<sup>۱</sup>

امام رضا علیه السلام به اباصلت فرمود:

هر کس خدای سبحان را به صورتی از صورت‌های  
جسمانی ترسیم کند، کافر شده است؛ لکن [منظور از] وجه  
الله، انبیا، فرستادگان و حجت‌های او علیهم السلام یند، و اینان

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۹، زیارة مرقد امیر مؤمنان علیه السلام.

کسانی هستند که به واسطه‌ی آنها به خدای بلندمرتبه  
برای آیین و شناختش، توجه و رو می‌شود.<sup>۱</sup>

آیت‌الله شیخ جعفر تستری چنین نقل می‌کند:

هنگامی که حضرت امام صادق علیه السلام نزد منصور در  
بغداد می‌رفت، در کرانه‌ی رود دجله، پیرمردی از پیروانش  
به او برخورد و از حضرتش خواست خود را به وی  
بشناساند. امام فرمود: آیا می‌خواهی مرا بشناسی؟ گفت:  
آری. حضرت به همراهانش فرمان داد او را در دجله  
انداختند. پیرمرد از این کار امام در پاسخ سؤالش،  
شگفت‌زده میان آب، بالا و پایین می‌رفت، تا شناکان بیرون  
آمد. حضرت برای بار دوم فرمان داد او را در آب انداختند  
و باز از آب خارج شد؛ تا مرتبه‌ی سوم که از شناخته  
شد، امواج وی را به درون و وسط رود می‌کشید.

امام صادق علیه السلام چون پیرمرد را چنین دید؛ از همان  
ساحل، دست مبارکش را دراز کرد و از میانه‌ی دجله  
نجاتش داد. پیرمرد، خود را بر دامان حضرت انداخت و  
گفت: اینک شناختم. اطرافیان، از آن مرد ماجرا را  
پرسیدند؛ پاسخ داد: در آن هنگام که از شناگری واماندم و  
آب مرا فروبرد، دانستم که کار تمام است؛ از جز خدای

۱. بحار الأنوار، ج ۴، کتاب التوحید، ص ۳، باب ۱، تأویل قوله تعالی: خلقت بیدی، جنب  
الله و...، ح ۴.



بریدم و صدایش کردم: یا الله! پرده از چشم کنار رفت؛

دیدم جعفر بن محمد علیه السلام همه جا هست [هر جا را نگاه

کردم و هر چه دیدم، تنها امام جعفر صادق علیه السلام بود].<sup>۱</sup>

در روزگاری که زمین، از گرمای آخرین خورشید امامت و ولایت حضرت

بقیه الله علیه السلام جان می‌گیرد و آفریدگان، از هستی‌اش به لباس نظم و سامان آراسته

و بالنده می‌شوند، هموست که پرنده‌ی نگاهت را هر سو به پرواز درآوری، در

آن سو بیابی‌اش؛ یعنی در هر مکان و هر زمان هست و می‌توان هر لحظه به

سویش متوجه شد و به طرفش گام برداشت. او قبله‌گاه نظرها و کعبه‌ی دل‌ها

است. آفریدگار، به زیباترین و برترین صفات خویش پرداختش، و از هر عیب و

ناتمامی منزهش داشت، و او را آینه‌ای بزرگ و تمام‌نما برای خود برگزید؛ بدین

جهت، بر آن آینه نگارین، رحمت، مهر و دیگر صفات حضرت حق سبحان با

تمام گستردگی‌اش، نقش بندد و بزرگی و آراستگی خدا در آن آینه نمودار

شود؛ یادگار حضرت زهرا علیها السلام طاووسی است که تمام زیبایی‌های هستی را در

خویش به تصویر کشیده و حضرت ایزدی، تنها به واسطه‌ی او به بندگان و

مخلوقاتش رو کند و لطف و بخشاینده‌ی نماید.

رهروان شاهراه توحید، تنها با هدایتگری قائم آل محمد علیهم السلام گام در راه

یگانه‌پرستی گذارند و به آن حضرت توجه نمایند، و رستگان و ره‌اشدگان

از بند شرک و وابستگی، در آفتاب آن خورشید، راه خویشتن را بازیابند و

پویند؛ بدین سان، بر سر آستان گذرگاه توحید نوشته شده: بر ایمانیان و خداشناسان بایسته است که قلب و دل‌هایشان را هماره، همانند گل آفتابگردان، رو در روی آن خورشید گردانند و روی بر نتابند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

ما یم کعبه و قبله‌ی خداوند، و ما هستیم وجه‌الله که  
خدای بلندمرتبه در قرآن کریم [درباره‌اش] می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾<sup>۱</sup>

امام سجاد علیه السلام نیز می‌فرماید:

ما وجه‌اللهی هستیم که هیچ کس در راه خداوند  
سبحان گام نمی‌گذارد، مگر از راه آن‌ها.<sup>۲</sup>  
وجه‌الله از القاب آن حضرت است.<sup>۳</sup> و با این نام، رو به آستان عزیزش  
می‌کنیم و درودش می‌فرستیم:

السَّلَامُ عَلَى وَجْهِ اللَّهِ الْمُتَلَقِّ بَيْنَ أَظْهُرِ عِبَادِهِ؛  
درود بر آن وجه‌اللهی که در میان مردم به نام نیک،  
لقب یافته است.

۱. بقره/ ۱۱۵؛ ترجمه‌ی آیه‌ی!

۲. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۰۳، کتاب الامامه، باب ۶۶ ح ۱۴.

۳. همان، ج ۴، ص ۵، کتاب التوحید، باب ۱، تأویل قوله تعالی خلقت بیدی...، ح ۷.

۴. نجم ثاقب/ ۱۲۴، باب ۲، لقب شماره‌ی ۱۷۵ و العقبی الحسنان، جزء ۲، ص ۹۳.

در نیایش نُدبه در جُستوجویش برمی آییم:

أَيْنَ وَجْهِ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ؛

کجاست آن وجه‌اللّهی که اولیا و دوستان خدا به

او توجه کنند و به سویش رو آورند.<sup>۱</sup>

با توجه به آیه‌ی شریفه «وَيَنْقِي وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»<sup>۲</sup>، اثبات

می‌شود وجود امامانی از دودمان رسول خدا ﷺ، تا دامنهی قیامت؛ چون

خداوند حکیم، در این آیه فرموده: وجه‌الله باقی و همیشه خواهد بود. و در

روایات دیدیم که اهل بیت علیهم‌السلام به وجه‌الله تفسیر شده‌اند؛ بنابراین با شهادت

امام حسن عسکری علیه‌السلام، حضرت صاحب الامر علیه‌السلام تنها مصداق این آیه و از

آن سلسله‌ی مبارک است.

۱. مفاتیح الجنان / ۸۸۶.

۲. الرحمن / ۲۷.

# الْجُمُعَة

آدینه‌ی شمیم گل نرگس در آدینه‌ها

پروردگار دانا برخی زمان‌ها را همانند برخی مکان‌ها چون مسجد الحرام برتری داده و شرافت خاصی بخشیده است. سَحَرگاهان، روح و روان آرام گیرد و نسیم دوست وزد. شب‌زنده‌داران به دور از هممه دنیا و دنیاپرستان با قدسیان همنشین و همدمانند؛ گویی در این ساعت، مُلک و ملکوت با هم پیوند خورده‌اند و فاصله‌ای در میان آن‌ها نباشد.<sup>۱</sup> لحظه‌لحظه‌ی پگاه (بین طلوعین) یاد فردوس را در خاطره‌ها زنده می‌کند و روزی هر کس در این ساعت تقسیم می‌شود؛<sup>۲</sup> شبی در فضیلت شب قدر رقم خورد که برتر و گران‌تر از هزار ماه آید و روزی در فرخندگی مانند مبعث و غدیر شود و

---

۱. به فرموده‌ی امیر متهجدان علی علیه السلام بیداری شب، بوستان آرزومندان و مشتاقان است. *غرر الحکم* / ۶۶ و ۱۶۸۴. و به فرمایش امام باقر علیه السلام درهای آسمان در این زمان گشوده است. *وسائل الشیعة*، ج ۷، ص ۳۸۰، کتاب الصلاة، ابواب الدعاء، باب ۲۶، ح ۳، ش ۷۸۴۸.

۲. *کافی*، ج ۲، ص ۴۷۳، کتاب الدعاء، باب الأوقات و الحالات التي ترجی فیها الإجابة، ح ۹: فَإِنَّهَا سَاعَةٌ تُفْتَحُ فِيهَا السَّمَاءُ وَ تُقَسَّمُ فِيهَا الْأَرْزَاقُ؛ از سَحَر تا برآمدن آفتاب نیایش کنید؛ زیرا در این ساعت درهای آسمان گشوده است و روزی‌ها در آن تقسیم می‌شود. امام صادق علیه السلام: روز غدیر به‌ترین روزهاست.

زمان این گونه دامان خود را برای چنین کرامت‌هایی بگستراند و در پرتوش انسان‌ها بالنده و آسمانی شوند.<sup>۱</sup>

ماه رمضان، همگان به مهمانی خدای رحمان رَوَند و دَم و بازدمِ خدا باوران، تسبیح و تقدیس باشد. شعبان ماه نبوت و و رسول گرامی اسلام ﷺ است و رجب، شیعیان بر خوان گسترده‌ی امیر مؤمنان، علی علیه السلام نشینند.<sup>۲</sup> برخی سالیان نیز همانند عام الفیل بر سال‌های دیگر فزونی و شرافت دارد؛ چرا که ثمر آفرینش، حضرت محمد ﷺ در آن سال، قدم بر فرق خاک گذارد و جهان کیهانی را روشن و معطر ساخت.<sup>۳</sup>

خدای حکیم، خاندان وحی و رسالت ﷺ را رهنمون‌هایی به سوی خویش خواند و ارجمند و گرامیشان داشت؛ و بدین جهت روزها را به نام نامیشان نوشت. در علم او چنین رقم خورده، تا آدمیان، رو به سوی آنان کنند و بدانند ولایت، گذرگاه توحید است و برگونه‌ی خورشید و گستره‌ی آفتاب بخوانند: سر برتافتن از هر یک از اختران امامت ﷺ شرک است و نافرمانی از خدای قهار؛ یعنی باید بر پیشوایی و زمامداری چهارده نور بی‌مانند ﷺ باوری راسخ و پابرجا داشت.

صفر بن ابی دلف، خدمت امام هادی علیه السلام شرف حضور یافت و پرسید: مقصود رسول خدا ﷺ از گفتار

۱. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۳۸۰، کتاب الصلاة، ابواب صلاة الجمعة، باب ۴۰، ح ۱۲.
۲. همان، ج ۱۰، ص ۴۸۰، کتاب الصوم، ابواب الصوم المندوب، باب ۲۶، ح ۱۶، حضرت علی علیه السلام ماه رجب را روزه می‌داشت و می‌فرمود: رجب، ماه من است و شعبان، ماه رسول الله ﷺ و ماه رمضان، ماه خدای ارجمند و بلندمرتبه.
۳. کافی، ج ۱، کتاب الحجّة، ص ۴۳۹، ابواب التاريخ، باب مولد النبی ﷺ.

«لَا تُغَاذُوا الْأَيَّامَ فَيُعَادِيكُمْ؛» با روزها دشمنی نورزید که با شما دشمنی کنند» چه بود؟ حضرت پاسخ فرمود: [مقصود از] ایام ما هستیم، تا آسمانها و زمین برپاست؛ شنبه، به نام رسول خدا است، یکشنبه، به نام امیر مؤمنان علی، دوشنبه، امام حسن و امام حسین، سه شنبه، علی بن الحسین، محمد بن علی و جعفر بن محمد، چهارشنبه، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی و من، پنجشنبه، فرزندان حسن علیه السلام و جمعه، زاده‌ی فرزندانم که حق‌باوران گرداگرد او حلقه زنند. هموست که کرانها را پس از آن که از ظلم و بیداد لبریز شد، از عدل و داد آکنده سازد. این، معنای «الْأَيَّامَ» است؛ پس در این سرای، با آنها کینه‌توزی مکن که در رستاخیز با تو دشمن خواهند بود.<sup>۱</sup>

در توضیح این روایت می‌توان گفت: نام روزهای هفته، برای امامان همام علیهم السلام کنایه از آن است که هر روز، به امام یا امامانی تعلق دارد که آنان در آن روز، میزبان و حمایتگر پیروانشان هستند.

به فرموده‌ی سرور آفرینش، رسول خاتم صلوات الله علیه آدینه، سید و سرور روزها است<sup>۲</sup> و از نامها، یا کنایه از روزی است که متعلق به موعود صلوات الله علیه دل‌هاست<sup>۳</sup>.

۱. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۴۱۳، تاریخ امیر مؤمنان علیه السلام، باب ۴۷، فی نصوص الكاظم و سائر الأئمة علیهم السلام، ج ۳.

۲. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۳۸۱، کتاب الصلاة، ابواب صلاة الجمعة، باب ۴۰، ح ۲۲.

۳. نجم ثاقب، باب ۲، ص ۶۷ لقب شماره ۳۴.

جمعه روزی است که حضرت ایزدی، کار آفرینش را به سرانجام رسانده و آفریدگانش را گردهم آورد، تا عهد و پیمان ولایت و استواری بر خلافت و پیروی از رسول رحمت و جانشینان برحقش علیه السلام را از آنان ستاند.<sup>۱</sup> رستاخیز در چنین روزی برپا شود و تمام بندگان، در پیشگاه خدای دادگر حاضر شوند. رستاخیز ایستاده از آل محمد علیه السلام در فرخنده آدینه‌ای است که تمام حق باوران، پیرامونش حلقه زنند و سر در فرمانش بَرند؛<sup>۲</sup> همگی، یکدل به امامتش، نماز جمعه به جای آرند. در این روز، زمین با دادگری آن آخرین رهبر الهی، سبز و زنده شود و دشمنان خدا و باطلیان خوار و زبون شوند. پگاه جمعه، شمیم امید و بوی عطر گل نرگس، فضا را آکنده می‌سازد و لحظه لحظه‌ی آن، شور و شعفی در انسان می‌آفریند که روح و روان‌ها را سبز و گلستان می‌کند و پرنده‌ی عشق را در دل‌ها به شوق دیدار معشوق، به پرواز در می‌آورد، و غروب آن، سر به سر غربت است و تنهایی. گویی زمین، با تمام فراخی‌اش و آسمان با همه‌ی پهنایش، تنگ و کوچک است و جان انسان را می‌آزارد. منتظران حضرت مهدی علیه السلام در بامداد جمعه، با آه و ناله ترسیم‌کننده‌ی صدق و گدازشان هستند، تا در پگاه ظهور، آنچه را با غم و اندوه و آه و اشک، آرزو کردند و از خدا طلبیدند، به حقیقت برسانند.

آدینه‌ها، زاده‌ی زهرا علیها السلام مهماندار ایمانیان، بلکه آفریدگان است. وی در

۱. تفسیر صدر المتألهین، ج ۷، ص ۲۰۹، المطلع الثامن، اشراق اول، ذیل آیه‌ی ۹

سوره‌ی جمعه.

۲. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۳۸۰، کتاب الصلاة، ابواب صلاة الجمعة، باب ۴۰، ح ۱۸.

آدینه‌ی شعبانی، با تولد خجسته‌اش، جهان را روشن ساخت و در این روز، به صدارت و رهبری نشست و به لقب قائم آراسته شد؛<sup>۱</sup> بدین جهت جمعه، این ارج و منزلت را وامدار آن عزیز است؛ چون او به این روز و هر چیز و هر کس مهتری و سروری بخشاید.

آدینه‌ها، در زیارت آن حضرت، پس از درود بر محضر گرانقدرش می‌گوییم:

ای سرورم! ای صاحب الزمان! درود خدا بر تو و دودمانت! امروز، جمعه است که در آن، ظهور فرخنده‌ات، گشایش [کار] ایمانیان به دستان توانایت و نیستی کافران، به شمشیر آخته‌ی تو، انتظار می‌رود. ای مولایم! امروز مهمان توام؛ به تو پناهنده شدم. تو آقای کریم از خاندان کریمانی و [امروز] میزبانی و نگاهبانی ما بر دوش تو است؛ پس مرا فراخوان خود کن و پناهم ده.<sup>۲</sup>

مردی از امام باقر علیه السلام پرسید: چرا جمعه را به این نام خواندند؟ امام در پاسخ فرمود: زیرا خدای بلندمرتبه، در این روز، تمام آفرینش را برای گرفتن پیمان ولایت محمد و جانشینان او علیه السلام گرد هم آورد.<sup>۳</sup> و در حدیثی دیگر فرمود: خورشید، در روزی برتر از جمعه نتابد.<sup>۴</sup>

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۴.

۲. مفاتیح الجنان / ۹۶، گزیده‌ای از زیارت امام زمان علیه السلام در روز جمعه.

۳. وسائل النبیة، ج ۷، ص ۳۷۷، کتاب الصلاة، ابواب صلاة الجمعة، باب ۴۰، ح ۷.

۴. همان، ص ۳۷۵، ح ۲.



امام صادق علیه السلام فرمود:

قیام قائم ما خاندان، روز آدینسه باشد و روز  
برانگیخته شدن نیز.<sup>۱</sup>

صدرالمتألهین، در تفسیر خویش چنین گوید:

از جهتی روز جمعه، آخرین روز از روزهای دنیا، و  
نخستین روز از روزهای آخرت است، به جهتی دیگر.  
چون قیامت در این روز برپا شود و ظهور نام حق و وقوع  
رستاخیز کبرا در این روز است...، یهود و غیر یهود، برآند  
که خدای بی نیاز، بنای آفرینش آسمانها و زمین را در روز  
هفتم به پایان رساند و ما برآنیم که آن روز هفتم،  
جمعه است.<sup>۲</sup>

برخی فرزندگان فرموده‌اند:

روز عید سترگ، روز پیوند نبوت و ولایت، غدیر خم،  
حضرت مهدی آل محمد صلوات الله علیهم میراث بر زمامداری از نیاکان  
پاک خویش گشت؛ بدین جهت، می توان این عید بزرگ را  
از روزهایی شمرد که به آن جناب تعلق دارد.<sup>۳</sup>

به جز روز جمعه برخی از زمان‌های دیگر نیز به امام زمان علیه السلام تعلق دارد؛  
مانند لحظه‌های پایانی روز.

۱. همان، ص ۳۸۱، ح ۱۸.

۲. تفسیر صدرالمتألهین، ج ۷، ص ۲۳۰، المطلع الثالث، اشراق اول، ذیل آیهی ۹  
سورهی جمعه.

۳. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۶۰.

مرحوم شیخ ابوجعفر طوسی، شیخ ابراهیم کفعمی و برخی دیگر از حق‌باوران، روز را دوازده قسمت کرده‌اند و هر بخش را ویژه‌ی امامی دانسته و زیارتی برای آن امام آورده‌اند. قسمت پایانی روز، یعنی آن‌گاه که خورشید در کران نشیند و رنگ رخسارش به زردی گراید تا غروب آفتاب را برای امام زمان علیه السلام دانسته و زیارتی برای توسل به حضرت در آن لحظات آورده‌اند؛ پس پیروان آن حضرت بدانند که آن زمان، میزبان و نگاهبانان حضرت مهدی علیه السلام است و باید رو به سوی آن امام همام نمود:

بارالها! به حق ولی‌ات، خَلَف شایسته، ذخیره‌ات در روی زمین و انتقام گیرنده از دشمنان تو و رسالت، بر محمد و خاندانش درود فرست و به حق آن حضرت، مرا دریاب؛ از آنچه می‌ترسم و پروا دارم، نجاتم ده؛ در این جهان و سرای واپسین، مرا سلامت دار و مرا به لباس زیبای بخشایشت بیار؛ آمین.

بارالها! مولایم حضرت حجت علیه السلام را پشتیبان و نگاهبان، و راهبر و نگهدار باش، و در پوششت گیرش، تا آن زمان که با خشنودی، او را در زمین، اسکان و سلطنت، و زمانی بلند بهره دهی، ای مهربان‌ترین مهربانان!

... أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَوَلِيِّكَ الْخَلْفِ الصَّالِحِ، بِقِيَّتِكَ فِي أَرْضِكَ الْمُنتَقِمِ مِنْ  
أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءِ رَسُولِكَ بِقِيَّةِ آبَائِهِ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عليهما السلام وَ

۱. البلد الأمين، فی ذکر ادعیه الساعات / ۲۱۱؛ مصباح المتعجد، ادعیه الأسبوع، ص ۵۱۷ و ادعیه الساعات / ۱۹۳.

أَتَضَرَّعُ بِهِ إِلَيْكَ وَ أَقْدِمُهُ بَيْنَ يَدَيَّ أَنْ تُصَلِّيَ وَ رَغْبَتِي إِلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ  
مُحَمَّدَ وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَدَارِكَنِي بِهِ وَ تُنَجِّينِي مِمَّا أَخَافُهُ وَ أَخْذُرُهُ وَ أَلْبَسَنِي بِهِ  
عَافِيَتَكَ وَ عَفْوَكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ كُنْ لَهُ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ نَاصِرًا وَ قَائِدًا وَ  
كَالِنًا وَ سَاطِرًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا يَا أَرْحَمَ  
الرَّاحِمِينَ....

# الْكِتَابُ الْمَسْطُورُ<sup>۱</sup>

روح آفرینش، حضرت حجت علیه السلام، تندیس قرآن و باطن آن  
قرآن کریم بطن در بطن و نور در نور است. ژرفای عمیقش، پایان ندارد  
و پهنای وجودش بی ساحل است؛ دریایی است که گاه، باوقار و آرام باشد و  
گاه با موجی توفانی جانها را به لرزه درآورد.  
دانش خدای دانا، سرگذشت پیشینیان و گزارش آینده، از گوهرهای بی  
مانند آن است. حکمتها، پندها و معارف خداشناختی، مرواریدهای  
گرانسنگی است که غواصان شناگر در آن اقیانوس بی پایان، به چنگ آرند.  
این کتاب روشنگر، یادگار ماندگار برترین پیامبران، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و  
مهم ترین معجزه‌ی او است که در ظاهر، صامت است و بی زبان.

---

۱. در این که منظور از «کتاب مسطور» در قرآن کریم چیست، در میان مفسران اختلاف شده، برخی گفته‌اند: کنایه از لوح محفوظ است و عده‌ای گفته‌اند: منظور، کتاب اعمال بندگان است و برخی برآنند که مقصود، قرآن کریم است، که از جهت لفظ و ظاهر وقتی قرینه‌ای در کلام نباشد، این نظریه صحیح به نظر می‌آید... و ما در این جا، مباحث خویش را بر مبنای دیدگاه آخر پی‌ریزی کرده‌ایم، رک: تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۲۸۳؛ و ج ۱۹، ص ۶؛ و تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۰۱؛ و ج ۲۲، ص ۴۱۱، ذیل آیه‌ی ۲ از سوره‌ی طور و آیه‌ی ۶ از سوره‌ی احزاب.

خدای سبحان، صفات آراسته و فضیلت‌های خویش را برای خاندان نبوت ﷺ پسندید، و فراخی سینه‌هایشان را گنجینه‌ی اسرار و دانش حیاتبخش قرآن کریم قرار داد.<sup>۱</sup>

رفتار و گفتار اهل بیت علیهم‌السلام بر اساس حقیقت استوار گشته است. آنان تندیس قرآن کریم و کلام ناطق خدای دانایند؛ رفتار و صفاتشان؛ نموداری کامل از خداشناختی است و گفتار و سکوتشان بر پایه‌ی دانایی و آیات نورانی کتاب خدا شکل گرفته و تصویری کامل از آن هستند، تا از خاکیان تا افلاکیان به تماشا روند و حجت بر همگان به سر آید.<sup>۲</sup> وانگهی اگر آن مفسران کتاب الهی نبودند، قرآن محجور و غریب می‌ماند و به دست فراموشی سپرده می‌شد؛ زیرا درون و نهانش هرگز شکوفا نمی‌گشت و در پرتوش کسی راه نمی‌یافت.<sup>۳</sup>

نخستین و برترین پدیده‌ها، نور محمدی و خاندان او علیهم‌السلام هستند، که آفریدگان از پرتو آنان، نور وجود گرفتند.<sup>۴</sup>

۱. رک: *مفاتیح الجنان*، زیارت جامعه‌ی کبیره.

۲. امام صادق علیه‌السلام: نَحْنُ حَبَّةُ اللَّهِ: ما حجت خداوندیم. کافی، ج ۱، ص ۱۴۵، باب النوادر، ج ۷.

۳. امام صادق علیه‌السلام: به خدا سوگند! تمام دانش قرآن، نزد ما است. *وسائل الشیعة*، ج ۲۷، ص ۱۸۴۱، کتاب القضاء، باب ۱۳، ح ۱۶.

۴. ابو حمزه: شنیدم امام علی بن الحسین علیه‌السلام فرمود: "خداوند، محمد و علی و یازده زاده‌ی او علیهم‌السلام را از نور عظمت و بزرگی خویش بیافرید و اینان را به صورت شبح‌هایی در پرتو نورش به پاداشت و آنان، او را می‌پرستیدند، پیش از آفرینش هر پدیده‌ای. کافی، ج ۱، ص ۵۳۰، باب ما جاء فی الأئنی عشر و النص علیهم، ح ۶؛

پیشوایان آیین اسلام سترگ‌ترین آیت حضرت ایزدی و شگفت‌ترین اعجاز اویند که هیچ معجزه‌ای به بلندا و بزرگی آنان نرسد.<sup>۱</sup> آفریدگان، به فیض و برکت آن عزیزان، رنگ هستی به خود گرفتند، تا همان‌گونه که سنگ بنا و آغاز خلقت بودند، هدف و مقصود آن نیز باشند<sup>۲</sup> و چنانچه آنان که فخر و اساس آفرینشند، بر زمین گام نگذارند، اختران فرو ریزند و زمین، ناآرام و مضطرب شود و با ساکنانش ستیزه جوید.<sup>۳</sup> بدین صورت، همه چیز و همه کس حتی قرآن، کلام خدا، بود خویشتن را از آنها به عاریت گرفته و وامدار آنان است و همگی در سراپرده‌ی ولایتشان که ولایت خداوند متعال است، قرار دارند.<sup>۴</sup>

اختران آسمان ولایت، قلب و ترجمان کتاب الهی‌اند، و آیات زیادی از آن بر اساس دوستی و دشمنی آنان سخن راند؛ ستایش آن عزیزان و نکوهش

۱. امیر مؤمنان، علی علیه السلام: انا الآية العظمى و المعجز الباجر؛ من بزرگ‌ترین آیت خدا و معجزه‌ی آشکار اویم. بحار الأنوار، ج ۵۴، ص ۳۳۶، کتاب السماء و العالم، باب ۲، العوالم و من كان في الارض، ح ۲۶.

امام رضا علیه السلام در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی (عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبَأِ الْعَظِيمِ \* الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ)، از حضرت علی علیه السلام گزارش دهد که فرمود: خدا را خبری سترگ‌تر از من نیست. او آیتی بزرگ‌تر از من ندارد. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۱، تاریخ امیر مؤمنان علیه السلام، باب ۲۵، انه عليه السلام النبأ العظيم والآية الكبرى، ح ۲.

۲. ر.ک: حدیث کساء، عوالم العلوم، ج ۱۱، سیده النساء فاطمة الزهراء علیها السلام، ص ۶۳۸.

۳. امام صادق علیه السلام: لو بقیت الارض بغير امام لساخت؛ اگر زمین از امام تهی گردد [اهل خود را] فرو برد. کافی، ج ۱، ص ۱۷۹، کتاب الحجّة، باب ان الارض لا تخلو من حجّة، ح ۱۰.

۴. امام باقر علیه السلام: ولایت ما، ولایت خدا است. کافی، ج ۱، ص ۱۴۶، کتاب التوحید، باب النوادر، ح ۱۱.

بدخواهانشان، درونمایه‌ی آن کتاب بزرگ، و بدان‌ها رهنمون است.

محمد بن منصور درباره‌ی تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ»<sup>۱</sup> از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پرسید، حضرت پاسخ فرمود: قرآن، ظاهر و باطنی دارد؛ تمام آنچه خدای حکیم در کتابش حرام کرده، ظاهر آن است که روشن است، و باطن آن [حرام‌ها]، پیشوایان ستمگرند؛ و آنچه در کتابش حلال دانسته، مباح است و این، ظاهر آیه است؛ اما باطن آن [حلال‌ها]، پیشوایان هدایتگر علیهم السلام هستند.<sup>۲</sup> امام صادق علیه السلام فرمود: «پرودگار، ولایت ما خاندان را مدار و محور قرآن و کتاب‌های آسمانی قرار داده است. آیات محکم قرآن براساس ولایت ما دور می‌زند، و به سبب ما، کتاب‌های آسمانی را بخشیده [و فرو فرستاده] و به ولایت ما، ایمان‌ها آشکار می‌شود.<sup>۳</sup> امام زین‌العابدین علیه السلام فرمود: «امام، به قرآن رهنمون است، و قرآن به او رهنمایی کند.»<sup>۴</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من، میان شما دو چیز گرانمایه و سنگین به جای می‌گذارم؛ کتاب خدا و علی بن ابی‌طالب، و علی برای شما از کتاب خدا برتر است؛ زیرا او برایتان ترجمان آن کتاب است.

می‌توان باور داشت که قرآن و عسرت، دو شکوفه و دو میوه‌ی یک

۱. اعراف، ۳۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۸۹، کتاب الامامة، باب ۵۲، انهم علیهم السلام و ولایتهم العدل و المعروف، ح ۱۰.

۳. همان، ج ۸۱، ص ۲۷، کتاب القران، باب ۱، فضل القران و اعجازه و...، ح ۲۹.

۴. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۹۴، کتاب الامامة، باب ۶، عصمتهم و لزوم عصمة الامام،

ح ۵.

درختند. حقیقت و واقع، یکی است و تجلی و نمودار، دوتا و دوگونه؛ یکی ظاهر است و یکی باطن؛ بدین جهت در کارزار صفین، آن سان که دورویان، به تزویر، قرآن بر نیزه‌ها کردند و در نقابش پنهان شدند، قرآن ناطق، امیر مؤمنان علیه السلام آوا در داد، تا شاید کوتاه‌نظران، چشم ساینند و خفتگان بیدار شوند: ای آدمیان! اینک منم قرآن ناطق، منم باطن و حقیقت آن؛ وحی خدا در سینه‌ام نهفته و قلبم لبریز از دانش خداوند است؛ پس مرا پاس دارید و سخنانم را محترم شمارید. آنچه بر نیزه‌ها بینید، نقش و صورتی بیش نیست؛ فریب مخورید.<sup>۱</sup>

و در روایتی فرمود:

این که در دست مردم است، کتاب صامت و بی‌زبان

خداوند است و من، کتاب ناطق و گویای خدایم.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام در تأویل آیهی شریفه **«الْم \* ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»**<sup>۳</sup>، فرمود:

کتاب علی لا ریب فیهِ؛

[مقصود از] «الکتاب» علی علیه السلام است که در او شکی

نیست.<sup>۴</sup>

۱. اقتباس از: کتاب وقعة الصفین / ص ۵۱۷ و مجموعه‌ی آثار، ج ۲۱، ص ۸۸.

۲. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۳۴، کتاب القضاء، باب ۵، تحریم الحکم بغیر الکتاب...، ح ۱۲.

۳. بقره / ۱ - ۲؛ الم (بزرگ است خداوندی که این کتاب عظیم را، از حروف سادو الفبا به وجود آورده)؛ آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد؛ و مایه‌ی هدایت پرهیزکاران است.

۴. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۱، کتاب العلم، باب ۸، ثواب الهدایة و التعلیم، ح ۵۹.



حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام در تفسیر آیهی شریفهی «حم \* وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ \* إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ»<sup>۱</sup>، فرمود:

[منظور از] «الْكِتَابِ الْمُبِينِ» امیر مؤمنان، علی علیه السلام، و

[منظور از] «لَيْلَةٍ» حضرت فاطمه علیها السلام است.<sup>۲</sup>

قرآن، آموزگار آدمیان، در سینهی امام عصر، حضرت مهدی علیه السلام روید و نهالش ثمر دهد. تنها این ظرف پاک و پهناور، جایگاه بزرگ‌ترین کتاب آسمانی گشته و آیات آن، تفسیرگر آن مرد الهی است و وی را نقطه‌ی پرگار ستایش خود داند؛ این دو رشته‌ی حضرت یزدانی، هرگز از هم گسسته نگردد و مؤمنان به وسیله‌ی هر دو، راه هدایت و رستگاری را پیمایند و در ساحل نشینند.

آخرین حلقه‌ی زنجیر امامت و ولایت، امام زمان علیه السلام قرآن مجسم و کتاب گویای خدا است. روح عبادات و جوهره‌ی ایمان و جان قرآن مجید، آن حضرت است.

کتاب وحی، صدفی بی‌همتا را ماند که گوهر ناشکفه‌اش، قائم آل محمد علیهم السلام است و تنها آن کانون علم و دانش، نقاب کلمات و پرده‌ی اسرار کلام‌الله را کنار می‌زند و مراد آن را روشن می‌سازد، و از سویی، خود نیز مراد و ترجمان آن است.

۱. دخان / ۱ - ۳؛ حم؛ سوگند به این کتاب روشنگر؛ که ما آن را در شبی پُر برکت نازل کردیم؛ ما همواره اِنذارکننده بوده‌ایم!

۲. کافی، ج ۱، ص ۴۷۹، کتاب الحجّة، باب مولد ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام، ح ۴. اما «الکتاب المبین» امیر مؤمنان علی علیه السلام و اما «اللیلة» ففاطمة علیها السلام.

روشن تر و صریح بگوییم؛ بطن و درونمایه‌ی کتاب سربه سر نور، زاده‌ی حضرت زهرا علیها السلام است. او چونان نیاکان پاکش، قرآن گویا و اساس آفرینش و خوبی‌ها است؛ بدین جهت، مُلک و ملکوت، قرآن و کتاب‌های آسمانی، انبیا و آدمیان و همه، مدیون آن سرورند. امام باقر علیه السلام: دانش کتاب خدای سبحان و سنت و سیرت نبی‌اش صلی الله علیه و آله در قلب مهدی ما بروید؛ پس هر کدام از شما مانندید و به دیدارش افتخار یافتید، این گونه به او درود فرستید:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَ النَّبُوَّةِ وَ مَعْدِنِ  
الْعِلْمِ وَ مَوْضِعِ الرَّسَالَةِ؛

درود بر شما ای خاندان رحمت و نبوت و گنجینه‌ی  
دانش و جایگاه رسالت!

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ  
أُوتُوا الْعِلْمَ وَ مَا يُجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ»<sup>۱</sup> فرمود:

منظور، پیشوایان [معصوم علیهم السلام] است که آیات قرآن،

در سینه‌ی آنها جاگرفته.<sup>۲</sup>

امام صادق از نیاکانش علیهم السلام گزارش کند که از امیر مؤمنان،  
علی علیه السلام پرسیدند: منظور رسول خدا صلی الله علیه و آله از این سخن چه بود: «من دو چیز  
گرانمایه و سنگین میان شما به امانت می‌سپارم: کتاب خدا و اهل بیتم»؟

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۶، تاریخ الأمام الثانی عشر، باب ۴، صفاته و علاماته و  
نسبه علیه السلام، ح ۵.

۲. عنکبوت / ۴۹؛ ولی این قرآن، آیات روشنی است که در سینه دانشوران جای دارد؛ و  
آیات ما را جز ستمگران انکار نمی‌کنند!

۳. کافی، ج ۱، ص ۲۱۴، باب ان الأئمة قد اوتوا العلم، ح ۲.

پاسخ فرمود:

منظورش، من، حسن، حسین و نه پیشوا از زادگان حسینم است که نهمین آنان، مهدی و قائم ایشان است. آنها از قرآن [جدا نشوند] و قرآن از آنان جدا نشود، تا در کنار حوض کوثر بر حضرت رسول خدا ﷺ وارد آیند.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیهی شریفهی «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ»<sup>۲</sup> فرمود:

[منظور از] «سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي» امامان علیهم السلام هستند و [منظور از] «الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ»، حضرت صاحب الامر علیه السلام است.<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود:

[مقصود از] صلات، زکات، حج... در کتاب خدا، ما هستیم.<sup>۴</sup>

در زیارت حضرت ولی عصر علیه السلام با نام کتاب مسطور سلام می دهیم:  
السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ الْمَأْثُورِ وَالْكِتَابِ الْمَسْطُورِ؛  
درود بر آیین به جای مانده که از پیامبر گزارش شده، درود بر کتاب نگاشته شده<sup>۵</sup> که اشارتی دارد به جایگاه بلند آن حضرت؛ یعنی او عدل و

۱. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۰، باب ۳، فی الثقلین، ح ۳.

۲. حجر / ۸۷؛ ما به تو سوره حمد و قرآن عظیم دادیم!

۳. حیات القلوب (امام شناسی)، ج ۵، فصل ۲۷، ص ۴۲۲.

۴. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۰۳، کتاب الامامة، باب ۶۶، انهم الصلاة و الزكاة و...، ح ۱۴.

۵. مفاتیح الجنان / ۸۷۵ و المصباح کفعمی، باب زیارة المهدي علیه السلام، ص ۶۶۰.

ترجمان قرآن کریم و باطن و حقیقت آن است؛ و به عبارتی روشن‌تر، آنچه در پیش روی مردمان، لفظ و نوشتاری هست که معنا و جوهره‌اش، قطب آفرینش، علت هر پدیده، حضرت مهدی علیه السلام است.

الها! به لطفش ما را به راه روشن خداپرستی هدایت کن و در طریق ولایت و عدالت استوارمان دار و در پیروی و دلدادگی‌اش، هر چه از پیش، کوشاترمان گردان؛ آمین، ای پروردگار هر دو جهان!

# الشَّرِيد، الطَّرِيد<sup>۱</sup>

تحفه‌ی آفرینش صحرائنشین و تنها

حضرت موسی، قهرمان یکتاپرستی و ظلم‌ستیزی، از ترس جان خویش از شهر و دیارش رانده و آواره شد.<sup>۲</sup>

نور دیدگان رسول رحمت ﷺ، امام حسین علیه السلام به جرم آزادگی و دست در دست پیدادگران و تبه‌کاران ندادن، از مدینه، شهر پیامبر به مکه، حرم امن خدا پناهنده شد، و از آن جا، از بیم جان و تباهی خون خود و شکسته شدن حریم خداوندگار، به دشت و صحرا پناه برد و در حرم امن الهی مسکن نگزید.

﴿فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾.<sup>۳</sup>

---

۱. نجم ثاقب، ص ۷۷، باب دوم، لقب شماره‌ی ۶۸ و ص ۷۷۴ و العبقری الحسان، ج ۱، جزء ۲، ص ۴۲.

۲. ﴿فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَى إِنَّكَ لَعَوِي مُبِينٌ﴾؛ موسی در شهر ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه‌ای و در جستجوی اخبار؛ ناگهان دید همان کسی که دیروز از او یاری طلبیده بود فریاد می‌زند و از او کمک می‌خواهد، موسی به او گفت: "تو آشکارا انسان گمراهی هستی!". قصص / ۱۸

۳. قصص / ۲۱؛ موسی از شهر خارج شد، در حالی که ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه‌ای؛ عرض کرد: پروردگارا! مرا از این قوم ظالم رهایی بخش!

نوید طلوع آزادی و ظهور دادگری در آخرالزمان، از دیرباز لرزه بر اندام نمرودیان و فرعونیان انداخت و خواب و خیال خدایگانی آنان را آشفته ساخت. این، سبب شد تا دانسته در کمین آن براندازنده‌ی کاخ‌های ستم پیشگان نشینند، تا دیده به جهان نگشاید و در صورت طلوع، فروغش را تیره و خاموش سازند.

صاحبان تاج و تخت، سرای امام حسن عسکری علیه السلام را که قلم و تقدیر پروردگار بر آن رفته بود تا ستاره‌ی پرفروغ رهایی، از آن خانه سرفرازد و نابودکننده‌ی بیدادگران در آن جا زاده شود و شمشیر به قامت گیرد، در نگاهبانی و نظرگاه خود داشتند؛ اما از آن جا که خواست خدای توانا، در هر زمان چیره است و غالب، حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله همان جا گام بر فرق خاک گذاشت. آن ذخیره‌ی الهی، از ترس جان پاکش، نه در سامرا و نه در مدینه، شهر عزیز نیاکانش منزل گرفت؛ بلکه آواره‌ی صحرا گشت، و بیابان، میزبان آن فرخنده شد. مونس حضرت مهدی صلی الله علیه و آله غربت است و تنهایی. از جایی به جایی و از سوی به سوی رفتن، بنای زندگانی اش بوده، غریبی و بی‌کسی میراث او است و مظلومیت، شناسنامه‌ی خاندانی اش. آن حضرت، گردن به تیغ کس نسپارد و پیمانی بر دوش نگیرد. خصم آزمند به خون پاک آن عزیز، پیوسته در جُست و جوی او بوده و هست، تا به پندار ناپخته‌ی خود خونش را بریزد و آرام بیاراند و سلطنت، میراثشان بماند. تا باشد آن زمان که دستداران راستینش افزون شوند و حضرت حق فرمان به قیام او صادر کند و فرودستان نجات یابند و فرادست گردند.

امام زمان صلی الله علیه و آله خود در این گستره می‌فرماید:

پدرم از من پیمان ستانده که جز در سرزمین‌های نهان

و دور، منزل نگیرم، تا امرم پوشیده ماند و جایگاهم از  
نیرنگ گمراهان و سرکشان و بداندیشان در امان باشد؛ از  
این رو به سوی بیابانها و شنزاران روانم ساخت؛ ولی  
پایانی در انتظارم هست که در آن، گره از کارها گشوده  
شود، و فریاد و وحشت مردمان، آرام گیرد.<sup>۱</sup>

اصبغ بن نباته از امیر مؤمنان، علی علیه السلام گزارش دهد:

إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ الشَّرِيدُ الطَّرِيدُ وَالْقَرِيدُ  
الْوَحِيدُ؛

صاحب این امر [= امامت] کسی است که آواره، رانده  
شده و تک و تنها است.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام می فرماید:

حضرت قائم علیه السلام پیش از انقلاب باشکوهش غیبی کند.

زراره جوایب سبب آن شد؛ امام فرمودند: می ترسد. و با دست به شکم خود  
اشاره کرد [کنایه از کشته شدن]، سپس ادامه داد:

ای زراره! او مهدی منتظر و کسی است که مردم در  
تولدش شک و اختلاف می کنند، برخی گویند: او هنوز  
متولد نشده، عده ای عقیده پیدا می کنند که: غایب است و  
برخی دیگر بر این باور خواهند بود که: حضرت دو سال  
پیش از شهادت پدر بزرگوارش، امام حسن عسکری علیه السلام

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۷، باب ۴۳، ذکر من شاهد القائم علیه السلام، ش ۱۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰، تاریخ الإمام الثانی عشر، باب ماورد عن امیر مؤمنان علیه السلام  
فی ذلک، ح ۲۱.

چشم به دنیا گشود ولی خدا دوست دارد شیعیان را بیازماید  
و در این زمان اهل باطل در شک و تردید می افتند.

زراره گفت: «پدر و مادرم فدایت! اگر این زمان را  
درک کردم چه عملی انجام دهم [تا سبب نجاتم شود]؟»  
فرمود:

در آن وقت بر این دعا مداومت کن و زیاد بخوان: **اللَّهُمَّ  
عَرَّفَنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ  
نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي  
رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ  
إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ظَلَلْتُ عَنْ دِينِي...**<sup>۱</sup>

آن حضرت در روایت دیگری به مفضل فرمود:

ای مفضل! مهدی علیه السلام [پیش از آن که یارانش را برای

قیام فراخواند،] تنها ظهور نماید، به مسجدالحرام آید؛ در

حالی که تنها است. به دامان کعبه دست یازد؛ در حالی که

تاریکی شب همه جا را فراگرفته و او همچنان تنها است.<sup>۲</sup>

امیر مؤمنان، علی علیه السلام نیز می فرماید:

مهدی ما، از تولد تا ظهور، تنها، یگانه و غریب

خواهد بود.<sup>۳</sup>

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۲، باب ۳۳، ما روی عن الصادق علیه السلام، ح ۲۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۷، تاریخ الإمام الثانی عشر، باب ۲۵، ما یکون عند ظهوره علیه السلام.

۳. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۲۹.



و در روایتی دیگر حضرت را این گونه وصف کرده است:

فَهُوَ مُغْتَرِبٌ إِذَا اغْتَرِبَ الْأَعْسَلَامُ؛

آن هنگام که اسلام غریب شود، [حضرت مهدی علیه السلام]

نیز غریب و تنها باشد.<sup>۱</sup>

آخرین حلقه‌ی زنجیر امامت، تنها و دور از وطن است؛ اما رحمت ایزدی همواره سایه‌انداز اوست. خدای مهربان گزیدگانی از خوبان را یار و مونس آن عزیز قرارداد، تا پروانه‌ی آن گل نرگس باشند؛ آنان که باورشان راسخ است و محکم، دل‌هایشان آرام و روشن، قلوبشان آکنده از مهر و صفا و درونشان به صافی و پهناوری آسمان آبی و به پاکی آب دریا. اینان گرچه اندکند و بنابر روایاتی از سی تن پیش‌تر نیستند، و نزد خدای والا مقام، جایگاهی بس بلند و والا دارند. هر گاه یکی از آنها در رحمت ایزدی مأوا گیرد، گزیده و پاکی دیگر به آن مقام و منزلت راه می‌یابد و بدان شرافت بی‌مانند، نایل می‌شود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

بر صاحب این امر [= امامت] غیبت و کناره گرفتن از مردمان است و چه خوب جایگاهی است مدینه، و با سی تن، وحشت و احساس تنهایی نیست [و این عده همواره در خدمت آن حضرتند].<sup>۲</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۱۳، تاریخ الإمام الثانی عشر، باب ۲، ماورد عن امیر مؤمنان علیه السلام فی ذلک، ج ۱۰.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، کتاب الحجّة، باب فی الغیبة، ح ۱۶ و غیبت نعمانی، ص ۱۸۸، باب ۱۰، ح ۴۱.

امام رضا علیه السلام فرموده است:

خداوند به واسطه‌ی جناب خضر، رنج غربت و تنهایی  
را از قائم علیه السلام در زمان غیبتش بزداید و او با انس خود،  
تنهایی و غربت حضرت را دور می‌سازد.<sup>۱</sup>

---

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳، تاریخ الإمام الثانی عشر، باب ۲۳، من ادعی الرؤیة فی الغیبة، ح ۳.

# صَاحِبُ الرَّجْعَةِ وَالْكَرَّةِ

بازگشت حضرت صاحب الزمان علیه السلام و به پاخواستن یاران خفته‌اش در بستر خاک

همان‌گونه که آفریدگار، بر سرشتن آدمیان توانا است، بر زنده کردن و ساختار دگر بارش نیز توان دارد. قرآن مبین نمونه‌هایی از برانگیخته شدگان را به صراحت و اشارت نگاشته است. حضرت عَزِيزُ بر شهری گذر کرد که از آن و مردمانش، جز ویرانه و استخوان‌هایی پوسیده به جای نمانده بود. در فکر فرو رفت و با خود گفت این بدن‌های در خاک و بر باد رفته و استخوان‌های پوسیده را چه کسی دیگر بار انسانی سازد و برانگیزد؟! مرگ بر او و مرکبش، سالیانی دراز چیره شد. زمانی چشم گشاد و نگریست که ذره ذره‌ی خاک، کنار هم نشست و حیوان کامل گشت، سپس روح در او دمیده و بسان روز نخست زنده شد.<sup>۱</sup> حضرت عیسی، مجسمه‌ای از خاک خلق کرد و پدید آورد و در آن روح دمید و به اذن حضرت پروردگار

---

۱. بقره / ۲۵۹؛ «أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتُ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَ شَرِبِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَ انظُرْ إِلَى جَمْرِكَ وَ لِنَجْعَلَك آيَةً لِلنَّاسِ وَ انظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

پرنده‌ای شد. کور را بینایی می‌بخشید و مردگان را زنده می‌کرد.<sup>۱</sup> این‌ها همه، دلیلی روشن و استوار، بر آن است که حضرت حق، هر زمان بخواهد بر زنده کردن مردگان و رجعت آن‌ها توانا است؛ همان‌گونه که در پیشینیان رخ داده و نمونه دارد.

مأمون، به امام رضا علیه السلام گفت: درباره‌ی رجعت چه می‌گویید؟ فرمود: این، حقیقتی است که در امت‌های پیشین بوده و قرآن نیز گویای آن است و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز در این خصوص فرمود: «آنچه در امت‌های گذشته رخ داده، همانند آن در این امت، نیز پدید آید».<sup>۲</sup>

در آستانه‌ی قیام حضرت مهدی علیه السلام ناگاه آسمان، برقی زند و از میان آن، بانگی برآید که زندگان و خفتگان بشنوند؛ زمین بشکافد و بسیاری از مؤمنان و کافران، ستم‌دیدگان و ستم‌پیشگان برانگیخته شوند، تا بغض‌های ترکیده و آتش درونشان را آشکار کنند و سزای کرده‌ی خویشان را ستانند و بنگرند ندای: ان هذا مهدی فاتبعوه؛<sup>۳</sup> گویی نفخه‌ی صوری است که دمیده

۱. «أَنْتِ أَخْلَقْتِ لَكُمْ مِنَ الطَّيْرِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أَخِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أَنْبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ من نشانه‌ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده‌ام؛ من از گل، چیزی به شکل پرنده می‌سازم؛ سپس در آن می‌دمم و به فرمان خدا، پرنده‌ای می‌گردد. و به اذن خدا، کور مادرزاد و مبتلایان به برص (= پیسی) را بهبود می‌بخشم؛ و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم؛ و از آنچه می‌خورید، و در خانه‌های خود ذخیره می‌کنید، به شما خبر می‌دهم؛ مسلماً در این‌ها، نشانه‌ای برای شماست، اگر ایمان داشته باشید! آل عمران / ۴۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۵۹، تاریخ الإمام الثانی عشر، باب ۲۹، الرجعة، ح ۴۵.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۹۵، تاریخ الإمام الثانی عشر، باب ۱، ماورد من اخبار الله و

و اینک رستاخیز صفرا برپا شده، تا طومار ناآرامی و بیداد، برای همیشه درهم پیچیده و مُهر شود؛ صاحبان آیین و فرمانروایان اسلام علیهم السلام جایگاه خود را بیابند و در پرتو حکومتشان، گستره‌ی زمین، پرستشگاه یکتا خدا شود؛ مؤمنان گام بر عرش و کرسی زنند، دوزخیان درونشان را ظاهر سازند و فرودشان به سرانجام رسد، وعده‌های الهی رنگ حقیقت و نمایش به خود گیرد، و بر قامت رعناى آفرینش نوشته شود:

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾<sup>۱</sup>

و این از باورهای پیروان راستین رسول رحمت و خاندان پاکش علیهم السلام است و آموزه‌های دینی، ما را بر این عقیدت و باور رهنمایی و پابرجا می‌سازد.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی ﴿وَيَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾<sup>۲</sup> فرمود:

مؤمنی کشته نشده باشد، جز آن که برانگیخته شود تا

بمیرد، و مرده‌ای نباشد، جز آن که بازگردد تا کشته شود.<sup>۳</sup>

و زمانی که آن حضرت شنید مردمان در تفسیر آیه‌ی یاد شده می‌گویند:

مربوط به قیامت است [این دیدگاه را باطل دانست و به اعتراض] فرمود:

→

اخبار...، ذیل حدیث ۳۷، شماره‌ی ۱۷.

۱. اسراء / ۸۱؛ و بگو: حق آمد، و باطل نابود شد؛ یقیناً باطل نابود شدنی است!

۲. نمل: ۸۳ به خاطر آور روزی را که ما از هر امتی، گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کردند محشور می‌کنیم؛ و آن‌ها را نگاه می‌داریم تا به یکدیگر ملحق شوند!

۳. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴۰، تاریخ الإمام الثانی عشر، باب ۲۹، الرجعة، ح ۵.

آیا در رستاخیز، از هر امتی تنها گروهی بازگردند و دیگران بر حال خود بمانند؟! [چنین نیست؛ بلکه] این آیه درباره‌ی رجعت فرود آمده است.<sup>۱</sup>

و آن حضرت در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «قَالُوا رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَخْيَتْنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَىٰ خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ»،<sup>۲</sup> فرمود:  
این آیه در خصوص رجعت نازل گشته است.<sup>۳</sup>

آن آموزگار مکتب جعفری، ایمان به رجعت را از پایه‌های اساسی پیروان خود شمرده است:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرَّتِنَا؛

کسی که بازگشت ما را نپذیرد، از ما خاندان نیست.<sup>۴</sup>

در زیارت اربعین که دفتر امام‌شناسی است و شالوده‌ی باورهای اهل ایمان بر اساس معارف آن نیایش‌ها و مانند آن پایه‌ریزی می‌شود، خدای را به راستی ایمان و یقین خود شاهد می‌گیریم و به خاندان رحمت عليه السلام چنین می‌گوییم:

گواهی دهم که به شما ایمان دارم؛ به رجعت شما، دستوره‌ای دینی‌ام و سرانجام کارم، یقین دارم... برای یاری شما آماده‌ام تا آن زمان که خدا به ظهور و بازگشت شما اجازه فرماید.<sup>۵</sup>

۱. همان، ص ۵۱، ح ۲۷.

۲. غافر / ۱۱؛ آن‌ها می‌گویند: «پروردگارا! ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی؛ اکنون به گناهان خود معترفیم؛ آیا راهی برای خارج شدن از دوزخ وجود دارد؟»

۳. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۵۱، تاریخ الإمام الثانی عشر، باب ۲۹، الرجعه، ح ۲۷.

۴. همان، ص ۹۲، ح ۱۰۱.

۵. مفاتیح الجنان / ۷۲۲.

ابوبصیر می گوید:

امام باقر علیه السلام به من فرمود: عراقیان رجعت را منکرند؟  
گفتم: آری. فرمود: مگر آنان این آیه شریفه «و یَوْمَ  
نَخْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ  
يُوزَعُونَ» را نخوانده‌اند؟<sup>۱</sup>

پس از خیزش قائم آل محمد علیه السلام نیاکان پاکش برای یاری دین خدا به  
پاخیزند؛ انبیای پیشین به این سرای بازگردند و از سربازان سلحشور امیر  
مؤمنان، علی علیه السلام باشند. برخی ایمانیان که پیراسته از هر پلیدی‌اند، سر از خاک  
بردارند و غبار غم و جدایی از سر و روی خود بزدایند و در آرزوی شهادت  
و عبادتِ بدون هراس، کارزاری کنند، کسافران و ستمکاران که اصحاب  
شیاطین و اهریمنند، آنان که آتش کینه در درون ناپاکشان شراره می‌کشد و  
از آبادانی نشانی ندارند، مبعوث شوند تا در رکاب پیشوایان خود، کینه‌توزی  
کنند و در دوزخ به پایین‌ترین جایگاه، و در کیفر جاویدان، به زنجیر درآیند.  
پانزده تن از قوم موسی، اصحاب کهف، یوشع بن نون، سلمان، ابودجانه،  
مقداد، مالک اشتر و... از کسانی هستند که با قیام مهدی موعود علیه السلام و برای  
یاری او به پاخیزند.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خداوند آن هنگام که ابلیس نافرمان شد و  
گفت: «خدایا! تا قیامت فرصت ده» تا روزی معین مهلتش داد.<sup>۳</sup> آن روز که

۱. نمل / ۸۳ ترجمه‌ی آن گذشت؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴۰، تاریخ الإمام الثانی عشر،  
باب ۲۹، الرجعه، ح ۶

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴۰، ح ۹۵.

۳. أعراف / ۱۴ - ۱۵؛ «قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ \* قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ»؛ گفت:

فرارسد، وی با نخستین تا آخرین ارادتمندانش ظاهر شود. امیر مؤمنان، علی علیه السلام نیز برانگیخته شود و همراه دوستانش، با شیطان در کارزار شود.... رسول خدا صلی الله علیه و آله با نیزه به پشتیبانی فرشتگان به میدان آید. چون چشم ابلیس به او افتد، پا به فرار نهد. حضرت با نیزه به میان دو کتف او زند و بدین صورت، شیطان و یارانش همگی نابود شوند.<sup>۱</sup>

آن امام همام، در تفسیر آیهی شریفهی «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ»<sup>۲</sup>، فرمود:

خدای بلندمرتبه نبی‌ای از فرزندان آدم را به مقام نبوت مبعوث نداشت، جز آن که به دنیا بازگردد و امیر مؤمنان، علی علیه السلام را یاری رساند.<sup>۳</sup>

→

مرا تا روزی که [مردم] برانگیخته می‌شوند مهلت ده؛ فرمود: تو از مهلت داده شدگانی.  
۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴۳، تاریخ الإمام الثانی عشر، باب ۲۹، الرجعة، اقتباس از: ح ۱۲.

۲. آل عمران / ۸۱؛ و به خاطر بیاورید هنگامی را که خداوند، از پیامبران (و پیروان آنها)، پیمان موذت گرفت، که هرگاه کتاب و دانش به شما دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می‌کند، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید! سپس (خداوند) به آنها گفت: «آیا به این موضوع، اقرار دارید؟ و بر آن، پیمان موذت بستید؟» گفتند: (آری) اقرار داریم! (خداوند به آنها) گفت: "پس گواه باشید! و من نیز با شما از گواهانم."

۳. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۶۱، تاریخ الإمام الثانی عشر، باب ۲۹، الرجعة، ح ۵۰.



و در روایتی دیگر فرمود:

نخستین کسی که در رجعت بازگردد، امام حسین علیه السلام است؛ وی چهل سال روی زمین درنگ کند، [تا از کهولت] ابروانش بر دیدگانش بیفتد.<sup>۱</sup> پیش از قیامت، حسابرسی مردمان به دست اوست و در رستاخیز، اوست که به فردوس و دوزخ می‌فرستد.<sup>۲</sup>

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

جدم، امیر مؤمنان، علی علیه السلام در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوِ كَانُوا مُسْلِمِينَ»<sup>۳</sup> فرمود: منظور آیه، من و شیعیانم و سومی و پیروانش است. در آن هنگامه که خروج کنیم، ما خاندان امیه را نابود سازیم و کافران آرزو کنند ای کاش مسلمان بودیم!<sup>۴</sup>

مفضل می‌گوید:

در حضور امام صادق علیه السلام از حضرت قائم علیه السلام و یارانش که در انتظار او می‌میرند، سخن به میان آوردیم. امام علیه السلام فرمود: در رستاخیز، آن عزیز، بر گور مؤمنان آیند و بخوانندشان: صاحب و سرورت ظهور کرده؛ خواهی به وی پیوند و خواهی در رحمت پروردگارت بیارام.<sup>۵</sup>

۱. همان، ص ۶۳ ح ۵۴.

۲. همان، ص ۴۲ ح ۱۳.

۳. حجر/ ۲۹؛ هنگامی که کار آن را به پایان رساندم، و در او از روح خود یک روح شایسته و بزرگ دمیدم، همگی برای او سجده کنید!

۴. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۶۴ تاریخ الإمام الثانی عشر، باب ۲۹، الرجعه، ح ۵۵.

۵. همان، ص ۹۱ ح ۹۸.

ششمین امام معصوم علیه السلام می فرماید:

رجعت برای برخی از مردم است نه همگان؛ مؤمن و مشرکِ خالص بازگردند.<sup>۱</sup>

بنا بر گزارش‌های خزانه‌داران دانش خداوند علیه السلام: رسول رحمت و دودمان پاکش، همگی به این سرای بازگردند تا رشته حکومت از آخرین ذخیره‌ی الهی به آنان منتقل گردد. پس از شهادت آن امام نجاتبخش، یکایک بر مسند خلافت بنشینند و راهبری نمایند تا آن زمان که حضرت مهدی علیه السلام پس از شهادت و سالیان دراز، سر از خاک بردارد و رجعت کند.

مرحوم طیب در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ»<sup>۲</sup> گوید:

آن حضرت پس از رجعت خود به دنیا، مانند برخی فرشتگان دیگر، نمیرد بلکه زنده پا در صحرای محشر گذارد، تا آن‌که قرآن کریم را بر دست گیرد و بر کرانه‌ی حوض کوثر بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد آید.<sup>۳</sup>

و بدین صورت، سلسله امامت و حجت‌های الهی استمرار یابد. «صَاحِبُ الرَّجْعَةِ» و «صَاحِبُ الْكُرَّةِ»<sup>۴</sup> که از نام‌های آن حضرت است

۱. همان، ص ۳۹، ح ۱.

۲. زَمْر / ۶۸

۳. تفسیر اَطِيبُ الْبَيَانِ، ج ۱۱، ص ۳۴۲، ذیل آیه‌ی شریفه.

۴. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۳۶، باب ۲۸، استشفاء بمحمد و آل محمد علیهم السلام، ح ۲۳، العقبی الحسان، ج ۱، جزء ۲، ص ۴۲ و نجم ثاقب، باب دوم، ص ۴۰ و ۴۱، لقب شماره‌ی ۷۴ و ۷۶.

اشارتی دارد به این بازگشت سفیر الهی.

در زیارت آل یس به امام زمان و نیاکان پاکش علیهم السلام چنین عرض می‌کنیم:

أشْهَدُ... أَنْ رَجَعْتُمْ حَقًّا لَا رَيْبَ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ  
نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنْتَ مِنْ قَبْلُ؛

گواهی دهم بر آن که... رجعت شما حق است و راست؛

آن روز که اگر کسی از پیش ایمان نیاورده ایمانش  
سودی ندارد.<sup>۱</sup>

سلمان از رسول خدا ﷺ پرسید:

آیا ممکن است [آن فرزندان را که از تو ندیده‌ام]

بنگرم و بیابم؟ فرمود: آری، ای سلمان! تو و مانند تو که

آن جانشینان مرا بشناسند و ولایتشان را بپذیرند. گفتم: آیا

من تا روزگارشان زنده مانم؟ فرمود: بخوان این آیه را

﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولِيهِمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي

بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا \*

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَ

جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا﴾.<sup>۲</sup> عرض کردم: ای رسول خدا! آیا

آنچه فرمودی، به عهده می‌گیری و ضامن می‌شوی؟ پاسخ

۱. مفاتیح الجنان / ۸۶۵.

۲. اسراء / ۵ - ۶؛ هنگامی که نخستین وعده فرا رسد، گروهی از بندگان پیکارجوی خود را بر ضد شما می‌انگیزیم تا شما را سخت درهم کوبند؛ حتی برای به دست آوردن مجرمان، خانه‌ها را جست و جو می‌کنند؛ و این وعده‌ای است قطعی! سپس شما را بر آن‌ها چیره می‌کنیم؛ و شما را به وسیله دارایی‌ها و فرزندان کمک خواهیم کرد؛ و نفرات شما را بیش‌تر (از دشمن) قرار می‌دهیم.

داد: سوگند به آن که محمد را به رسالت برگزید! برای  
خودم، علی، فاطمه، حسن و حسین و نه پیشوا از زادگان  
او علیه السلام برگردن می گیرم.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام در تأویل آیهی شریفهی «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ \* قُمْ فَأَنْذِرْ»<sup>۲</sup> فرمود:

مقصود، حضرت محمد صلی الله علیه و آله است که در روزگار ظهور و  
رجعت به پا می خیزد و بیم دهنده خواهد بود و منظور از «إِنَّهَا  
لَأَخَذِي الْكُبْرِ \* نَذِيرًا لِلْبَشَرِ»<sup>۳</sup> نیز آن حضرت است که برای  
آدمیان، بیم دهنده خواهد بود، و در آیهی «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا  
كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»<sup>۴</sup>  
نیز مقصود همو است، در دوران رجعت.<sup>۵</sup>

چه زیبا و بجا است هر پگاه نیایش عهد را با صدق و صفا بخوانیم و از  
ایزد بخشنده، پیمان ستانیم:

الها! مرا از یاران یوسف زهرا قرار ده. اگر مرگ میان  
من و او جدایی افکند، زنده ام گردان و از گورم خارج  
ساز، تا کفنم را بر قامتم بندم، شمشیرم را آخته و برهنه

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۴۳، تاریخ الإمام الثانی عشر، باب ۲۹، الرجعة، ح ۱۶۲.

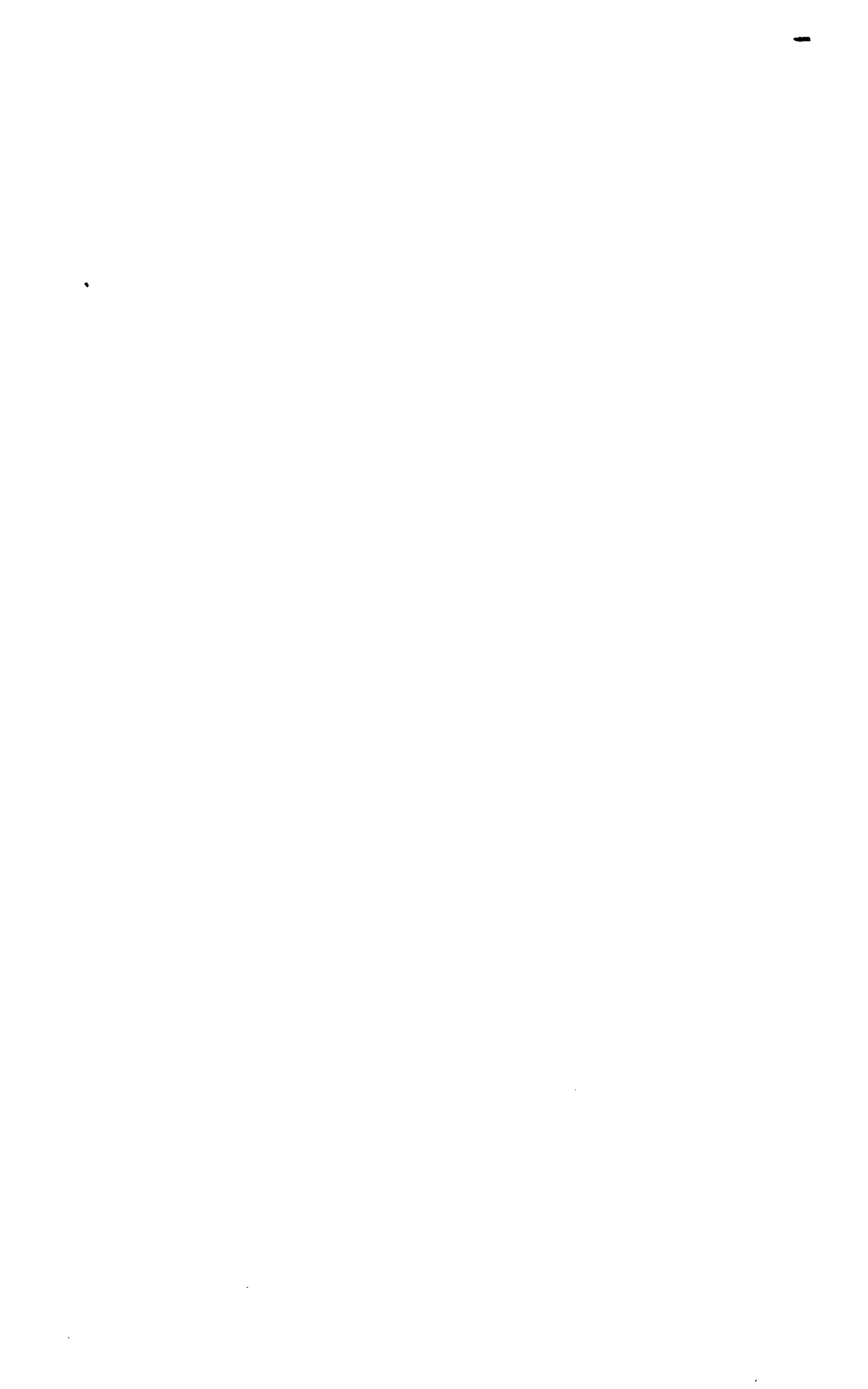
۲. مدثر / ۱ - ۲؛ ای جامه خواب به خود پیچیده و در بستر آرمیده! برخیز و انذار کن (و  
عالمیان را بیم ده).

۳. مدثر / ۳۵ - ۳۶؛ که آن حوادث هولناک قیامت از مسایل مهم است! هشدار و انذار  
است برای همه انسان ها.

۴. سبأ / ۲۸؛ و ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا آن ها را به پاداش های الهی  
بشارت دهی و (از عذاب او) بترسانی؛ ولی بیش تر مردم نمی دانند!

۵. بحار الأنوار، ج ۵۳، تاریخ الإمام الثانی عشر، ص ۴۲، باب ۲۹، الرجعة، ح ۱۰.

کنم، نیزه‌ام را به نشانه‌ی آمادگی برافرازم، و در هر آبادی  
و دشتی، کوی و برزنی، خواسته‌اش را اجابت کنم؛ ای  
پروردگار جهانیان! خواسته‌ام را بپذیر.<sup>۱</sup>



# صَاحِبُ النَّاحِيَةِ، غُلَامٌ، رَجُلٌ

تقیه در روزگار غیبت

در آن هنگامه که جان و مال و آبروی آدمی در خطر افتد، بر مؤمنان لازم است تقیه کنند و باور و آیین خویشان را نهان دارند. خرد، این روش را نیک خواند، و مذهب واجب و لازم داند.

تقیه در همه ی ادیان جایگاهی بلند دارد. این اصل بایسته و بدیهی، مذهب را پایداری و پابرجایی بخشد. انبیا و اوصیا علیهم السلام از این شیوه و قانون، پیروی می کردند و برای پیشرفت و تحقق اهداف و آرمانشان سودی بسزا می جستند.

حضرت ابراهیم، آن یکتا پرستِ دلیر و بی باک، از این سیرت پیروی که و بتان را واژگون ساخت. مؤمن آل فرعون که قرآن و روایات وی را ستایند، ایمانش را پوشیده می داشت و یار و دیدبان موسی در دربار فرعون بود. حضرت ابوطالب، آن راست باور و پشتیبان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله همواره این روش را به کار می گرفت و سپر خویش قرار می داد و بدین سان،

خدماتی بزرگ بر پیامبرش انجام داد.

برترین گزیده‌ی بندگان، حضرت محمد ﷺ تا زمانی چند، آیین خود را آشکار نساخت و در نهان، به ترویج و نشرش پرداخت؛ امیر مؤمنان، علی و دودمان پاکدش علیه السلام در جای جای زندگی، تقیه می‌کردند و برای پابندی آیین اسلام و رهایی و سلامت ایمانیان، از این حصار مستحکم استفاده می‌کردند. روایاتی از آن خاندان پاک علیهم السلام در ابواب گوناگون فقه به صورت تقیه گزارش شده و در میان کتاب‌های روایی ما دیده می‌شود که اهل بیت علیهم السلام به جهت تقیه و از ترس مخالفان خود، بر طبق مذهب آنان فتوا می‌دادند و یکی از وظایف مهم فقها شناسایی و جدا کردن آن روایات از احادیث صحیح است.

پیشوایان دین علیهم السلام به پیروانشان فرمان می‌دادند از این اصل بنیادین پیروی کنند و با این سلاح و سپر، جان و ایمان خویشان را نگاه دارند. بدین جهت، اسلام ناب و شیعه همواره روبه فزونی و گسترده‌گی بوده است و اگر این تدبیر و سیاست از سوی آن عزیزان نبود، دشمن کینه‌توز، درخت کهن و بارور اسلام را از ریشه به درآورده و پیروان حقیقی آن را پراکنده و نیست ساخته بود.

امام صادق علیه السلام در موارد متعددی فرموده‌اند:

تقیه [بخشی از] دین من و نیاکانم است. هر کس تقیه

ندارد، دین ندارد، از دیرباز، تقیه سپری از سوی خداوند



در زمین بوده؛ مانند مؤمن آل فرعون که اگر اسلام و آیین خویش را ظاهر می‌ساخت، کشته می‌شد.<sup>۱</sup>  
یکی از اصحابش فرمود: ای اباعمر! نه دهم دین در تقیه است.<sup>۲</sup>

همچنین آن حضرت به وسیله‌ی عبدالله بن ابی یعفر برای شیعیان پیام فرستاد: در دین و مذهب خود، پروا داشته باشید و نگاهش دارید و با تقیه در حجابش کنید. هر کس تقیه ندارد، ایمان ندارد. به‌راستی شما میان مردمان [مخالفان در باورتان] همانند زنبور عسل هستید میان پرندگان؛ اگر پرندگان بدانند در شکم زنبور چیست، از آن چیزی به جای نگذارند و اگر آن مردمان بدانند در درون شما از دوستی ما خاندان چه می‌گذرد، با زبانشان شما را بخورند [با سخن‌چینی به شما آسیب رسانند] و ضعیف و ناتوانتان سازند.<sup>۳</sup>

آن هنگام که مشرکان، به عمار و خاندان او سخت گرفتند، پدر و مادرش شکیبایی ورزیدند و براءت نجستند و از جام شهادت سیراب شدند؛ اما عمار، آنچه مشرکان خواستند به ناپسندی و اکراه بر زبان خود جاری ساخت و وقتی به رسول خدا ﷺ گزارش شد که وی، از دین تبری جسته و کافر گشته، فرمود: هرگز! به‌راستی او از سر تا پا باور است و ایمان. ایمان با

۱. بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۱۵۸، کتاب النبوة، باب ۵، احوال آل فرعون.

۲. کافی، ج ۲، ص ۲۱۷، کتاب الایمان و الکفر، باب التقیه، ح ۲.

۳. همان / ص ۲۱۸، کتاب الایمان و الکفر، باب التقیه، ح ۵.

گوشت و خون او سرشته؛ پس از آن که عمّار، از دست مشرکان، رها شد با چشمانی گریان، خدمت آن حضرت حضور یافت. حضرت با مهربانی دست مبارک خود را بر دیدگان وی کشید و فرمود: بر تو چیزی نیست؛ اگر باز اسیرشان شدی، آنچه خواستند بگو و 'آیهی شریفه‌ی (مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مِنْ أَكْرَهٍ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَ لَسْكَنَ مَنْ شَرَحَ بِالْكَفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْنَاهُمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ)'<sup>۱</sup> نیز در این باره نازل گشته است.<sup>۲</sup>

از روزی که در سقیفه بنیان ظلم نهاده شد، تقیه و کتمان باور و دوستی امیر مؤمنان، علی و دودمان ستم‌دیده‌اش علیه السلام آغاز گشت و در رهگذر زمانه، جسم و جان خاندان سرفراز پیامبر علیه السلام هماره سنگ زیرین آسیای آزار و مصیبت‌ها و خون و مال و آبروی شیعیان بر بیدادگران روا و پیوسته در سیطره آنان بوده است، تا آن جا که پیروان پیشوایان معصوم علیهم السلام را به بهانه‌ای ناچیز و دروغین دستگیر و شکنجه و شهید می‌کردند. این آزارها و کیفرها چنان سخت آمد، تا آن جا که بهتان کافر و بی‌دین برای شیعیان راحت‌تر بود تا آن‌که نامشان را به شیعه ببرند.<sup>۳</sup>

هرچه پایه‌های خلافت عباسیان محکم‌تر و پابرجاتر می‌گشت، اختناق و

۱. بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۴۰۵. کتاب الفتن و المحن.

۲. نحل / ۱۰۶؛ کسانی که بعد از ایمان کافر شوند - به جز آن‌ها که تحت فشار واقع شده‌اند در حالی که قلبشان آرام و با ایمان است - آری، آنان که سینه خود را برای پذیرش کفر گشوده‌اند، غضب خدا بر آن‌هاست؛ و عذابی عظیم در انتظارشان!

۳. کافی، ج ۲، ص ۲۲۰، کتاب الحجّة، باب التقیه، ح ۱۵.

۴. شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۲، ص ۲۴.

گزندشان به ایمانیان افزوده می‌شد؛ ربیع بن ابی مدرک، به جهت دوستی اهل بیت علیهم‌السلام شیعه‌گری به دار آویخته شد؛<sup>۱</sup> امیر خراسان فرمان داد تا دست و پا و زبان احمد بن داوود بن سعید که نخست سنی مذهب بود ولی لطف خدای مهربان ساز راهش گشت و به حقیقت پینایش نمود و مکتب جعفری را برگزید، بریده شود و پس از هزار ضربه تازیانه، بر سر دار رَوَد.<sup>۲</sup> این تنگی و تنگنایی بر امامان راستین علیهم‌السلام و پیروانشان در عصر امام جواد، امام هادی، و امام حسن عسکری علیهم‌السلام به اوج خود رسید، تا آن جا که عباسیان، آن سه پیشوای گرانقدر را به مرکز و پایگاه حکومت خود، یعنی بغداد و سامرا تبعید کردند. تا از نظر و چتر فرمانروایشان دور نمانند و آن بزرگواران، با عمر و حیاتی به کوتاهی عمر گلی، خزان و پرپر شدند؛ بدین سبب، حضرت مهدی علیه‌السلام، و برخی نیاکان پاکش، با نامی ناشناس، چون عبد صالح و غلام [به معنای جوان] رَجُل، عالم و... میان پیروانشان یاد می‌شدند.<sup>۳</sup>

امام زمان علیه‌السلام در نهان و پرده سرای، قدم به عالم آفرینش گذاشت. سعی امام حسن عسکری علیه‌السلام بر آن بود که ولادت عزیزش همچون حضرت ابراهیم از دیدگان بدخواهان، پوشیده باشد و جز شماری اندک از شیعیان راسخ و رازدار، دیدگانشان از آن منبع و کانون نور، روشنایی نگرفت.

۱. رجال نجاشی، ص ۱۶۵، رقم ۴۳۲.

۲. فهرست شیخ طوسی، ص ۸۰، رقم ۱۰۰، ۳۸.

۳. ر.ک: پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه / ۲۷۱.

در دوران غیبت صفرا، بر نایبان حضرتش، تقیه و کتمان حقیقت، شرطی اساسی بود. آنان، این شرط را مهم دانسته، و گهگاه وعده‌گاه و ملاقاتشان را صحرا و خرابه‌ها قرار می‌دادند و همرنگ مردمان، پیشه‌ای ساده برای خود برمی‌گزیدند. بدین سان، نام و نشان نایبان خاص برای درباریان و عباسیان پیوسته ناشناخته ماند و دیگر شیعیان نیز در آن آستانه، از این اصل و قانون پیروی می‌کردند و با این وسیله جان امام و خون و مال شیعیان، در پس این سپر خدادادی از هر بلایی مستور ماند. آنان، از سرور و آقای خود، به کنایت با نام «غلام» و «رَجُل» و «صَاحِبُ النَّاحِيَةِ الْمُقَدَّسَةِ» یاد می‌کردند که در روایات و نوشتارِ خادمان حضرت علیه السلام نیز آمده است.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام در روایتی فرموده است:

رفتار و روش حضرت صاحب الامر علیه السلام از حضرت

یوسف، زندانی [زمانه] بودن و تقیه است.<sup>۲</sup>

در روایتی دیگر چنین آمده است:

عبدالله حمیری به محمد بن عثمان عمری (نایب

خاص حضرت در زمان غیبت صفرا) گفت:

«می‌خواهم از تو سوالی کنم - البته در آن شک و

تردیدی هم ندارم؛ زیرا من معتقدم زمین هیچ‌گاه از حجت

۱. نجم ثاقب، ص ۷۴ و ۷۹ و ۸۱، لقب شماره‌ی ۵۶ و ۷۴ و ۹۵؛ العبقری الحسان، ج ۱،

جزء ۲، ص ۳۵ و ۴۲، و حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام، ۵۹۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸، تاریخ الإمام الثانی عشر، باب ۱۳، ح ۷.

خالی نمی ماند، مگر چهل روز پیش از قیامت و چون آن روز فرا رسد، حجت خدا از روی زمین برداشته می شود و راه توبه دیگر بسته خواهد شد. کسی که تا آن ساعت ایمان نیاورده و کار خیری انجام نداده است پس از آن، ایمان آوردنش سودی نبخشد - ولی دوست دارم بر یقینم افزوده شود، مانند حضرت ابراهیم که از خداوند متعال خواست تا زنده شدن مردگان را به چشم ظاهر ببیند، تا دلش مطمئن گردد و امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام نیز در باره ی با تو فرموده: احکام دین را از تو و پدرت بگیریم؛ زیرا شما مورد اعتماد آن عزیزان بوده اید و گفته ی شما فرموده ی، آن دو امام معصوم است. «محمد بن عثمان گفت: «پرس.» آیا تو امام و جانشین پس از امام حسن عسکری علیه السلام را دیده ای؟ گفت به خدا سوگند! آری، گردن او همانند گردن من است [اگر ظاهر شود، جان او در خطر می افتد] گفتم: نامش چیست؟ از نام او سؤال کنید و من این حکم را از پیش خود نمی گویم، من حق ندارم چیزی را حلال کنم یا حرام، بلکه هر چه بگویم از جانب آن حضرت است و مالش تقسیم شده و کسی که حقی نداشت (جعفر کذاب) آن را برداشته و خانواده اش هم آورده شده و کسی جرأت ندارد با آنان رفت و آمد داشته باشد یا چیزی به آنها بدهد. خلیفه می پندارد که امام

عسکری علیه السلام از دنیا رفته و فرزندی ندارد، و اگر نام آن عزیز در میان برده شود، دشمنان خبردار شوند و به تعقیب و جست‌وجویش برمی‌آیند. پس از خدا بترسید و در این باره صحبت نکنید.<sup>۱</sup>

به این گزارش تاریخی توجه نمایید:

عیسی بن مهدی جوهری شنیده بود امکان دارد امام زمان علیه السلام را در مراسم حج ملاقات کند؛ بدین جهت، راهی حج شد، ولی تا پایان اعمالش خبری نگرفت و از طرفی هم بیمار شد. با وجود این، ناامید نگشت و به همین منظور، از مکه به مدینه آمد. در آنجا دوستانش به او خبر دادند که امام در آن نزدیکی در محلی به نام «صابر» دیده شده است. به آنجا رفت، نماز مغرب و عشا را خواند و پس از آن، بسیار دعا کرد و گریست و از خدا خواست تا توفیق زیارت آقا و مولایش نصیبش شود که ناگاه خادمی را در برابر خود دید که به او می‌گوید: پسر مهدی جوهری! وارد این خانه شو که امام زمانت در انتظار توست. از شوق، تکبیر گفت و خدا را شکر و سپاس کرد.

۱. اصول کافی، ج ۱، کتاب الحج، ص ۳۲۹، باب فی تسمیة من رآه علیه السلام، ح ۱ و وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۰، کتاب الامر و النهی، باب ۳۳، ح ۸، مرحوم حرّ عاملی در ذیل این حدیث گوید: این روایت دلالت می‌کند بر اینکه نهی و منع از نام بردن آن حضرت به دلیل تقیه و ترس است.

وقتی داخل منزل شد، در وسط حیاط سفره‌ای گسترده دید. خادم، وی را به شام دعوت کرد و گفت: هر چه دوست داری بخور، و به دلیل بیماری، پرهیز نکن. عیسی گوید: در دلم گفتم من هنوز مولایم را زیارت نکرده‌ام چطور غذا بخورم، که صدای حضرتش جانم را نوازش کرد: طعامت را بخور، مرا نیز خواهی دید. باز در دلم گذشت، این غذاها مناسب حالم نیست، صدای حضرت دوباره آمد: مگر به کار ما شک داری؟ مگر تو نفع و ضرر خود را به‌تر از ما می‌دانی؟!

از این خیال باطل پشیمان شدم و استغفار کردم، و هر چه خواستم خوردم، اما نه از غذا کم می‌شد و نه سیر می‌شدم. بار دیگر صدای حضرت بلند شد! بخور که این طعام بهشتی است و به دست آدمی پخته نشده. سپس حضرت به من فرمود: اکنون پیش من بیا. وقتی نزدیک شدم، نور درخشنده‌اش مرا به شگفتی انداخت و برای چند لحظه حالم را نفهمیدم. امام فرمود: ای عیسی! اگر سخن تکذیب کنندگان نبود که بر شما خرده می‌گیرند و می‌گویند: «او کجا است؟»، «کی به دنیا آمده؟»، «چه کسی او را دیده؟» و «او چه خیری به شما می‌رساند؟»، هرگز مرا نمی‌دید. بدان اینان با آن که امیر مؤمنان علیه السلام را می‌دیدند و با او رفت و آمد داشتند، چیزی نمانده بود که او را

بُکشند. این‌ها پدران مرا این‌گونه تکذیب کرده و آنان را به  
سحر و جادو متهم می‌ساختند. آنچه را دیدی و شنیدی به  
دوستان ما بگو و از دشمنانمان پوشیده و پنهان بدار. گفتم:  
آقایم مرا دعا کنید تا بر این اعتقاد ثابت قدم بمانم، فرمود  
اگر خدا تو را ثابت قدم نمی‌کرد هرگز مرا نمی‌دید. باز  
گرد که هدایت یافتی.<sup>۱</sup>

ابوصحیفه، حرث بن عبدالله و حرث بن شرب می‌گویند:

روزی در خدمت امیر مؤمنان علی علیه السلام بودیم، حضرت  
رو به امام حسن علیه السلام کرد و فرمود: مرحبا ای پسر پیغمبر! در  
این حال امام حسین علیه السلام وارد شد، به او خطاب کرد: پدر و  
مادرم فدایت شود ای پدر فرزند به‌ترین کنیزان! گفتیم یا امیر  
مؤمنان! چرا به حسن این‌طور و به حسین علیه السلام آن‌طور  
فرمودی؟ فرزند به‌ترین کنیزان کیست؟ امام فرمود: او  
گمشده‌ای است که از خویشان و وطن خود دور و مهجور  
ماند، نامش م ح م د و از زادگان حسینم است. سپس دست  
بر روی سر حسین علیه السلام کشید و فرمود: همین حسین.<sup>۲</sup>

تقیه، یعنی گوهر ایمان در صدف نهادن و مستور داشتن آن، تا زمان

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۶۸؛ تاریخ الإمام الثانی عشر، باب ذکر من راه علیه السلام،  
ح ۵۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱؛ تاریخ الإمام الثانی عشر، ص ۱۱۰، باب ما ورد عن امیر مؤمنان علیه السلام  
فی ذلک، ح ۴.



ظهور صاحب این آیین، حضرت بقیة الله علیه السلام واجب و لازم است. بر ما است همچون قوانین دیگر الهی شرایط آن را به خوبی دانسته و در جایگاهش به کار بندیم، تا نادانی و ناآگاهی دوستان، شمشیر آخته‌ی اهریمنان نشود، یعنی آن جا که ظاهر ساختن عقیده و باور، جان و مال و آبروی مؤمنان را می‌آزارد، و بیم خطر می‌رود، لب فروبندیم. البته باید بدانیم در ریختن خون مسلمان و... تقیه روا نیست. امام باقر علیه السلام فرموده است:

تقیه، در ضرورت و ناچاری است، و خود شخص

به‌تر می‌داند کجا باید تقیه کند و ایمان را پنهان دارد.<sup>۱</sup>

همان گونه که تقیه لازم است، در برخی موارد، آشکار کردن ایمان، بجا و لازم است؛ مانند قیام برای شکستن شوکت طاغوت، فریاد و موج افکندن در سیاهی سکوت که این، پسندیده و در برخی موارد واجب است! مانند حضرت ابراهیم علیه السلام که میان مردمانی که گردن ذلت و خواری در برابر نمرود و بتان فرو آورده بودند، سربرافراشت و با بانگ و فریاد یکتاپرستی و قیام، کاخ پیدادگران و مشرکان را به لرزه درآورد و فروریخت. میثم، یار باوفای امیر مؤمنان، علی علیه السلام در بالای دار نیز مدح و ستایش مولایش امیر مؤمنان، علی علیه السلام را به تصویر کشید، تا دست و پا و زبانش را بریدند و جان پاکش را در راه دوستی او فداکرد؛ در حالی که می‌دانست تقیه و زبان را در کام به زنجیر کشیدن، برای او جایز است؛ اما شراره‌ی ایمان و محبت، در دلش

۱. کافی، ج ۲، کتاب الایمان و الکفر، ص ۲۱۹، باب التقیة، ح ۱۳.

اگر شما ادعای تشیع نمی‌کردید بلکه خود را از محبان و محبان دوستان ما و دشمن دشمنان می‌شمردید ناراحت و دلگیر نمی‌شدم، ولی شیعه بودن مرتبه و مقام بلند و شریفی است که اگر مدعی آن شوید و طبق آن و شرایطش رفتار نکنید هلاک می‌شوید؛ پس توجه کنید. آن‌ها توبه و استغفار کردند و گفتند: ما از دوستان شما و دوستان محبان و دشمن دشمنان شما ایم. آن‌گاه حضرت روی خوش نشان داد و به آن‌ها مرحبا گفت و آن‌قدر آنان را به خویش نزدیک کرد تا در آغوششان گرفت. سپس به نگهبان فرمان داد تا در برابر این ۶۰ روز که این‌جا معطل شده‌اند، هر روز به ایشان و خانواده‌شان سرکشی کند و جویای احوالشان گردد و انفاق و روزیشان را پیش‌تر قرار دهد<sup>۱</sup>

در روزگاری که آفتاب هدایت و امامت، حضرت مهدی علیه السلام طلوع کند و آیین و مؤمنان از فرودستی به فرادستی و عزت گام نهند، تقیه جایگاهی ندارد؛ چون بدان جا که رسید، نه ترسی جان آدمی را بساید و نه مال و آبروی انسان در خطر افتد. آن زمان، سراسر امن است و آرامش و آسایش. امام صادق علیه السلام نیز فرموده‌اند:

سرانجام، حضرت قائم رستاخیز می‌نماید، در حالی که هیچ عهد و پیمانی بر او نباشد.<sup>۲</sup>

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۱۷، کتاب الامر و النهی، ابواب الامر و النهی، باب ۲۵، ح ۹، و بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۵۷، کتاب الأیمان و الکفر باب ۱۹، صفات الشیعه.  
 ۲. منتخب الاثر، ج ۲، ص ۲۹۵، فصل ۳۴، ح ۱.

از خدای سبحان چنین می‌طلبیم: بارپرودگارا! ما را از یاوران و  
فرمانبرداران دستورهایش قرارده؛ از آنان که به کار آن عزیز، خشنودند و در  
احکام و قوانینش تسلیم؛ ما را از آنان بشمار که کنار آن حضرت [در عصر  
ظهور] محتاج تقیه از هیچ‌کس نباشیم.<sup>۱</sup>

---

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، تاریخ الإمام الثاني عشر، ص ۱۸۹، باب ۳۱، ما خرج من توقيعاته عليه السلام  
و مفاتيح الجنان / ۹۸۰، دعا در غیبت امام زمان عليه السلام.

# رَبَّانِي آيَاتِ اللَّهِ<sup>۱</sup>

## آموزگار آفرینش

پس از خداوند بلندمرتبه که صاحب و مربی انسان و دیگر آفریدگان است،<sup>۲</sup> رسول رحمت و خاندان پیراسته‌اش عليه السلام با اذن و اجازت پروردگار، پرورش‌دهنده‌ی آدمیان و هر آیتی‌اند، تا هر ناشکفته‌ای را شکفته و بالنده

---

۱. در معنای این لقب دو احتمال هست: ۱) در میان آیات و نشانه‌های خدا در خلقت، امام زمان علیه السلام آیتی الهی است؛ یعنی به پروردگار خود منسوب است، مانند عالم ربّانی؛ دانشمند الهی. ۲) مربی و پرورش‌دهنده‌ی دیگر آیات خداوند، و ما بر طبق احتمال دوم که به نظر درست‌تر و مطابق دیگر بندهای دعای آل یس است، بحث را پی‌ریزی و دنبال می‌کنیم.

۲. ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ \* خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ \* اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ \* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ \* عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾؛

بخوان به نام پروردگارت که جهان را آفرید، \* همان کس که انسان را از خون بسته‌ای خلق کرد! \* بخوان که پروردگارت [از همه] بزرگوارتر است، \* همان کسی که به وسیله قلم تعلیم نمود، \* و به انسان آنچه را نمی‌دانست یاد داد! علق / ۱ - ۵.

﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَ يُزَكِّيْكُمْ وَ يُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُعَلِّمُكُمُ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾؛ همان‌گونه (که با تغییر قبله، نعمت خود را بر شما کامل کردیم،) رسولی از خودتان در میان شما فرستادیم؛ تا آیات ما را بر شما بخواند؛ و شما را پاک کند؛ و به شما، کتاب و حکمت بیاموزد؛ و آنچه را نمی‌دانستید، به شما یاد دهد.

بقره / ۱۵۱.

سازند و به فراترین درجه‌ی رشد و کمال رسانند؛ خورشید جهان‌تاب را گرما افروزی و روشنایی، و ماه و اختران را سامان و نورفشانی بخشند، طبیعت بی‌جان را لحظه لحظه حرکت و جان دهند و هدایت کنند، تا برای زندگانی، رام و هموار باشند؛ جبرئیل و میکائیل و فرشتگان را درس بندگی و پرستش و فرمائیداری آموزند؛ انسان را از فرودستی، برتری و فرا دستی بخشند، از خاک و حیوانیت رهایش سازند و به حریم کبریایی راهش برند؛ انبیا را، چراغ راه باشند و عصمت و پیشوایی دهند.

رسول خدا ﷺ فرمود:

خداوند [پس از ما،] فرشتگان را بیافرید، ما تسبیح و تهلیل خدای پاک گفتیم و آن‌ها نیز گفتند؛ ما تکبیر گفتیم و خدا را به بزرگی یاد کردیم و آن‌ها هم چنین کردند. فرشتگان، این‌ها را از من و علی آموختند، هر چیزی که تسبیح و تهلیل و تکبیر حضرت حق گوید، از من و علی فرا گرفته است.<sup>۱</sup>

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

لَوْلَا مُحَمَّدٌ وَ الْأَوْصِيَاءُ مِنْ وَ لَدِهِ لَكُنْتُمْ خُبَارِي  
كَالْبَهَائِمِ، لَا تَعْرِفُونَ فَرَضاً مِنَ الْفَرَائِضِ وَ هَلْ يَدْخُلُ  
الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ بَابِهَا؛

اگر حضرت محمد و جانشینانش علیهم السلام نبودند، چونان حیوانات سرگردان و سرگشته می‌ماندید و هیچ واجب و

۱. بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۳۴۵، کتاب الامامة، باب ۸، فضل النبی و اهل بینه علیهم السلام، ج ۱۸.

فرمانی را نمی‌دانستید و آیا به شهر، جز از درش، وارد  
می‌شوند؟<sup>۱</sup>

آن حضرت در روایتی دیگری چنین فرمود:

وقتی وفا را در موسای کلیم یافتیم، به لباس گزیدگی  
آراسته شد و روح القدس در فردوس از میوه‌های تازه  
رسیده‌ی ما می‌چشد.<sup>۲</sup>

زمین و آسمان، به گام‌های حضرت قائم آل محمد علیه السلام آرام و رام شود؛  
کوه و کوهساران، به قامت رعنا و استوارش قد فرازد و سخت و پابرجا باشد؛  
ابرها در پرتو رحمت آن عزیز و به اجازهی او بیارند و زمین را سیراب و خرم  
سازند؛ آفتاب و ستارگان، از فروغ آن خورشید یگانه، نور گیرد و زینت‌آرای  
آسمان باشد و خاک، به بازدم زاده‌ی زهرا علیها السلام، زنده ماند و زندگانی بخشد.

آن هنگام که دانه‌ای در دل خاک، مأوا گیرد، جوانه زند و کم کم سر از  
خاک بیرون آرد و رشد کند، تا درختی تناور گردد و بر زمین و زمینیان آیت  
و نشانه‌ای از خدا باشد، گرچه در ظاهر، کشتگر و نگاهبانش زارع است و  
وی آن را آبیاری کند و پروراند؛ در حقیقت، دست یداللهی حضرت  
صاحب الزمان علیه السلام آن را می‌پروراند. انسانی که از خاک به وجود آید و از  
خاک به افلاک سفر کند و بدان جا انس گیرد، در پرتو احسان آن  
ایزدپناه است.

۱. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۷۶، کتاب الروضة، باب ۲۹، مواعظ ابی محمد عسکری،

ح ۲.

۲. همان، ح ۳.

فرشتگان، بر آن جانشین خداوند بر روی زمین، فرود آیند و از سوی او و به فرمانش به آسمان رَوَند و تقدیس و تسبیح خدای پاک گویند و امور بندگان را دوراندیشی نمایند.

فردوس، نموداری از صدق و صفای مهدی علیه السلام است و دوزخ، نمایش آتش نهفته‌ی بدخواهانش. انبیای پیشین همه دست پرورده‌ی آن حضرتند؛ کتاب‌های آسمانی وی را تفسیر کند؛ آن ذخیره‌ی الهی، سترگ‌ترین آیت خدا و پرورش‌دهنده‌ی هر آیتی از کوچک‌ترین و پست‌ترین تا بزرگ‌ترین و والاترین‌ها است.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «اغْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُخَيِّبُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»<sup>۱</sup> فرمود:

مقصود از مردن زمین، به کافر شدن ساکنانش است. سپس خدای توانا به حضرت قائم علیه السلام زمین را زنده می‌سازد و او در زمین، داد را بگستراند؛ بدین‌سان، زمین، زنده و ساکنان آن نیز پس از مردن، زنده می‌شوند.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

ما خزانة دار خداوند در آسمان و زمینیم. به واسطه‌ی ما درختان بارور می‌شوند و میوه‌ها می‌رسند و نهرها جریان می‌یابند؛ به واسطه‌ی ما آسمان می‌بارد و گیاه از زمین

۱. حدید/ ۱۷؛ بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می‌کند! ما آیات خود را برای شما بیان کردیم، شاید اندیشه کنید!

۲. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۲۵، کتاب الامامة، باب ۱۷، جوامع تأویل و ما انزل فیهم علیه السلام، ح ۳۹.

می‌روید؛ به واسطه‌ی ما، خدا پرستش می‌شود و اگر ما نبودیم، خدا، عبادت نمی‌شد.<sup>۱</sup>

آن حضرت در روایتی دیگر فرمود:

خداوند بلندمرتبه، پیامبرش را ادب آموخت و چه نیکو آموخت؛ وقتی تربیت او را به کمال رساند، به او فرمود: تو به خُلقِ سترگ آراسته هستی [وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ]،<sup>۲</sup> پس از آن، امور دین مردمان را به دست او سپرد، تا بندگان را رهبری و سیاست‌گذاری نماید. حضرت حق به مردم فرمان داد:

﴿مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَاللِّرْسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَىٰ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾<sup>۳</sup>

۱. و خزانه فی سمائه و ارضه، بنا اثمرت الاشجار و ايعنت الثمار و جرت الانهار و بنا ينزل غيث السماء و ينبت عُشب الارض و بعبادتنا عبدالله و لولا نحن ما عبدالله؛ کافی، کتاب التوحيد، ج ۱، ص ۱۴۴، باب النوادر، ح ۵. برای توضیح بیشتر، ر.ک: شرح اصول کافی مازندرانی، ج ۴، ص ۲۲۲.

۲. قلم / ۴؛ و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری!

۳. حشر / ۷؛ آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا [این اموال عظیم] در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد! آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید [و اجرا کنید]، و از آنچه نهی کرده خودداری ورزید؛ و از [مخالفت] خدا بپرهیزید، که کیفر خداوند شدید است.



رسول خدا ﷺ به روح القدس استوار، پیروز و تأیید شده است؛ از این رو، در سیاست و رهبری پیروانش، در لغزش و اشتباه نیفتد (و امام زمان علیه السلام جانشین آن رسول صلی الله علیه و آله است و همان رسالت را بر دوش دارد).<sup>۱</sup>

زمین و ساکنان آن، به نور خورشید و گرمای آفتاب، زنده و پایدارند و آن هنگام که فروغش تاریک شود، زمین، سرد و یخبندان شود و هر نشانی از حیات و زندگی را از دست دهد؛ و امام علیه السلام به خورشید و آفتاب مانند شده که وجودش راز حیات و ادامه‌ی هر حرکت است.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا \* وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّهَا \* وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّهَا»<sup>۲</sup> فرمود:

منظور از «الشَّمْسُ»، امیرمؤمنان، علی علیه السلام، و مقصود از «ضُحَاهَا» و «وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّهَا» رستاخیز حضرت قائم است.<sup>۳</sup>

در زیارت آل یس به مربی آفرینش حضرت مهدی علیه السلام با نام و صفت «رَبَّانِي آيَاتِ اللَّهِ» سلام می‌دهیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ:

درود بر تو ای کسی که به سوی خدا فرامی‌خوانی، و مربی و پرورش دهنده‌ی آیات او بی!

۱. بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۴، تاریخ نبینا صلی الله علیه و آله، باب ۱۳، وجوب طاعت و حبه، ح ۳.

۲. شمس / ۱ - ۳؛ به خورشید و گسترش نور آن سوگند، و به ماه، هنگامی که بعد از آن درآید، و به روز، هنگامی که صفحه‌ی زمین را روشن سازد.

۳. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۷۲، کتاب الامامة، باب ۳۰، ح ۶

۴. مفاتیح الجنان / ۸۶۴.

# مِيزَانُ الْحَقِّ

## ترازوی سنجش

در کوران زمانه که آدمیان در تابه‌ی آزمون و سختی‌ها رنگارنگ و دگرگون شوند و رفتارها از خود رنگ ثابت و پابرجایی نشان ندهند، ناپسندی‌ها بسان پسندیده‌ها در آیند و در هر برهه‌ای از زمان، خویشان را به لباس و آرایشی نو بیارایند و ره‌آورد و فرجامش، جز هاله‌ای از تاریکی و تحیر نباشد، در این برزخ و سرگردانی، نماد و نمونه‌ای از شایستگی‌ها، چراغی فروزان و کشتی نجاتی است که واماندگان و غرقابان را به کران سعادت و نجات هدایت می‌کند.

قرآن رهنمونگر، روش و سیرت انبیا و اولیا را به زیبایی ترسیم کرده، تا نمادی برای رهپویان راه خدا و اسوه‌ای برای یکتاپرستی و آراستگی باشند؛ مانند به تصویر کشیدن زندگانی حضرت ابراهیم علیه السلام. او در سرزمینی می‌زیست که مردمانش بتان را می‌پرستیدند و در بتکده‌ها برابرشان سر به سجده می‌ساییدند؛ اما آن حضرت، هرگز آلوده نشد و غباری از شرک بر سیمای پرفروغش ننشست؛ بلکه میان انبیا - جز رسول رحمت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - نامدار و پهلوان توحید و یکتاپرستی است؛ خردش آزاد از وابستگی‌ها و دلش رسته

از جز خدای بود. صفات آن بت شکن ستوده‌ی تاریخ، گذشت و ایثار، توکل و اعتماد، دلدادگی و دلباختگی اش به یکتا پروردگار، آدمیان و فرشتگان را به شگفتی واداشته است.

خدای بخشاینده، چهارده نماد از خوبی‌ها و زیبایی‌ها بیافرید، تا مقیاس همگان باشند؛ بدان‌ها اقتدا نمایند و اسوه‌ای برای خویشان برگزینند؛ پرستش و بندگی را از آنان بیاموزند؛ دین و آیین را آن گونه که آن خوبان صورتگری کردند، مقیاس کردار خویش گیرند. خاندان نبوت علیهم‌السلام ترازوی سنجش کردار و رفتار بندگانش و هر چیزی را باید در نگاه آن‌ها دید و شناخت و سامان داد و در رستاخیز نیز که خداوند دادگر، رفتار و باورها را بسنجد و به داد و بخشاینده‌گی کيفر و پاداش هر کس را بدهد، ترازوی داد و عدالتش، آن سروران باشند و دوستی با آنان.

امیر مؤمنان، علی علیه‌السلام در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «و نَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا، وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَ كَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ»<sup>۱</sup> فرمود:

منظور از «المَوَازِينَ الْقِسْطَ» انبیا و جانشینان آنان علیهم‌السلام است.<sup>۲</sup>

۱. انبیاء / ۴۷؛ ما ترازوهای عدل را در روز قیامت برپا می‌کنیم؛ پس به هیچ کس کم‌ترین ستمی نمی‌شود؛ و اگر به مقدار سنگینی یک دانه خردل کار نیک و بدی باشد، ما آن را حاضر می‌کنیم؛ و کافی است که ما حساب‌کننده باشیم!

۲. بحار الأنوار، ج ۷، ص ۲۵۰، کتاب العدل و المعاد، باب ۱۰، المیزان، ح ۹.

امام صادق علیه السلام در وصف و ویژگی‌های امام فرمود:

ما حجت خدای معبودیم؛ ما ترجمان وحی و  
گنجینه‌ی دانش خداییم، ما میزان و ترازوی داد و دادگری  
خداوند هستیم.<sup>۱</sup>

تفسیر قمی، آیه‌ی شریفه‌ی «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ»<sup>۲</sup> را این گونه  
تفسیر و تأویل کرده است:

مقصود از «السماء»، رسول خدا صلی الله علیه و آله است که  
خداوند، او را نزد خود برد و منظور از «المیزان»، امیر  
مؤمنان، علی است که خدای سبحان، او را بر آفریدگان  
منصوب داشته.<sup>۳</sup>

در زیارت امیر مؤمنان، علی علیه السلام با این صفت به آستان کبریایی‌اش درود می‌فرستیم:

السَّلَامُ عَلَي مِيزَانِ الْأَعْمَالِ؛

درود بر معیار و ترازوی سنجش کردارها.<sup>۴</sup>

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيزَانَ يَوْمِ الْحِسَابِ؛

درود بر تو ای میزان روز حسابرسی [= قیامت]<sup>۵</sup>

برترین آفریدگان و مهم‌ترین اوصیا، یعنی حضرت بقیة‌الله علیه السلام میزان و  
مقیاس هر خوبی و نیکی است. دین و آیین با آن حجت حق قیاس شود.

۱. همان، ج ۲۶، ص ۲۵۹، کتاب الفتن و المحن، باب ۵، جوامع مناقبهم و فضائلهم،  
ج ۳۷.

۲. الرحمن / ۷: و آسمان را برافراشت، و میزان و قانون در آن گذاشت.

۳. بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۸۸، تاریخ نبینا صلی الله علیه و آله، باب ۶، اسمائه علیها السلام، ح ۱۴.

۴. مفاتیح الجنان / ۵۶۸، زیارت اول.

۵. همان / ۶۱۸، دوم از زیارات مخصوصه.

قرآن مجید، در کنار آن گنجینه‌ی دانش معنا دهد و میزان باشد و غنچه‌های ناشکفته‌اش، شکفته شود.

نور، آن است که از رخ آن خورشید، رخشان باشد. عطر، آن است که از آن مُسک، افشان گردد. زیبایی، آن است که بدان عزیز آراسته شود.

کردارها را باید از آن مقصود هستی آموخت و سرشت و خُلق و خوی را با خُلق و خوی آن عزیز محک زد. اخلاص و صداقت رسول اکرم ﷺ

را قائم آل محمد ﷺ مجسم کند. عدالت و ولایت علوی را آن حضرت نقش

زند و به نمایش نهد. قرآن، این آموزگار بشر، همتایش حضرت مهدی ﷺ را

ستوده و نیاکان پاکش پرده از رخ مهتاب و آن نماد یکتاپرستی برداشته‌اند، تا

همگان از این سو و آن سو، به مهدی ﷺ رو آرند و همه‌ی خوبی‌های گیتی

را در آفتاب وجودش بیابند؛ خویشان را بسان او کنند و پیروش گردند؛ زیرا

هر چه همه‌ی خوبان، با هم دارند، او یک‌جا و یک‌ه دارد. در این ساحل،

تدلیس و فریب شیطان نافرجام افتد و انسان، نردبان تکامل و اوج را با

رهنمایی آن حضرت پیماید.

در رستاخیز، تن‌دیس یکتاپرستی و یگانه‌زیبایی‌ها، حضرت

حجت ﷺ پابرجاترین و مهم‌ترین حجت خداوندگار دادگستر است. رفتارها

و گفتارها، باورها و صفات نیک، با آن سرور، قیاس و سنجیده شود. دوستی

و دلبستگی به وی، سنگ‌سنگین کردارها است.

برخی فرهیختگان و دلدادگان حضرتش، میزان‌الحق را از القاب او دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

۱. نجم‌ناقب، باب ۲، ص ۹۳، لقب شماره‌ی ۱۳۴.

سعد از امام باقر علیه السلام پرسید: [مقصود از] «میزان» چیست؟ آن حضرت در پاسخ فرمود:

ما میزان و وسیله‌ی سنجشیم، و این است منظور خداوند سبحان درباره‌ی امام، آن‌جا که فرمود: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ<sup>۱</sup>

در تفسیر قمی در تأویل «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ»<sup>۲</sup> روایت شده که منظور از «المیزان» امام است.<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام در ستایش حمران که بر روش اهل بیت علیهم السلام رفتار می‌نمود، رو به وی کرد و بدو فرمود:

فرمود: ای حمران! میان خود و امام خویش «مُطِیر»ی قرارده [تا به موازات آن رفتار کنی و او را مقیاس خودگیری، و در انحراف و تاریکی گرفتار نیایی]. حمران گفت: «مُطِیر» چیست؟ آن حضرت فرمود: همان چیزی

۱. حدید / ۲۵؛ ما رسولان خود را با ادله‌ی روشن فرستادیم، و با آن‌ها کتاب [آسمانی] و میزان [شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه] نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی‌آن‌که او را ببینند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۹۶، کتاب الامامة، باب ۶۷، جوامع تأویل ما نزل فیهم علیهم السلام، ح ۱۱۶.

۲. الرحمن / ۸؛ و آسمان را برافراشت، و میزان و قانون در آن گذاشت.

۳. بحار الأنوار، ج ۲۵، کتاب الامامة، ص ۳۷۳، باب ۱۶، إنه علیه السلام السبیل و الصراط، ح ۲۲.

که شما به آن، طناب بنایی می‌گویید که برای راست و مستقیم بودن دیوار و کج بالا نرفتن آن، کشیده می‌شود و مقیاس کار بنا است.<sup>۱</sup>

---

۱. بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۱۷۶، تاریخ علی بن الحسن علیهما السلام، باب الاحوال اولاده وازواجه علیهم السلام، ح ۳۷.

# كَلِمَةُ الْمَحْمُودِ

## پدیده‌ی تمام‌نگار خداوندگار

الفاظ و کلمات پرده از رخسار معانی برمی‌دارند و پنجره‌ای هستند که با آن می‌توان جهانی را به تماشا نشست، و زیبایی‌هایش را با دل و جان حس کرد و شناخت. چه اشیا و معانی بلند و رؤیایی‌ای که با کلماتی ساده و روان، روشن می‌شود و در ذهن‌ها شکل می‌گیرد. به‌راستی، الفاظ بزرگ‌ترین نقش را در ارتباط‌های آدمیان ایفا می‌کنند و بدون آن‌ها، انتقال دانش و زندگی سخت و چه‌بسا غیرممکن خواهد بود. در حقیقت، هر کلمه کلید رمزی برای ناشناخته‌ها و آسان دانستن است. از سوی دیگر، کلمات از خود استقلال و اصالتی ندارند؛ بلکه پدیده‌ای اعتباری و قراردادی هستند تا خواسته‌ها و معانی را بیانگر باشند.

«كَلِمَةُ اللَّهِ» و «كلمات» و مانند این دو، در آیاتی از قرآن به اهل بیت عليهم السلام تأویل گشته؛ زیرا آنان تصویر و جلوه‌ای کامل از خداوند بلندمرتبه‌اند؛ همان‌گونه که قرآن حضرت عیسی را با عنوان «كَلِمَةٌ مِنَ اللَّهِ»<sup>۱</sup> و «كَلِمَةُ اللَّهِ»<sup>۱</sup> معرفی می‌کند.

---

۱. «إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ



آفریدگان از دریچه‌ی وجود آن حضرات به تماشای تمام خوبی‌ها، زیبایی مطلق، حضرت حق بلندمرتبه، نشینند و همه بدانند که آن‌ها با تمام بزرگی و پسندیدگی چون کلمه آفریده و مخلوق خدایند. پروردگار بی‌همتا درباره‌ی حضرت عیسی می‌فرماید:

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَأَمِينُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾<sup>۱</sup>

وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ﴾؛ (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند تو را به کلمه‌ای [= وجود با عظمتی] از طرف خودش بشارت می‌دهد که نامش مسیح، عیسی پسر مریم است؛ در حالی که در این جهان و جهان دیگر، صاحب شخصیت خواهد بود؛ و از مقربان الهی است. آل عمران / ۴۵.

۱. ﴿إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ﴾؛ مسیح عیسی بن مریم فقط فرستاده خدا، و کلمه (و مخلوق) اوست، که او را به مریم القا نمود؛ و روحی [شایسته] از طرف او بود؛ نساء / ۱۷۱.

۲. نساء / ۱۷۱؛ ای اهل کتاب! در دین خود، غلو و زیاده روی نکنید! و درباره خدا، غیر از حق نگوید! مسیح عیسی بن مریم فقط فرستاده خدا، و کلمه (و مخلوق) اوست، که او را به مریم القا نمود؛ و روحی (شایسته) از طرف او بود. بنابراین، به خدا و پیامبران او، ایمان بیاورید! و نگوید: [خداوند] سه‌گانه است! [از این سخن] خودداری کنید که برای شما به‌تر است! خدا، تنها معبود یگانه است؛ او منزّه است که فرزندی داشته باشد؛ [بلکه] از آن اوست آنچه در آسمان‌ها و در زمین است؛ و برای تدبیر و سرپرستی آن‌ها، خداوند کافی است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

آن گاه که امام به جهان چشم گشاید، خداوند فرشته‌ای فرستد که بر بازوی راست او این آیه شریفه را بنویسد: «وَتَمَّتْ كَلِمَاتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»<sup>۱</sup>.

امام باقر علیه السلام در تأویل بکلماته، فرمود:

منظور علی علیه السلام است؛ او کلمه‌الله در بطن و تأویل آیه‌ی شریف است.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنْتَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»<sup>۳</sup> فرمود:

آنها کلماتی هستند که حضرت پروردگار به آدم آموخت و خدا نیز توبه‌اش را پذیرفت. آن کلمات این‌ها هستند: يَا رَبِّ! أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ إِلَّا تَبْتَ عَلِيٍّ، فَتَابَ عَلَيْهِ؛

۱. أنعام / ۱۱۵؛ و کلام پروردگار تو، با صدق و عدل، به حدّ تمام رسید؛ هیچ کس نمی‌تواند کلمات او را دگرگون سازد؛ و او شنوندۀ داناست «کافی، ج ۱، ص ۳۸۷، کتاب الحجّة، باب موالید الأئمه، ح ۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۷۸، کتاب الإمامة، باب ۵۰، انهم عليهم السلام کلمات الله، ح ۱۰.

۳. بقره / ۱۲۴؛ به خاطر آورید هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود. و او به‌خوبی از عهدۀ این آزمایش‌ها برآمد. خداوند به او فرمود: من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم! ابراهیم عرض کرد: از دودمان من [نیز امامانی قرار بده!] خداوند فرمود: پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد! [و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته‌ی این مقامند].

پرودگارا! من به حق محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین [علیهم السلام] می خواهم که مرا ببخشی و توبه‌ام را بپذیری. و خدا هم توبه‌اش را پذیرفت.<sup>۱</sup>

حضرت بقية الله عليه السلام کلمة الله است؛ یعنی نقاش هستی وی را با برترین و والاترین رنگ‌ها و زیباترین صورت‌ها نگارگری کرد. آنچه از خوبی‌ها و شایستگی‌ها که برای خود پسندیده و بدان‌ها آراسته، اما مستور و پوشیده بود، در سرشت حضرت مهدی عليه السلام به ودیعت سپرد و این چنین زیبا و دل‌آرا به نگار و ترسیمش کشید، تا نام و نشانی کامل و روشن از خدای سبحان و دریچه‌ای به سوی دریایی از خوبی‌ها باشد و باب معرفت و خداشناختی پیوسته باز و فروغ افروز بماند؛ در سیمای آن حضرت جمال حضرت حق با تمام بلندا و لطافتش جلوه نمایی می‌کند. حضرت حجت، کلمة الله است؛ یعنی جهانیان بدانند که آفریدگار یکتا، او را چون نیاکان و انبیای برگزیده، خلق کرده و پدید آورده، آنان نه زاده‌ی خدایند و نه همتای او؛ بلکه آفریدگان و بندگانی هستند از جنس آدمیان که از خود، هیچ ندارند؛ همانند کلمه که اصل و اساس، معنا است و لفظ، پرده‌ای است که شکافته می‌شود و دنیایی از معنا و مقصود را به نمایش می‌گذارد.

از سوی دیگر همان‌طور که لفظ و معنا در همدیگر تأثیر گذارند زیبایی و شرافت را درهم انتقال می‌دهند. امام زمان عليه السلام نیز که مظهر و ترجمان صفات جلال و کمال خداوند است؛ از این جهت عزیز و محترم است. امام باقر عليه السلام فرمود:

۱. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۹۹، کتاب الصلاة، ابواب الدعاء، باب ۳۷، ح ۴.

اهل بیت علیهم السلام پیشوایان هدایت‌اند و به تقوا و پرهیزکاری فرا می‌خوانند، آن‌ها کلمة الله، والامقام و بلند مرتبه و بزرگ‌ترین حجت‌خدایند.<sup>۱</sup>

آری، آخرین از سلسله‌ی برترین‌ها، انسان کامل و بنده‌ای شایسته است و به‌ترین و آسان‌ترین راهی که خدای عزیز و مهربان برای شناخت خود در مجموعه‌ی کیهان به فضل و احسانش قرارداد. باشد که ما نیز با نهادن آن حضرت و نیاکان پاکش در آن جا که خدایشان نهاده، نه فروتر و نه فراتر، در سیمای گرانقدرشان چشم‌دوزیم و در رفتار و کردار و باورش‌ان خدا را جویم و بر سیرتشان ره‌پیماییم.

در زیارت آن جناب، این گونه به آفتاب فضیلتش درود می‌فرستیم:

السَّلَامُ عَلَى كَلِمَةِ الْمُخْمُودِ!

درود بر آن کلمه‌ی ستوده‌ی خداوند.<sup>۲</sup>

امیر مؤمنان، علی علیه السلام در صفات امام فرموده است:

الْأِمَامُ كَلِمَةُ اللَّهِ وَ حُجَّةُ اللَّهِ!

امام کلمة الله و حجت خدا است.<sup>۳</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر فرمود:

ای مردمان! از خدا پروا کنید و با امیر مؤمنان، علی و

---

۱. بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۵۱، کتاب الامامة، باب جوامع مناقبهم، و فضائلهم، ج ۲۲.

۲. مفاتیح الجنان / ۸۷۵.

۳. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۶۵، کتاب الامامة، باب ۴، جامع فی صفات الإمام و...، ج ۳۹.

حسن و حسین و پیشوایان [از دودمان حسین علیه السلام] بیعت کنید. آنان کلمه‌ای هستند پاکیزه و ماندگار؛ هر کس به آنان نیرنگ زند، خدا هلاکش کند، و هر کس به آنها وفادار بماند، خداوند به آنها مهربانی و ترحم کند.<sup>۱</sup>

مفضل از امام صادق علیه السلام پرسید: مقصود از بکلمات، و اتمهن در این آیه شریفه «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»<sup>۲</sup> چیست؟  
امام فرمود:

این کلماتی بود که حضرت آدم از حضرت حق حکیم آموخت و به سوش توبه کرد؛ آن کلمات این است: يَا رَبِّ! أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ إِلَّا تُبْتَ عَلَيَّ؛  
پروردگارا! به حق حضرت محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین از تو خواهانم که از من درگذری و توبه‌ام را پذیری.

و منظور از «أَتَمَّهُنَّ» پیشوایان معصوم تا حضرت قائم است که دوازده تن هستند و نه تن آنها از دودمان حسین‌اند.<sup>۳</sup>

۱. همان، ج ۳، ص ۲۱۵، تاریخ امیر مؤمنان علیه السلام، باب ۵۲، أخبار الغدير.

۲. بقره/ ۱۲۴؛ ترجمه آن گذشت.

۳. بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۶۶ کتاب النبوة، باب ۳، إراءة إبراهيم علیه السلام ملكوت السماء، ج ۱۲.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیهی شریفه‌ی «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشِئِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ وَ يَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»<sup>۱</sup>، فرمود:

مقصود، استواری و پابرجایی حق به امامان معصوم و

حضرت قائم از آن خاندان [صلوات الله علیهم] است.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام به مشتاقان دیدار و طلوعش سفارش فرموده است: پس از هر نماز، برای آن حضرت دعا کنند و با پروردگار پیمانی سخت بندند که امامشان را یار و یاور باشند و از او چنین خواهند: خدایا! ولی و فرزند نبی‌ات را که همانم اوست، آشکار کن تا هر باطلی را نابود، و حق را با کلمات [= امام معصوم علیه السلام] حاکم سازد.<sup>۳</sup>

---

۱. شوری / ۲۴؛ آیا می‌گویند: او بر خدا دروغ بسته است؟! در حالی که اگر خدا بخواهد بر قلب تو مهر می‌نهد و اگر خلاف بگویی قدرت اظهار این آیات را از تو می‌گیرد و باطل را محو می‌کند و حق را به فرمانش پابرجا می‌سازد؛ چرا که او از آنچه درون سینه‌هاست آگاه است.

۲. بحار الأنوار، ج ۹، ص ۲۳۹، کتاب الاحتجاج، باب ۱، احتجاج‌الله تعالی علی ارباب الملل...، ح ۱۱۹.

۳. بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۶۱، کتاب الصلاة، باب ۳۸، سائر ما يستحب عقبه کل صلاة، ح ۶۹

# غوث

## غوث: فریادرس

انسان در طول زندگی با موانع و مشکلاتی روبه‌رو می‌شود که گاه برابر آنها و درمانده شده، راه به جایی نمی‌برد. در امور معنوی نیز بسیار اتفاق می‌افتد که بنده‌ای در دریای فتنه‌ها و آزمون‌های الهی سرگردان و گرفتار می‌آید و تمام راه‌های نجات و رهایی پیش روی خویش را بسته می‌بیند. این جا است که ضمیر ناخودآگاه، انسان را متوجه قادر متعال می‌کند و تنها خدا را امین و توانا بر دستگیری و نجات خویش می‌یابد تا به دامان رحمتش چنگ زند و از روی صدق و جان بخواندش.

قرآن کریم، این حقیقت را در قالب‌های مختلف و مثال‌های گوناگون بیان می‌کند و مردم را به سوی حضرت حق متعال و یکتاپرستی سوق می‌دهد و یاد و خاطره میثاق و افراد به توحید در عالم ذر را در قلوب و دل‌ها زنده می‌سازد:

﴿قُلْ مَنْ يُنَجِّيْكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَئِنْ أَنْجَيْنَا مِنْ هَذِهِ لَنُكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ \* قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيْكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ

أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ<sup>۱</sup>

﴿أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظِلْمَتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ  
الرياح بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَعْلَهُ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ  
عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾<sup>۲</sup>

اگر وسط دریایی متلاطم یا در دل بیابانی تاریک و ترسناک راه خود را  
گم کردید و هراس و خطر شما را از هر طرف تهدید کرد، فریاد رس و  
کشتی نجات شما جز پروردگار مهربان کیست؟! تنها آن ذات تا نامحدود  
می‌تواند شما را از این هلاکت حتمی و مشکلاتی مانند آن، که شما را در  
زندگی احاطه کرده رهایی بخشد.

در دعای والا و ارزشمند جوشن کبیر، حضرت رسول ﷺ آفریدگار  
پاکش را با این صفات خواند و از او در برابر ناملايمات و دشواری؛ یاری و  
پناه خواست:

يا غِيَاثِي عِنْدَ كُرْبَتِي، يا دَلِيلِي عِنْدَ حَيْرَتِي، يا  
مَلْجَأِي عِنْدَ ضِطْرَارِي، يا مُغِيثِي عِنْدَ مَفْزَعِي يا حِرْزَ  
مَنْ لا حِرْزَ لَهُ، يا غِيَاثَ مَنْ لا غِيَاثَ لَهُ... الغوث،  
الغوث، خَلَّصْنَا مِنَ النَّارِ يا رَبِّ؛

ای فریادرس من در وقت سختی! ای راهنما و رهبر من آن وقت که  
حیران و سرگردان شدم! ای پناهم زمانی که مضطر و پریشان شوم! ای یاور  
و داد رستم در هنگامه‌ی ترس و هراس! ای نگهبان درماندگان! ای پناه  
بی‌پناهان! به تو پناه آورده‌ام؛ مرا از آتش قهرت رها کن، ای پروردگار من!

۱. أنعام / ۶۳ و ۶۴

۲. نمل / ۶۳



آقا امیرالمؤمنین علی علیه السلام محبوب دل و مأوای جانس را در دعای کمیل با این صفت صدا می‌زند و به رحمت گسترده‌ای پناه می‌برد:<sup>۱</sup>

یا غیاث المُسْتَعِیْن؛ ای فریاد رس، استغاثه کنندگان.<sup>۲</sup>

امام رضا علیه السلام از نیاکان پاکش روایت می‌کند: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

غیاث به معنای فریاد رس بیچارگان از نام‌های

خداوند سبحان است.<sup>۳</sup>

رسول رحمت و خاندان معصومش علیهم السلام، مظهر غوث و پناه

حضرت حق، این خاندان پاک را ملجأ و پناه مردم مضطر در دنیا و آخرت، در مصیبت‌های مادی و معنوی قرار داد تا هر جا سختی‌های زمان آن‌ها را به زانو درآورد و غم و غصه سرگردان و متحیرشان ساخت، به دامان آن عزیزان پناه بَرند و به آنان توسل جویند و از آستان پاکشان کمک و فریادرسی خواهند، تا در رحمت الهی برای شان گشوده و دست توانای خدا از جانب آن‌ها به یاریشان دراز شود. در امور معنوی نیز فلسفه‌ی نزول تاب‌های آسمانی و بعثت انبیا و اوصیا علیهم السلام نجات و رهایی مردم از غرقاب شرک و گمراهی است.

کمک خواهی و دادرسی در سیره‌ی انبیا علیهم السلام و پیروانشان همچون اصلی

ثابت و مسلم وجود داشته و قرآن کریم هم به چنین امری دستور داده<sup>۴</sup> و

۱. مفاتیح الجنان، ص ۱۸۴، بند ۱۲ و ۲۹.

۲. همان / ۱۳۳.

۳. مصباح کفعمی، فصل ۳۲، ص ۴۱۹.

۴. «وابتغوا الیه الوسیله»، مائده / ۳۵.



پدرتان، امام صادق علیه السلام رسیدیم. پدرم از امام صادق علیه السلام پرسید: شما امامانی پاک و مطهر هستید، ولی از مرگ گریزی نیست، به من چیزی - درباره‌ی امام پس از خود - بگویید تا به فرزندانم بگویم و بعد از من گمراه نشوند». اشاره به فرزندانش کرد و فرمود:

«اینان زادگان من هستند و این فرزند (موسای کاظم) سید و آقای آنان است. او دری از درهای بهشت است. خداوند متعال، غوث و فریادرس، پناه و بیرق هدایت، نور و فضیلت و حکمت این امت (امام رضا علیه السلام) را از صُلب او خارج می‌سازد. که به‌ترین مولود خواهد بود. حضرت حق، به واسطه‌ی او از خونریزی جلوگیری می‌کند، میان مردم آشتی می‌دهد، پراکندگی‌ها و شکستگی‌ها را اصلاح می‌کند، و امان و امنیت برای مردمی باشد که هراسانند و بیچاره....»<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام در روایتی به شیعیان فرمود:

خاندان پیامبر شما علیهم السلام، پناهگاه محکم مؤمنان، نور چشمان هدایت یافتگان، مأوا و حصار کسی است که به آنها پناه آرند و سبب نجات برای کسی هستند که پیرویشان کنند.<sup>۲</sup>

حضرت مهدی علیه السلام مظهر و جلوه‌ای تمام از غوث و رحمت خداوند است که در این عصر، پناه و ملجأ مردمی است که هر لحظه سختی‌ها و

۱. يَخْرُجُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْهُ غَوْثُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ غِيَاثُهَا وَ عِلْمُهَا وَ نُورُهَا وَ فَضْلُهَا وَ حِكْمَتُهَا، خَيْرٌ مَوْلُودٍ وَ خَيْرٌ نَاشِئٍ، يَخْفِقُ اللَّهُ بِهِ الدَّمَاءَ وَ...، کافی، ج ۱، کتاب الحجّة، ص ۳۱۳، باب الأُشارة و النص على على بن الحسن الرضا علیه السلام، ح ۱۴.

۲. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۵۵، کتاب الامامة، باب جوامع مناقبهم و فضائلهم، ح ۳۱.

ناملايمات سينه‌هايشان را مي‌فشارد و فكر و عقل‌شان را در تسلط و سيطره‌ي خود قرار داده و متحير کرده است.

از زماني که آن حضرت، عهده‌دار امر خلافت و امامت شد تاکنون، شاهدیم که چه کسانی به آستان رحمتش رو آوردند و استغاثه کردند و نجات خواستند و او فریادرسی و دستگیری نمود؛ چه بیمارانی که تنها آن طبیب دل‌ها مداوای‌شان کرده، دل‌های شکسته و زخم دیده‌ای که یوسف زهر عَلَيْهِ السَّلَامُ بر زخم کهنه‌شان مرهم گذاشت بلکه خود، مرهم قلب‌های‌شان بود و در امور معنوی سالکان در راه مانده را چه خوب و مشفقانه یاری کرده و می‌کند. او که کلید گشایش امور به دستان پر توانش سپرده شد و فردایی بیاید که با قیامش، گرد و غبار غم و اندوه را از قلب‌های پر درد و خسته بزداید و کمر خمیده‌ی بینوایان و مظلومان تاریخ را که سالیان دراز زیر قدم‌های سنگین ظالمان بوده، آزاد سازد.

آری؛ حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ از آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ذخیره‌ی الهی برای پناه مردم و منجی و فریادرس تمام فریادهای خسته‌ای است که از ستم‌دیدگان شرق و غرب عالم برای دادخواهی به گوش می‌رسد و روزگاری دراز بی‌پاسخ مانده است.

یکی از القاب منجی بشریت و یارو یاور مستمندان «غوث» است که در زیارت آل یس با این نام به حضرت متوسل می‌شویم و از او یاری و کمک می‌طلبیم؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلِمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعَلِمُ  
الْمَنْصُوبُ وَالْغُوثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ؛ سلام بر تو ای

پرچم برافراشته! ای عَلم و حکمت موهوب حقا! ای  
پناه خَلق و رحمت گسترده‌ی خداوند!

ابوالوفا شیرازی گوید:

من در اسارت ابی علی الیاس بودم و در زندان بر من سخت می‌گرفت. روزی مطلع شدم که می‌خواهد مرا بکشد. پیش خدا شکایت کردم و امام زین العابدین علیه السلام را شفیع خود قرار دادم. در این حال خواب مرا ربود. رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم، به من فرمود: «وقتی شمشیر به گلویت رسید - و اشاره کرد به حلق خود - به فرزندم، حضرت حجت علیه السلام متوسل شو و استغاثه به او کن، او تو را رها می‌کند؛ چون او پناه و فریادرس، استغاثه کننده‌ها است و بگو: یا مولای، یا صاحب الزمان! انا مستغیث بک؛ ای مولایم؛ ای امام زمان! من به تو پناه آورده‌ام و از تو کمک می‌خواهم.» در این حال دیدم شخصی از آسمان فرود آمد در حالی که بر اسبی سوار بود و در دستش نیزه‌ای از نور بود. گفتم: «ای مولا! شرّ آن دشمن را از من برطرف ساز که مرا اذیت می‌کند.» فرمود: «کار تو را انجام دادم.» فردا صبح، الیاس مرا خواست و گفت: به چه کسی استغاثه کردی؟ گفتم: «به فریادرسِ درماندگان»<sup>۲</sup>.

نمازها و ادعیه‌ای که برای توسل و استغاثه به آن بزرگوار وارد شده فراوان است؛ همچون: نماز حضرت، زیارت آل یس و... که در کتاب‌های ادعیه مانند *مفاتیح الجنان* آمده است.

۱. *مفاتیح الجنان* / ۱۰۱۵

۲. *نجم الناقب*، ص ۷۲۹، باب ۹.

حضرت آیت‌الله سید محمد کشمیری به آیت‌الله ناصری دولت‌آبادی فرمود: در سختی‌ها و مشکلات بگو: «یا صاحب الزمان ادرکنی، یا صاحب الزمان اغثنی»؛ این ذکر شریف چون اسم اعظم کارایی دارد و حلال مشکلات است.

### تشرّف روغن فروش حلّه

عالم جلیل‌القدر شیخ علی رشتی که از عالمان با تقوا و زاهد و شاگرد مرحوم شیخ انصاری رحمته‌الله بود نقل فرمود:

یک بار برای زیارت حضرت ابی عبداللّه‌الحسین علیه‌السلام از نجف به کربلا مُشرف شدم. در مراجعت می‌خواستم از راه رودخانه‌ی فرات برگردم، لذا در کشتی کوچکی که بین کربلا و «طویریج» رفت و آمد می‌کرد نشستم. مسافران کشتی همه اهل حلّه بودند و می‌خواستند تا طویریج بیایند و از آن‌جا که راه حلّه و نجف از هم جدا می‌شود به شهرشان بروند.

آن جماعت مشغول لهو و لعب و مزاح بودند، جز یک نفر که همراهشان بود، او نه می‌خندید و نه مزاح می‌کرد و در این کارها خود را داخل نمی‌نمود و آثار وقار و بزرگواری از او ظاهر بود. رفقاییش به مذهب او ایراد می‌گرفتند و عیب‌جویی می‌کردند، در عین حال در خورد و خوراک با هم شریک بودند.

من خیلی تعجب کردم ولی موقعیتی نبود که از او در این باره سؤال کنم، تا به جایی رسیدیم که به دلیل کمی آب رودخانه، ما را از کشتی بیرون کردند که کشتی به گل نشیند. ما هم کنار نهر راه می‌رفتیم. اتفاقاً در بین راه نزدیک آن شخص بودم، لذا از او پرسیدم: چرا خودت را از دوستان کنار

می‌کشی و آنها به مذهب تو ایراد می‌گیرند؟

گفت: این‌ها خویشان و بستگان من هستند که همگی از اهل سنتند و پدرم نیز سنی بود ولی مادرم مؤمن و شیعه است. من هم قبلاً مثل آنها سنی بودم اما به برکت حضرت صاحب الزمان علیه السلام شیعه شدم.

گفتم: چطور شیعه شدی؟

گفت: اسم من «یاقوت» و شغلم فروختن روغن در کنار «پل حله» است. چند سال قبل یک بار برای خریدن روغن از بادیه‌نشینان عرب، به اطراف و نواحی حله رفتم. چند منزل که دور شدم با عده‌ای از آنها برخورد کردم و آنچه روغن می‌خواستم خریدم و همراه جمعی از اهل حله برگشتم. در یکی از منازل که فرود آمدم خوابیدم، وقتی بیدار شدم هیچ کس از آنها را ندیدم و همه رفته بودند.

راه ما در صحرای بی‌آب و علفی بود که درندگان زیادی داشت و در آن صحرا تا چند فرسخ هیچ آبادی و دهی نبود. برخاستم و روغن‌ها را بار کردم و به دنبال قافله راه افتادم، اما مقداری که رفتم راه را گم کردم و سرگردان شدم و ترس زیادی از جمله درندگان یا دزد به من دست داد. لذا همان جا به خلفا و بزرگان اهل سنت استغاثه کردم و آنها را نزد خداوند شفیع قرار دادم و تضرع نمودم، اما هیچ فرجی حاصل نشد.

ناگهان با خودم گفتم: من از مادرم می‌شنیدم که می‌گفت: ما امام زنده‌ای داریم که کنیه‌اش «اباصالح» است و گمشدگان را به راه می‌رساند و به فریاد درماندگان می‌رسد و ضعیفان را یاری می‌کند.

با خدا عهد کردم که: من به او استغاثه می‌کنم، اگر مرا نجات داد به دین

مادرم در می‌آیم. و همان جا او را صدا زدم و به حضرتش استغاثه کردم. ناگاه کسی را دیدم که با من راه می‌رود و بر سرش عمامه‌ی سبز است. او مسیر را به من نشان داد و دستور داد: «به دین مادرم در آیم.» و جمله‌های دیگری هم فرمود. بعد هم اضافه کرد: «به زودی به روستایی که اهل آن همه شیعه‌اند می‌رسی.» ... و از نظرم غایب گردید.

من هم راه افتادم و هنوز خیلی نرفته بودم که به آن قریه رسیدم، در حالی که فاصله تا آن‌جا خیلی زیاد بود و حتی رفقایم روز بعد به من رسیدند.

وقتی به حله برگشتم به حضور آقا سید مهدی قزوینی رسیدم و قضیه را برای ایشان نقل کردم و مسایل دینم را از او آموختم.<sup>۱</sup>



## منابع

۱. **اصول کافی**: ابو جعفر، محمد بن یعقوب کلینی رازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵.
۲. **الاطیب البیان**، عبدالحسین طیب، چاپ دوم، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۷۸.
۳. **بحار الأنوار**، مجلسی، علامه محمد باقر، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۴. **البرهان فی تفسیر القرآن**، حسینی بحرانی، سید هاشم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم.
۵. **البلد الامین فی ذکر ادعیه الساعات**، شیخ تقی الدین ابراهیم بن علی بن الحسن بن محمد بن العاملی الکفعمی، منشورات مؤسسة الأعلمی للمطبوعات بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
۶. **پژوهشی در تاریخ حدیث تسبیح**، مجید معارف، ناشر مؤسسه فرهنگی هنری صریح، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۷. **تفسیر صافی**، ملامحسن فیض کاشانی، چاپ دوم، انتشارات صدر، تهران، ۱۴۱۵ ق.

- ٨ . تفسير صدر المتألهين، محمد بن ابراهيم صدر الدين شيرازي، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، چاپ دوم، ١٤١٩ ق.
- ٩ . تفسير موضوعي قرآن حكيم (وحي و نبوت در قرآن)، نشر اسراء، قم، چاپ اول، ١٣٨١، قم. جوادي آملی.
- ١٠ . حيات القلوب، علامه محمد باقر مجلسی، انتشارات سرور، چاپ پنجم، ١٣٨٢ .
- ١١ . شرح نهج البلاغه، ابن الی الحديد، دارالحیاء الكتب العربی، بیروت ١٣٧٨ ق.
- ١٢ . العبقري الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان عليه السلام، نهاوندي، شيخ علي اكبر، انتشارات كتاب فروشي دبستاني، تهران.
- ١٣ . عوالم، عبدالله بن نور الله البحراني الاصفهاني، تحقيق و نشر: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، قم، چاپ دوم، ١٤١١ ق.
- ١٤ . القطرة من بحار مناقب النبي و العترة عليهم السلام، انتشارات ستاره/قم، چاپ اول ١٤١٨ ق.
- ١٥ . كفاية الاثر، علي بن محمد خراز قمی، انتشارات بيدار، قم، ١٤٠١ ق.
- ١٦ . كمال الدين و تمام النعمة، شيخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علي بن بابويه قمی، دار الكتب الاسلاميه، چاپ دوم، قم، ١٣٥٩ ش.
- ١٧ . مصباح المتهجد، چاپ اول، ١٤١١ ق، بيروت، موسسه فقه الشيعة، الشيخ ابي جعفر الحسن بن علي بن الحسن الطوسي، معروف به شيخ طوسي.
- ١٨ . المصباح كفعمي. شيخ تقی الدين الكفعمي، انتشارات محبين، ١٣٨١ / ١٤٢٣ ق.
- ١٩ . مفاتيح الجنان، قمی، شيخ عباس، ترجمه ی موسوی كلانتری دامغانی، انتشارات فاطمه ی زهرا عليها السلام، قم، چاپ پنجم.

۲۰. مکیال المکارم، فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام، تحقیق و نشر: مؤسسة الإمام مهدی، چاپ اول، ۱۳۲۲ش، ناشر حبل المتین.
۲۱. شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی: من لا یحضره الفقیه، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزہ علمیہ قم، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
۲۲. صافی گلپایگانی، آیت الله شیخ لطف الله: منتخب الاثر فی الإمام الثانی عشر علیہ السلام، سه جلدی، دفتر مؤلف، چاپ اول.
۲۳. منتهی الامال، ج ۲، انتشارات نسیم، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۲۴. عاملی، شیخ حر: وسائل الشیعه، تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت علیہم السلام، چاپخانه مهر، قم، چاپ اول.
۲۵. نضر بن مزاحم بن سیار منقوی: وقعة الصفيين، ظهور المحكمة، مجموعة آثار، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ ه. ق.



## کتاب نامه

۱. کلیانی رازی، محمد بن یعقوب: *اصول کافی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵.
۲. طیب، عبدالحسین: *الاطیب البیان*، انتشارات اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۳. مجلسی، محمدباقر: *بحار الأنوار*، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۴. حسینی مجرانی، سیدهاشم: *البرهان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم.
۵. کفعمی، شیخ تقی الدین ابراهیم بن علی بن الحسن بن محمد بن العاملی: *البلد الامین فی ذکرا دعیه الساعات*، نشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
۶. معارف، مجید: *پژوهشی در تاریخ حدیث شیعہ*، مؤسسه فرهنگی - هنری صریح، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۷. فیض کاشانی، ملا محسن: *تفسیر صافی*، انتشارات صدرا، تهران، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
۸. شیرازی، محمد بن ابراهیم صدرالدین: *تفسیر صدر المتألهین*، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۹ ق.

۹. جوادی آملی، عبدالله: **تفسیر موضوعی قرآن حکیم** (وحی و نبوت در قرآن)، نشر اسراء، قم، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۰. مجلسی، محمدباقر: **حیاء القلوب**، انتشارات سرور، چاپ پنجم، ۱۳۸۲.
۱۱. ابن ابی الحدید: **شرح نهج البلاغه**، دارالحیاء الکتب العربی، بیروت، ۱۳۷۸ ق.
۱۲. نهاوندی، شیخ علی اکبر: **العقربى الحسان فی احوال مولانا صاحب لزمان رحمته**، انتشارات کتاب فروشی دبستانی، تهران.
۱۳. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله: **عوامل**، تحقیق و نشر مؤسسه الامام المهدي، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۱ ق.
۱۴. القطرة من بحار مناقب النبی والعترة عليهم السلام، انتشارات ستاره، قم، چاپ اول، ۴۱۸.
۱۵. خراز قمی، علی بن محمد: **کفایة الاثر**، انتشارات بیدار، قم، ۱۴۰۱ ق.
۱۶. شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی: **کمال الدین و تمام النعمه**، دارالکتب الاسلامیه، قم، چاپ دوم، ۱۳۵۹.
۱۷. مطهری، مرتضی: **مجموعه آثار**، ج ۲۱، انتشارات صدرا، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
۱۸. الشیخ ابی جعفر الحسن بن علی بن الحسن الطوسی (معروف به شیخ طوسی): **مصباح المتجهد**، مؤسسه فقه الشیعه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۱۹. کفعمی، شیخ تقی الدین: **المصباح کفعمی**، انتشارات محسن، ۱۳۸۱ ش / ۱۴۲۳.
۲۰. قمی، شیخ عباس: **مفاتیح الجنان**، ترجمه موسوی کلانتری دامغانی، انتشارات فاطمه زهرا (س)، قم، چاپ پنجم.
۲۱. مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم عليه السلام، تحقیق و نشر: مؤسسه الاسلام مهدی، جبل المتین، چاپ اول، ۱۳۲۲.